

## جشن هشتاد سالگی حزب توده ها



جشن هشتاد سالگی حزب توده ها روز شنبه ۱۷ مهر (۹ اکتبر) با حضور کثیری از رفقا، دوستان و علاقمندان در سامانه زوم برگزار شد و همچنین در فیس بوک حزب هم پخش گردید. جشن حزب با یک دقیقه سکوت در گرامی داشت خاطره جان باختگان توده ای و همه جان باختگان راه آزادی و عدالت اجتماعی میهن و سپس با پخش سرود چهارم حزب آغاز شد.

در طی برنامه شماری از رهبران حزب های کارگری و کمونیستی جهان، از جمله از فرانسه، عراق، هند، بریتانیا، قبرس و یونان پیام های پرشوری در همبستگی با حزب توده ایران و مبارزات مردم ایران ارائه دادند.

در بخش های دیگر برنامه رفیق عادلۀ چرنیک بلند، صدر کمیته مرکزی فرقه دموکرات آذربایجان، با وجود بیماری پیام پر شوری را به شرکت کنندگان در نشست ارائه داد. جشن هشتاد سالگی حزب توده ها همچنین شاهد سخنرانی رفیق محمد امیدوار، سخنگوی کمیته مرکزی حزب توده ایران، رفیق شهین دوستدار، نماینده تشکیلات دموکراتیک زنان ایران، رفیق گودرز اقتداری، نماینده شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و خانم توران همتی از طرف حزب چپ ایران (فدائیان خلق) بود. افزون بر برنامه های هنری گوناگون و هنرنمایی هنرمند جوان سارا جشن هشتاد سالگی توده ها خاطرات بیاد ماندنی از مبارزه و رزم توده ای ها در زندان های رژیم ولایت فقیه، از زبان رفیق ناصر مؤذن و رفیق مصطفی بخشی شنید. جشن هشتاد سالگی توده ها با پخش سرود انترناسیونال به کار خود پایان داد.

نامه  
مردم  
ارگان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۱۱۴۰، ۱۹ مهر ۱۴۰۰  
دوره هشتم، سال سی و هشت

### ورشکستگی سیاست خارجی رژیم ولایی،

دامن زدن به "ناسیونالیسم اسلامی"، و تنش در مرزهای شمال غربی کشور در هفته های اخیر افزایش تنش بین رژیم ولایت فقیه و سران دولت جمهوری آذربایجان با انجام مانورهای نظامی از جانب دو طرف و ترکیه آغازگر فرایندی نگران کننده برای مردم کشور ما بوده است که خود می تواند وضعیت متزلزل صلح در منطقه قفقاز جنوبی را با خطرهایی فزاینده تر روبرو سازد.

تجربه نشان داده است در غیاب برخورد دیپلماتیک دقیق و واقع بینانه که هدف اصلی آن حفظ صلح و منافع ملی طرفین باشد، تنش های منطقه ای که در ابتدا حتی کم اهمیت به نظر می آمدند می توانند به سرعت وضعیت را به سوی مناقشه های نظامی و حتی درگیری های خطرناک سوق دهد. به این ترتیب، اجرای مانور بزرگ نظامی و در پی آن رجزخوانی علی خامنه ای در مورد "سیلی زدن" به سران کشور همسایه به همراه ورود و دخالت فرماندهان سپاه در آن، تنش های موجود در مرزهای شمال و

ادامه در صفحه ۱۶

### متن سخنرانی های

- \* رفیق محمد امیدوار، سخنگوی کمیته مرکزی حزب توده ایران ص ۲
- \* رفیق عادلۀ چرنیک بلند، صدر کمیته مرکزی فرقه دموکرات آذربایجان ص ۴
- \* رفیق فابین روسل دیبر ملی حزب کمونیست فرانسه ص ۵
- \* رفیق رائد فهمی دبیرکل حزب کمونیست عراق ص ۵
- \* رفیق دورایسامی رجا، دبیرکل حزب کمونیست هند ص ۶
- \* رفیق رابرتس گیریفیتس، دبیرکل حزب کمونیست بریتانیا ص ۶
- \* رفیق ورا پولیکاریو، مسئول شعبه بین المللی کمیته مرکزی (اکل) ص ۷
- \* رفیق لفتاریس نیکولاو آلبانوس، از شعبه بین الملل حزب کمونیست یونان و عضو پارلمان اروپا ص ۵
- \* رفیق شهین دوستدار، نماینده تشکیلات دموکراتیک زنان ایران ص ۸
- \* رفیق گودرز اقتداری، نماینده شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ص ۹
- \* خانم توران همتی، نماینده حزب چپ ایران (فدائیان خلق) ص ۹
- \* خاطراتی از زندان - رفیق مصطفی بخشی ص ۱۰
- \* خاطراتی از زندان - رفیق ناصر مؤذن ص ۱۱

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم "ولایت فقیه"!



Mohammad Omidvar

محرومترین قشرهای جامعه همچنان وفادار مانده است.

به اعتقاد ما تأسیس حزب توده ایران از نیاز واقعی اجتماعی - اقتصادی ای در کشور ما سرچشمه گرفته بود. همان طوری که در اعلامیه کمیته مرکزی حزب به مناسبت هشتادمین سالگرد حزب هم اشاره شده است، اندیشه برابری حقوق زن و مرد، اندیشه دموکراسی، عدالت اجتماعی، به رسمیت شناخته شدن حقوق زحمتکشان به خصوص کارگران، طرح مسئله آموزش و بهداشت برای همه، از جمله اندیشه‌هایی بودند که توسط توده‌ای‌ها در جامعه مطرح شد و تا اعماق آن نفوذ یافت.

زنده‌یاد عزت‌الله سحابی در مقاله "جبهه‌های ملی و مردمی در کشورهای پیرامونی" در این زمینه چنین می‌نویسد: "مارکسیسم و ادبیات سیاسی و فلسفی مربوط به آن، دستاورد يك جنبش جهانی بود که در همان آغاز تشکیل حزب توده، پایه‌گذاران آن این میراث جهانی را به ارث بردند. ... البته حزب توده به دلیل قدرتی که در سال‌های ۲۰ تا ۳۲ به دست آورد توانست تحولاتی در جامعه ما به وجود آورد. قانون کار ایران در سال ۱۳۲۵ زمانی که اعضای حزب توده در کابینه قوام شرکت داشتند به همت و پیشنهاد این حزب به تصویب رسید. ... تحولاتی که این حزب در ایران به وجود آورد از دلایل دوام و نفوذ حزب توده در ایران بود. ..."

بر این اساس روشن است که هم امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و هم متحدان و کارگزاران داخلی‌اش مانند رژیم شاه و وابستگان درباری، نمی‌توانستند فعالیت آزاد حزبی را در جامعه قبول کنند که توانسته بود به یک نیروی عظیم و بسیج‌گر پرتوان کارگران و زحمتکشان بدل شود. آنچه پس از گذشت نزدیک به ده‌ها سال در اسناد کشورهای آمریکا و انگلیس روشن شده است این حقیقت است که یکی از مهم‌ترین هدف‌های کودتای ننگین سیا در سال ۱۳۳۲، نابودی حزب توده ایران در جامعه و خشکاندن ریشه‌های اجتماعی آن بود. سرکوب خونین توده‌ای‌ها از جمله اعدام جنایت‌کارانه رفقای قهرمانی همچون سیامک‌ها، مبشری‌ها، وکیلی‌ها، کیوان‌ها، و روزبه‌ها نشانگر هراس عمیق ارتجاع و امپریالیسم از ادامه حیات و مبارزه حزب ما در ایران بود.

سرکوب طولانی نیروهای "چپ" به وسیله رژیم شاه سبب شده بود که در جریان رشد جنبش انقلابی در میهن‌مان نیروهای مذهبی و انحصارطلب با استفاده از امکانات وسیع سازمان‌دهی، مانند مساجد و تکایا، نقش رهبری جنبش را برعهده بگیرند و مهر و نشان‌شان را از همان ابتدا بر جنبش بکوبند. نشریه "نوید" در همان هنگام در این باره نوشت: حزب توده ایران در حد توان خود به شکل فعال در روند جنبش انقلابی کشور شرکت کرد و گروهی از مبارزان توده‌ای و پارتیزان‌های حزب ما جان خود را در این راه از دست دادند و با خون خود سنگرهای انقلاب را رنگین کردند. از جمله این رفقا می‌توان از رفقا خسرو مقصودی، محمد جانجانیان، نادر عبدالمناف، حجت‌الله قریشی، علی مطلب‌زاده، محمد سلطان‌زاده و دیگران... نام برد.

با پیروزی انقلاب بهمن ۵۷ فصلی نو در مبارزات آزادی‌خواهانه کشور ما گشوده شد و حزب توده ایران پس از گذشت نزدیک به ۲۵ سال فعالیت مخفی بار دیگر به صحنه علنی فعالیت سیاسی کشور بازگشت و در مدتی کوتاه علی‌رغم سال‌ها دوری و سال‌ها تبلیغات منفی و سم‌پاشی درباره آن، توانست ده‌ها هزار نفر را در صف‌هایش متشکل کند.

از فردای پیروزی انقلاب بهمن مبارزه‌ای دشوار در عرصه‌های مختلف آغاز شد. روحانیون به رهبری خمینی که سکان انقلاب را به دست گرفته بودند در ابتدا به علت نداشتن توانایی لازم حاضر به تقسیم قدرت با بخش‌هایی از جبهه ملی و سایر مسلمانان رادیکال گردیدند (در این زمینه خاطرات دکتر سحابی، در نشریه توقیف شده "ایران فردا" درباره چگونگی اتکای خمینی و یاران او به دیگر

نیروها برای گرداندن امور و حتی

## سخنرانی رفیق محمد امیدوار، سخنگوی کمیته مرکزی حزب توده ایران در جشن هشتاد سالگی حزب توده‌ها

رفقا، هواداران، و دوستان گرامی شرکت‌کننده در جشن هشتادمین سالگرد بنیان‌گذاری حزب توده‌های کار و زحمت! درود بر شما و بر همه رزمندگان راه طبقه کارگر و زحمتکشان و همه کوشندگان راه تحقق آزادی، استقلال، و عدالت اجتماعی در میهن‌مان!

زنده‌یاد رفیق علی خاوری در مصاحبه‌ای با نامه "مردم" به مناسبت هفتاد و چهارمین سالگرد حزب اشاره کرده بود که "تاریخ حزب توده ایران از هر نظر و زاویه‌ای که بخواهید به آن نگاه کنید تاریخ منحصر به فرد و یگانه‌ای در کشور ماست. در تاریخ معاصر ایران هیچ حزب سیاسی‌ای را پیدا نخواهید کرد که تأسیس آن به دست زندانبان سیاسی بنام و عناصر پیشرو و مترقی طرفدار منافع و حقوق کارگران و زحمتکشان صورت گرفته باشد و این حزب توانسته باشد با وجود دهه‌ها سرکوب‌خشن و خونین همچنان بدون هیچ تزلزلی در راه رهایی کشورش از بندهای استعمار، استثمار، و استبداد به مبارزه ادامه دهد."

و پیش از این، رفیق قهرمان رحمان هاتفی (حیدر مهرگان) که در شکنجه‌های رژیم استبدادی جان باخت، در مقدمه کتاب "اسناد و دیدگاه‌های حزب توده ایران" درباره تاریخ حزب توده ایران نوشته بود: "به تاریخ می‌توان دروغ گفت، اما تاریخ دروغ نمی‌گوید. تاریخ حزب توده ایران کلمات نیستند، خس و خاشاک باد داده به دست دشمنان طبقاتی و به طوفان سپرده شده توسط غافلان نیست، بلکه تجربه‌های خونین، سرگذشت‌های سوخته در شعله باروت، میراث‌های شکنجه و حبس و تبعید و آموزش‌های وسعت داده شده به طبقه و انقلاب است، نباید تک‌درخت‌ها را به جای جنگل به نسل از راه رسیده فروخت!"

و پیش از رحمان هاتفی نیز زنده‌یاد رفیق حجت‌الله قریشی که در سنگرهای انقلاب جان باخت، گفته بود: "با حزب توده ایران، تاریخ و سرگذشت شگرفی همدوش است. چیزی مرموز و پُر جاذبه، چیزی به تیرک روزبه، سیامک، و وارطان در سطر سطر تاریخ این حزب موج می‌زند؛ چیزی شبیه موج و طوفان."

رفقا و دوستان

دهم مهرماه امسال، مصادف بود با هشتادمین سالگرد بنیان‌گذاری حزب توده ایران. نگاهی گذرا به انبوه نوشته‌ها و کتاب‌ها درباره تاریخ حزب ما نشانگر این واقعیت تلخ است که اکثر آنچه درباره حزب ما در خلال هشتاد سال گذشته منتشر شده است یا بسیاری از مواردش به سفسطه، افترا، و غرض‌ورزی آلوده است یا تحت تأثیر کارزار تبلیغاتی امپریالیسم و ارتجاع داخلی قرار داشته و گه‌گاه هم تکرار دقیق همان مطالبی است که در بنگاه‌های انتشاراتی دستگاه‌های امنیتی حکومت‌های استبدادی حاکم بر میهن ما تهیه شده و همچنان می‌شود. بدیهی است که این چنین مجموعه‌ای از نظر شیوه پژوهشی بنیان‌های مستحکم علمی تاریخی‌ای ندارند و بنابراین نمی‌توانند باری دهنده نسل جوان کنونی و آینده برای آشنا شدن با حزبی باشند که به‌اعتراف دوست و دشمن تأثیرهایی عمیق و همه‌جانبه بر تاریخ سیاسی و مبارزات ضد استبدادی و ضد استعماری میهن ما داشته است.

در این زمینه کار بزرگی پیش روی نسل کنونی و نسل‌های آینده قرار دارد که باید با صبر و حوصله و با اتکا به روش‌های علمی پژوهش به آن بپردازند. بنابراین هدف از این گفتار نه ترسیم تاریخ هشتاد سال مبارزه حزب توده‌هاست و نه نشستن به داوری یک‌سویه درباره رویدادهای تاریخی متکی بر داده‌های امروزی، اگرچه انسان‌های امروزی متکی به داده‌ها و برداشت‌هایی متفاوت با نسل‌های گذشته‌اند. تلاش من در این گفتار اشاره‌ای بسیار کوتاه به تاریخ حزب، به تجربه‌های تلخ و شیرین گذشته، و روشن کردن گوشه‌هایی از سیمای تاریخی حزبی است که هنوز پس از گذشت هشتاد سال و پس از رنج‌های عظیم سرکوب‌های خشن و خونین حاکمان قدرت، هزاران عضو جان‌باخته، ده‌ها هزار سال زندان و سال‌هایی طولانی بدری و سپری کردن در مهاجرت‌های ناخواسته، همچنان پیگیر و استوار در راه رهایی کارگران و زحمتکشان از بندهای استثمار و برای استقرار ایرانی آزاد و جامعه‌ای متکی به عدالت اجتماعی می‌رزد و به وظیفه تاریخی‌اش در مقام نماینده سیاسی

## ادامه سخنرانی رفیق محمد امیدوار...

تهیه متن سخنرانی‌های مهم برای او سند تاریخی مهمی است). ترکیب شورای انقلاب و نخستین دولت پس از پیروزی انقلاب نیز نمره چنین توافقی بود. حذف کامل نیروهای چپ و دموکراتیک از این ترکیب از همان ابتدا یکی از ضعف‌های جدی حاکمیت برآمده از انقلاب بود.

روحانیت حاکم، به‌عنوان یک قشر نسبتاً منسجم و صاحب منافع مشترک، با وجود داشتن اختلاف‌های نظری با یکدیگر، توانست پیرامون شعار برپایی "نظام اسلامی" به‌رهبری خمینی متحد شود و در کوتاه‌مدت مهر خود را بر روند حوادث ثبت کند. حزب ما برغم مخالفت‌های باطنی با این روند، روندی که نمود روشن آن گنجاندن اصل "ولایت فقیه" در قانون اساسی و سپس اعمال آن در سیاست‌گذاری و حکومت بود، و همچنین به‌علت خوش‌بینی بیش‌ازحد به خمینی در مقام "رهبر انقلاب"، نتوانست به مبارزه‌ای جدی با این روند بپردازد. اختلاف‌ها در درون جنبش چپ نیز از جمله عامل‌هایی دیگر بود که در عمل به نیروهای ارتجاعی در سرکوب نیروهای مترقی و قبضه کردن قدرت کمک کرد.

از همان نخستین روزهای انقلاب مشخص بود که ارتجاع و امپریالیسم برای درهم کوبیدن جنبش انقلابی مردم دمی از پای نخواهند نشست و از تمام نیروی‌شان برای این هدف استفاده خواهند کرد.

آغاز جنگ ایران و عراق که حزب ما به‌درستی آن را توطئه جدی امپریالیسم برای شکست انقلاب ارزیابی کرده بود نیز به‌مثابه عاملی تعیین‌کننده به نیروهای ارتجاعی و طرفداران خمینی برای به‌دست گرفتن قدرت به‌طور انحصاری، کمک کرد.

با یورش گسترده و خونین ارتجاع به نیروهای مترقی در سال ۱۳۶۰، انقلاب ایران شکست خورد و نتوانست از چارچوب سیاسی به چارچوب اجتماعی اقتصادی فراروید. برغم جان‌فشانی‌های بی‌مانده‌های میلیونی خلق برای به‌پیروزی رساندن انقلاب، با قبضه انحصاری حاکمیت به‌وسیله خمینی و طرفدارانش، حکومتی ضد دموکراتیک، فزون‌وسطایی، و خشن بر کشور ما حاکم شد.

موضع‌گیری‌های آشکار حزب در مخالفت با ادامه جنگ ایران و عراق و فشارهایی که از جانب رژیم بر ضد دگراندیشان اعمال می‌گردید، موضع‌گیری‌های سران جمهوری اسلامی را در سال ۶۰ و ۶۱ نسبت به حزب خصمانه‌تر کرد. ابتدا به نشریات حزبی حمله شد و سرانجام در بهمن‌ماه سال ۱۳۶۱ نیروهای امنیتی رژیم در سراسر کشور به سازمان‌های حزبی یورش بردند و بر اساس ادعای ری‌شهری (وزیر اطلاعات وقت) بیش از ده هزار تن از اعضا، هواداران، و رفقای رهبری حزب دستگیر و روانه شکنجه‌گاه‌ها شدند. اکثریت قریب به اتفاق اعضای کمیته مرکزی، اعضای هیئت سیاسی و دبیرخانه کمیته مرکزی نیز در یورش‌های رژیم که تا اردیبهشت‌ماه ۱۳۶۲ ادامه یافت، به زندان انداخته شدند.

شکنجه‌گران رژیم از همان نخستین روزها به وحشیانه‌ترین شکل ممکن رفقای حزب خصوصاً اعضای رهبری حزب را به شلاق، داغ، و درفش بستند تا بتوانند با ترتیب دادن "اعترافات" تلویزیونی اعتبار حزب را در درون جامعه از بین ببرند. گستردگی یورش جمهوری اسلامی و ضرب‌به‌هایی که سازمان‌های حزبی در سرتاسر کشور خوردند، در تاریخ حزب ما بی‌سابقه بود. اعلام انحلال حزب و فرمان معرفی توده‌ای‌ها به نهادهای امنیتی در خلال اجرای این شوهای تلویزیونی که جان و زندگی بسیاری از رفقای ما را با خطرهایی جدی رو به‌رو کرد هم‌زمان ضرب‌های بزرگ بر حیثیت و اعتبار رهبری حزب توده ایران وارد آورد.

تاریخ بار دیگر تکرار می‌شد. حزب توده ایران سرکوب می‌شد تا منافع و حقوق زحمتکشانشان کشورمان پایمال گردد. افسران دلاور توده‌ای، افضل‌ی‌ها، کبیری‌ها، افراپی‌ها، آذرفرها... فاتحان جبهه‌های نبرد با تجاوز نظامی عراق به میهن‌مان به جوخه‌های مرگ سپرده می‌شدند تا رژیم خمینی با خیالی راحت بتواند به سیاست ضد ملی و ضد مردمی "جنگ جنگ تا پیروزی" اش ادامه دهد.

درباره سیاست‌های رهبری زندانی شده حزب و برنامه گسترده دستگاه‌های امنیتی رژیم از جمله تهاجم گسترده تبلیغاتی بر ضد تاریخ حزب و رهبری آن، اعزام افراد تسلیم شده در زندان به مأموریت دامن زدن به جو اختلاف و ایجاد سردرگمی در صف‌های حزب و در واقع جلوگیری از فعالیت مجدد حزب، پیکره‌ای مرگبار بود که توده‌ای‌ها در همه لحظه‌های زندگی با آن رو به رو بودند. برگزاری پلنوم هیجدهم حزب، پلنومی که توانست نهادهای قانونی حزب را بازسازی و کار سازمان‌دهی دوباره تشکیلات و بازبینی سیاست حزب در سال‌های نخست انقلاب را آغاز کند با علنی‌تر شدن اختلاف‌ها و نخستین انشعاب‌ها در صف‌های حزب مصادف شد. انشعاب گروه "بابک امیر خسروی-فرهاد فرجاد و فریدون آذرنور"، ابتدا زیر پوشش نوسازی حزب و سپس با ادعای اینکه حزب توده ایران رسالت تاریخی‌اش را از دست داده است، ضرب‌به‌هایی جدی بر پیکر سازمان‌های حزب در خارج از کشور وارد آورد. گسست این گروه آغازگر روند جدایی‌ها و دشواری‌های تازه در تشکیلات حزب بود.

با شروع روند "دگرگون‌سازی" در حزب کمونیست اتحاد شوروی و تحول‌های سال‌های پایانی دهه ۱۹۸۰ میلادی، جنبش کارگری و کمونیستی در جهان دچار مشکل‌هایی تازه شد و این مشکل‌ها همچنین پوششی شد برای مخالفت‌های جدید با حزب ما. مخالفان، بر ضد رهبری حزب به‌دلیل مخالفت باطنی‌اش با "سیاست‌های گارپاچف" حمله می‌کردند و پیاده شدن سیاست دگرگون‌سازی در درون حزب را خواهان بودند. مقاومت بخش‌هایی مهم از رهبری حزب به‌علاوه سیر حوادث، صحت مخالفت اصولی حزب با برخی عرصه‌های سیاست‌های انحلال‌طلبانه گارپاچف و همفکرانش در درون حزب کمونیست اتحاد شوروی را به‌اثبات رسانید. حرکت به سمت سرمایه‌داری و فروپاشی ساختار اقتصادی اجتماعی کشورهای سوسیالیستی سابق که به بدبختی، جنگ، و دربردی میلیون‌ها انسان منجر شد، نمی‌توانست از سوی حزب ما و دیگر حزب‌های کارگری و کمونیستی جهان تأیید گردد. برغم ادامه و پیچیده شدن مشکل‌ها در مهاجرت، حزب به‌همت پایداری رفقای توده‌ای در ایران و جهان و همچنین درایت و هشیاری رفیق خاوری که مسئولیت خطیر رهبری حزب را بر دوش می‌کشید توانست به موفقیت‌هایی مهم در بازسازی سیاسی و تشکیلاتی‌اش دست یابد.

## رفقا و دوستان

پدیده مهمی که حزب ما در طول خصوصاً چهار سال گذشته با آن رو به‌رو بوده است این واقعیت است که تلاش سازمان‌یافته‌ای صورت گرفته و می‌گیرد تا حزب نتواند دوباره به حزبی رزمنده و مؤثر در صحنه سیاسی کشور تبدیل شود. این تلاش سازمان‌یافته عبارت است از: منجمد کردن سیاست‌های حزب در سیاست سال‌های آغازین انقلاب، انکار شکست انقلاب و وجود حکومتی دیکتاتوری در ایران، تقسیم حزب به مدافعان رفیق کیانوری و مخالفان او، تقسیم حزب به جناح راست و چپ - تقسیمی که بر مبنای آن گویا جناح چپ باید همچنان مدافع "خط امام" باشد - ادعای ادامه یافتن مبارزه "که بر که" در درون حاکمیت جمهوری اسلامی، تبلیغ سیاست یک‌بُعدی شرکت در انتخابات‌های گوناگون و تشویق مردم به رأی دادن به احمدی‌نژاد، روحانی، و همتی، و دفاع از عنصر سرکوبگری همچون قاسم سلیمانی و "سردار ملی" ساختن از او. سر آخر، مقابله همه‌جانبه این "تلاش سازمان‌یافته" با سیاست حزب در زمینه فعالیت در مسیر ایجاد جبهه واحد ضد دیکتاتوری برای طرد رژیم ولایت فقیه و سیاستی "خانمان‌سوز" اعلام داشتن این موضع‌گیری‌های حزب در زمره مظاهر این تلاش‌های سازمان‌یافته و مخرب بوده‌اند. این مدعیات نه انقلابی‌اند و نه نشانی از اعتقاد به مارکسیسم-لنینیسم در آن‌ها است و نه ملاکی می‌تواند باشد برای "ضد امپریالیست" بودن مدعیانش.

به خاطر دارم که در جریان پنجمین کنگره حزب در گفتگوی جمعی از رفقا با رفیق خاوری، رفیق با همان هوشیاری همیشگی می‌گفت: این حملات شخصی به من و دیگران، این خاطره‌نویسی‌های خودبزرگ‌بینانه و دروغین برخی‌ها را اصلاً نباید جدی گرفت، بلکه باید به جنگ تبلیغاتی روانی همه‌جانبه‌ای که بر ضد حزب و سیاست‌های آن به‌راه انداخته‌اند توجه کرد و حزب باید با تمام توان با این‌ها مقابله کند.

## رفقا

ضایعه وارده به حزب ما و نابودی گروه عظیمی از کادرها، اعضا، و متفکران حزبی در تاریخ حزب توده ایران و در تاریخ جنبش کارگری و کمونیستی جهان کم‌سابقه بوده است و در کوتاه‌مدت نمی‌توان جبران کرد. در این دوران نزدیک به چهار سال مهاجرت دوم، حزب ما تلفات سنگینی داده است. در این دوران شمار زیادی از

## رفقا و دوستان

مشکل‌هایی که در پی این یورش‌ها در انسجام صف‌های حزب ایجاد گردید بی‌سابقه بودند. دستگیری هزاران توده‌ای و از هم پاشیده شدن سازمان‌های حزب در داخل کشور، مهاجرت گسترده هزاران توده‌ای به خارج از کشور بدون آنکه سازمان‌دهی‌ای برای این کار انجام شده باشد، برزو اختلاف‌ها



رفیق عادلۀ چرنیک بلند،  
صدر فرقه دموکرات آذربایجان

مجلسی گذشت که اکثریت آن نمایندگان نیروهای ارتجاعی و خان ها بودند. با طرح مسئله ارضی توسط حزب توده ایران، دهقانان متشکل و موفق به تعدیل بهره مالکانه و بسیاری از زورگویی های مالکان شدند. بخصوص تقسیم زمین در آذربایجان توسط دولت خود مختار آذربایجان زمینه را برای طرح بعضی از خواسته های دهقانان در سراسر کشور آماده کرد.

حزب توده ایران از نخستین روزهای پیدایش خود، لزوم وحدت نیروها را در مبارزه خاطر نشان کرد و از تمام نیروهای مترقی و سازمان های دموکراتیک دعوت نمود تا با صرف نظر کردن از برخی اختلافات، با تمرکز بر هدف های مشترک مبارزه، با هم متحد شوند تا شکست مشترک آسانتر گردد. این حزب توده ایران بود که برای اولین بار تساوی حقوق زن و مرد از جمله در انتخابات را در برنامه خویش گنجانید و در راه تحقق آن از روزهای نخست، مبارزه کرد. این مهم در دولت خودمختار آذربایجان تحقق پیدا کرد و زنان از حقوق برابر با مردان برخوردار شدند.

این حزب توده ایران بود که برای بالا بردن دانش و فرهنگ، به اقدامات عملی دست زد و با تحریر و ترجمه و چاپ هزاران کتاب و مجله و مقالات علمی-فرهنگی، جامعه فرهنگی کشور را دگرگون کرد. بسیاری از نام اورتربین شخصیت های علمی و فرهنگی و هنری خلق های ساکن ایران از دامان حزب توده ایران برخاسته و یا با این حزب هم آوا شدند و سالیانی از سالهای آفرینش خود را در حزب توده ایران گذراندند.

این حزب توده ایران بود که مبارزه علیه بی عدالتی و فساد را سازماندهی کرد. با افشای فساد در دربار و اطرافیان رژیم و بازاریان و جاهای دیگر، آگاهی جامعه را برای مبارزه بیکسیر با مفسدان رشد داد.

این حزب توده ایران بود که برابر حقوقی تمامی خلقها و ادیان را اعلام کرد و از حقوق تمامی خلق های ساکن کشور دفاع کرد و در مبارزات خلق آذربایجان و خلق کرد برای رسیدن به حق تعیین سرنوشت و تشکیل دولت ملی شرکت موثر داشت و دهها نفر از کادرهای نظامی و غیرنظامی آن در این راه جان باختند. این حزب توده ایران بود که جنبش مبارزاتی زحمتکشان ایران را با جنبش انقلابی زحمتکشان جهان پیوند زد و روحیه انترناسیونالیستی خلق های ایران را اعتلا بخشید.

این مبارزات و دستاوردهای بزرگ آن، ارتجاع جهانی و داخلی را به وحشت انداخت. توطئه چینی های بسیاری بر علیه حزب توده ایران و دیگر نیروهای ملی و ترقیبخواه انجام شد. ولی انواع اتهامات دورغین و پورونده سازی ها نتوانست جلوی پیشرفت برنامه های حزب را بگیرد. به همین دلیل، آمریکا و انگلیس، دربار و نیروهای ارتجاعی ننگ کودتای خونین را پذیرفتند. علیرغم کودتای ننگین ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ و سرکوب خونین حزب و دیگر نیروهای ملی و مترقی، حزب توده ایران به پیمانی که با زحمتکشان شهر و روستا بسته بود پایبند ماند. در تمام سالهای سیاه بعد از کودتا تا سرنگونی رژیم پهلوی، این حزب به مبارزه و سازماندهی زحمتکشان ادامه داد. و مهر و نشان خود را بر پیروزی انقلاب شکوهمند ضد سلطنتی بهمین ۱۳۵۷ زد. پس از انقلاب بهمین نیز حزب توده ایران با تمام نیرو و توان در جهت حفظ و گسترش دست آوردها و آرمان های مردمی انقلاب مبارزه کرد. دیری نپایید که انقلاب بهمین و دست آوردهای آن مورد یورش و حشمانه نیروهای واپسگرا و ارتجاعی قرار گرفت. حزب توده ایران و دیگر نیروهای انقلابی و اتحادیه های کارگری سرکوب و به خاک و خون کشیده شدند. دست آوردهای انقلاب یکی پس از دیگری لگدکوب شد. اصول مردمی قانون اساسی که با تمام کمبودهایش از دست آوردهای انقلاب محسوب می گردیدند، کنار گذاشته شد. «ولی فقیه» به عنوان نماینده خدا، دست غارتگران و چپاولگران را برای تاراج ثمره زحمت کارگران و زحمتکشان و ثروتهای کشور و نابودی آن باز گذاشت. استبداد حاکم گردید. بیکاری، گرانی، اعتیاد و فحشا و دهها مشکل

ادامه در صفحه ۶

## سخنرانی رفیق عادلۀ چرنیک بلند، صدر کمیته مرکزی فرقه دموکرات آذربایجان

رفقای گرامی اجازه دهید ابتدا از اینکه مرا دعوت کرده اید تا در مراسم گرامیداشت ۸۰ سالگی حزب توده ایران شرکت کنم، تشکر و برای شما آرزوی سلامتی، موفقیت و پیروزی داشته باشم.

جا دارد در همین جا ۸۰ مین سالگرد تاسیس حزب توده ایران را به همه کارگران و زحمتکشان، نیروهای ملی و مترقی، آزادیخواهان و بخصوص اعضا و هواداران حزب توده ایران صمیمانه تبریک بگویم. شک ندارم که آرمان ها و اهداف مترقی و انسانی حزب توده ایران در آینده ای نه چندان دور جامعه عمل می پوشد و مردم کشورمان از بند استبداد و عقب ماندگی آزاد خواهند شد.

رفقای گرامی!

افتخار دارم بگویم که عمر سیاسی من با تاسیس حزب توده ایران شروع می شود. ده ساله بودم که با مادرم که از اعضای حزب بود، در حوزه های حزبی شهر اردبیل شرکت می کردم. حس کنجکاو من در شهر بدنبال حقیقت سخنانی می گشت که در این جلسات گفته می شد. وقتی در شهر اردبیل بیکاری، فقر، فساد و زورگویی عوامل حکومتی را میدیدم، آن سخنان به دلم می نشست و بدنبال راهی برای تغییر جامعه و سعادت مردم می گشتم.

با تشکیل فرقه دموکرات آذربایجان به رهبری سید جعفر پیشه وری، خود را در این مسیر دیدم. بلافاصله به فرقه پیوستم و تمام توان خود را برای برآوردن آرزوهای خود بکار گرفتم. برای تحقق آرمان های فرقه، شب و روز نداشتم و به هر نقطه ای که لازم بود می رفتم، تبلیغات می کردم و در میان انبوه جمعیت سخنرانی می کردم. انرژی نوجوانی و علاقه به مردم در من نیرویی وصف ناپذیر ایجاد کرده بود. تا جایی که مسئولین فرقه برای حفظ جانم به من اسلحه دادند. بد نیست یاد کنم از رفیق مهدی کیهان که به ما آموزش داد تا چطور از اسلحه استفاده کنیم.

این ها را شرح دادم تا بگویم در ۸۰ سال عمر پر بار حزب توده ایران در کنار آن قرار داشته و دارم و شاهد بسیاری از موفقیت ها و مشکلاتش بوده ام. از آن گذشته، حزب توده ایران و فرقه دموکرات آذربایجان، هم به سبب آرمان های انقلابی و ترقیبخواهانه و هم به دلیل مبارزات مشترک، تاریخ پر افتخاری را پشت سر گذاشته اند. بدیهی است که در جشن سالروز تاسیس حزب، من و همه رفقای فرقه، خود را شریک و همراه شما می دانیم.

رفقای عزیز!

حزب توده ایران از همان روزهای نخست، آشتی ناپذیری خود را با عوامل سیه روزی مردم ایران اعلام داشت. حزب توده ایران فاشیسم و امپریالیسم و ارتجاع را بعنوان دشمنان اصلی تکامل و ترقی و علت های عمده عقب ماندگی کشورافشا نمود و مبارزه با این نیروی های ضد مردمی را سرفصل مبارزات خود قرار داد. به اعتقاد من اهمیت و ماندگاری حزب توده ایران را باید در جهان بینی و برنامه های ترقی خواهانه آن دانست. حزب توده ایران تنها حزب سیاسی کشور است که به ماهیت نواستعماری امپریالیسم آمریکا آگاه بود. این در حالی بود که آمریکا سعی می کرد خود را مدافع و دلسوز مردم ما نشان دهد. حزب توده ایران خصلت غارتگرانه امپریالیسم آمریکا را فاش کرد و آن را شریک امپریالیسم منفور انگلیس در چپاول و غارت میهن ما معرفی نمود. در آن روزها بسیاری از نیروهای مترقی و ملی در تشخیص ماهیت امپریالیسم آمریکا دچار اشتباه بودند و قضاوت حزب را در مورد آمریکا باور نداشتند. این نیروها فقط پس از سالها و با کسب تجارب تلخ به این باور رسیدند.

رفقا، حزب توده ایران علیرغم تمام مشکلات و سنگ اندازی های دشمنان داخلی و خارجی، سر منشأ تحولاتی در کشور شد که اگر بخواهیم از دیدگاه آن زمان نگاه کنیم، غیر ممکن به نظر می رسید:

حزب توده ایران، جامعه ایران را که بر اثر دیکتاتوری ۲۰ ساله رضا شاه دچار سستی شده بود، به حرکت در آورد.

کارگران و زحمتکشان شهری با باری حزب توده ایران اتحادیه های سراسری تشکیل دادند و توانستند برخی از حقوق سیاسی-اقتصادی را به دولت بقبولانند. قانون کار توسط حزب به حکومت تحمیل شد و از تصویب

## سخنرانی رفیق رائد فهمی دبیرکل حزب کمونیست عراق



رفقای عزیز،  
به نمایندگی از کمونیست‌های عراق و دوستانشان، گرم‌ترین درودهای خود را به مناسبت ۸۰مین سالگرد تأسیس حزب برادر، حزب توده ایران، به شما تقدیم می‌کنم. به همین مناسبت، ادای احترام می‌کنیم به بنیان‌گذاران قهرمان حزب طبقه کارگر ایران که در راه تحقق آرمان‌های عالی کمونیسم، دفاع از منافع طبقه کارگر و مردم ایران، و تحقق آرزوهای مردم ایران برای رهایی، استقلال، دموکراسی، و پیشرفت اجتماعی، جان خود را فدا کردند. حزب شما امروزه همان مسیر پرافتخار ۸۰ سال گذشته را ادامه می‌دهد که طی آن حزب شما در معرض انواع سرکوب‌ها و پیگردها و آزار و اذیت‌های خونین قرار داشته است. حزب سلف شما، حزب کمونیست ایران، پس از ممنوع شدن فعالیت‌هایش در حکومت رضاشاه در دهه ۱۹۳۰/۱۳۱۰ مجبور به فعالیت در شرایط بسیار دشواری شد. و همین وضع بار دیگر در زمان جمهوری اسلامی برای شما رخ داد. به مناسبت سالگرد بنیادگذاری حزب توده ایران، کمونیست‌های عراق ضمن گرامیاداشت ۸۰ سالگی حزب شما، از رابطه منحصر به فردی یاد می‌کنند که طی دهه‌های گذشته بین دو حزب ما و در رژیم‌های ضددموکراتیک و ضدکمونیست شکل گرفت؛ رژیم‌هایی که در آنها کمونیست‌ها و دموکرات‌ها قربانی تروریسم فاشیستی و اعدام‌های جمعی شدند. این روحیه انترناسیونالیستی بین دو حزب ما، به‌ویژه در دهه ۱۹۸۰/۱۳۶۰ در جریان جنگ عراق و ایران مشهود بود، جنگی که هشت سال ادامه یافت و پیامدهای فاجعه‌باری در هر دو کشور به بار آورد. در همان دوره بود که کمونیست‌های عراقی و ایرانی پیشگام راه‌اندازی کارزاری بین‌المللی برای پایان دادن به جنگ و دستیابی به صلح و دموکراسی در هر دو کشور شدند و آن را به پیش بردند.

رفقای گرامی،  
به مناسبت سالگرد تأسیس حزب شما، که جایگاه ویژه‌ای در زندگی حزب برادر شما [حزب کمونیست عراق] دارد، ما بار دیگر بر حمایت خود از آرمان‌های برحق مردم ایران برای برخورداری از صلح و دموکراسی تأکید می‌کنیم. ما ضمن محکوم کردن تهدیدهای امپریالیست‌های خارجی و تحریم‌های اقتصادی اعمال شده توسط آمریکا علیه ایران و مردم آن، معتقدیم که مبارزه با این نقشه‌ها و تلاش برای حفظ صلح، پیوند تنگاتنگی با مبارزه به راه حقوق بشر و حقوق دموکراتیک ملت‌های منطقه دارد. این مبارزه نیاز به تقویت همبستگی بین‌المللی با همه نیروهای چپ و خواهان دموکراسی، پیشرفت، و سوسیالیسم دارد. هر دو ملت عراق و ایران، همراه با بقیه ملت‌های منطقه، خواهان راه‌حل‌های مسالمت‌آمیز برای مناقشه‌های موجود، ایجاد و حفظ وضعیت پایدار، و برقراری روابط برابر با یکدیگر و با کشورهای دیگر بر اساس منافع مشترک و احترام به حاکمیت ملی یکدیگرند. این روابط باید مبتنی بر حقانیت بین‌المللی، دخالت نکردن در امور داخلی کشورهای دیگر، و احترام به حق هر ملت برای انتخاب نظام حکومتی خود مطابق با خواست و اراده خود باشد، تا از آزادی و زندگی شایسته، بدون دخالت خارجی، برخوردار شود.

رفقای عزیز،  
در این ۸۰مین سالگرد باشکوه تأسیس حزب برادر، حزب توده ایران، ما این سالگرد را به همه اعضا و هواداران حزب شما شادباش می‌گوییم. ما خواهان تقویت و توسعه پیوندهای دوستی بین دو حزب، و همچنین پیوندهای تاریخی بین مردم ایران و عراق هستیم، و آرزوی بهروزی و پیشرفت برای هر دو ملت داریم.  
با گرم‌ترین درودهای رفیقانه.

## سخنرانی رفیق فابین روسل دبیر ملی حزب کمونیست فرانسه



به مناسبت ۸۰مین سالگرد بنیادگذاری حزب شما، کمونیست‌های فرانسه درودها و بهترین آرزوهای خود را به تقدیم شما می‌کنند.

حزب شما از زمان تولد، بخشی از کل مبارزات [مردم ایران در راه] پیشرفت، دموکراسی، و صلح در ایران بوده است. حزب شما در شرایط دشوار کنونی به مبارزه با رژیم‌ها ادامه می‌دهد که آزادی‌ها را در هم می‌کوبد و جنبش‌های فزاینده مردمی را سرکوب می‌کند. حزب شما فساد و غارتگری اقتصادی طبقه حاکم را، که سبب تشدید نابرابری و فقر می‌شود، تقبیح و محکوم کرده است.

مردم ایران همچنین مجبورند با سیاست‌های تجاوزگرانه آمریکا مقابله کنند که تحریم‌های وحشتناکی را اعمال کرده که به طرز دهشتناکی بر رنج مردم ایران افزوده است. در دوره‌ای که کووید-۱۹ جریان زندگی را دستخوش تباهی کرده است، تحریم‌ها باید بی‌درنگ برداشته شود.

کشورهای خاورمیانه در حالت جنگ دائمی‌اند که به مداخله‌گری، ناپایداری، و فجاج انسانی دامن می‌زند و همیشه با مرگ و پناهندگی همراه است. آمریکا در همه‌جا بذر هرج‌ومرج افشانده است و به تاریخ‌اندیش‌ترین نیروها اجازه می‌دهد به قدرت بازگردند، به‌ویژه در افغانستان، آن منطقه نیاز فوری به صلح دارد. معنای تعهد شما و ما همین است. همبستگی انترناسیونالیستی ضرورتی مبرم در زمانی است که سیاست‌های ریاضتی خشونت‌آمیز در همه‌جا در پیش گرفته می‌شود و جهان در حال تسلیح مجدد است. در این مبارزه، مطمئن باشید که حزب کمونیست فرانسه در کنار شما ایستاده است!

زنده باد حزب توده ایران! زنده باد همبستگی انترناسیونالیستی!  
حزب کمونیست فرانسه

## لنارتاریسی نیکولاو آلبانوس، از شعبه بین الملل حزب کمونیست یونان و عضو پارلمان اروپا



متن سخنرانی رفیق لنارتاریسی همان پیام کامل کمیته مرکزی حزب کمونیست یونان بود که در شماره قبل "نامه مردم"، به چاپ رسیده است

## سخنرانی رفیق دورایسامی رجا دبیر کل حزب کمونیست هند



رفقای محترم،

به نمایندگی از حزب کمونیست هند، درودهای انقلابی خود را به مجموعه رهبری حزب و اعضا و هواداران حزب توده ایران تقدیم می‌کنم.

این روزها، مناسبت مهمی است. حزب توده ایران ۸۰مین سالگرد بنیادگذاری خود را جشن می‌گیرد. ما می‌دانیم که حزب توده ایران چگونه در میان سختی‌ها، مشکلات، و چالش‌ها، در راه بسیج افکار عمومی بین‌المللی و نیز بسیج مردم ایران در مبارزه‌شان برای ایجاد ایرانی مدرن و شکوفا رزمیده است.

رفقا،

فاجعه‌ای که در خاورمیانه [دید می‌شود]، از درون آشفته‌گی‌های سیاسی گذشته است، و امروزه چالش‌های بزرگی در راه حفظ صلح و آرامش وجود دارد. در عین حال، چالش‌هایی نیز در راه دفاع از حقوق دموکراتیک و حقوق بشر ملت‌های همه کشورهای منطقه، به‌ویژه در دفاع از امنیت، عزت، حقوق دموکراتیک، و حقوق مبتنی بر قانون اساسی زنان در همه این کشورها وجود دارد. من می‌دانم که حزب توده ایران این مبارزه را به پیش برده و تلاش کرده است هر کاری که در شرایط معین و مفروض ممکن است، انجام دهد. تا پیام این مبارزه را به مردم ایران منتقل و آنها را بسیج کند. کار بسیار سختی است، اما حزب توده ایران این کار را کرده است. حزب توده ایران متعهد به پیکار برای ساختن دنیایی دیگر است.

حزب ما، حزب کمونیست هند، نیز برای ساختن دنیایی نو، رها از جنگ، رها از گرسنگی، رها از بی‌سوادی، رها از بیماری پیکار می‌کند. ما در کشور خودمان برای ایجاد تغییر و ساختن هندی بهتر، رها از کاشت، طبقه، ظلم و ستم، و علیه مردسالاری که حتی امروز شاهد آن هستیم، مبارزه می‌کنیم.

به این ترتیب، این مناسبت ۸۰مین سالگرد بنیادگذاری حزب شما، بزرگداشت روز تأسیس حزب شما، مناسبت بزرگی است. شما می‌توانید بسیار افتخار کنید که ۸ دهه است، در شرایطی بسیار دشوار، در راه دفاع از منافع مردم ایران، برای ساختن ایرانی بهتر، و دنیایی بهتر، فعالیت می‌کنید. از طرف حزب، حزب کمونیست هند، می‌گویم که ما نیز همان نگرانی‌ها و دیدگاه‌های مشترک با شما را داریم که باید برای ساختن دنیایی نوین، دنیایی سوسیالیستی، بکوشیم. بدیل [نظام کنونی] سوسیالیسم است. در قرن بیست‌ویکم، همه ما باید نیروهایمان را کنار هم قرار دهیم و برای تحقق سوسیالیسم مبارزه کنیم، و در کشورهايمان، مردم را بسیج کنیم. در روزهای آینده [جشن‌های ۸۰سالگی] برای حزب توده ایران و رهبری آن آرزوی موفقیت دارم و به شما تبریک می‌گویم.

خیلی متشکرم.

## سخنرانی رفیق رابرتس گیرفیتس، دبیرکل حزب کمونیست بریتانیا



رفقای گرامی حزب توده ایران به نمایندگی از اعضا و کمیته اجرایی حزب کمونیست بریتانیا، ۸۰مین سالگرد بنیادگذاری حزب شما را تبریک می‌گویم. پیوندهای

گرم و رفیقانه بین دو حزب ما مثل همیشه قوی است. ما تحولات کشور شما را با علاقه و نگرانی زیادی دنبال می‌کنیم. ما از مبارزات و فداکاری‌های عظیم حزب توده ایران در راه ساختن ایرانی مستقل و مترقی، در پیکار با نیروهای امپریالیستی و ارتجاع مذهبی، اطلاع داریم. حزب شما از درون شدیدترین آزمون‌های دشوار به حیات خود ادامه داده است. با وجود سرکوب شدیدی که دیکتاتوری تهران اعمال می‌کند، شما در جنبش‌های طبقه کارگر و مردمی کشور خودتان - در سندیکاها، در جنبش زنان، در میان جوانان و دانشجویان - شرکت می‌کنید.

ما همچنین با انترناسیونالیسم عمیق حزب توده ایران به‌خوبی آشنا هستیم که حزب شما را منبع ارزشمندی از اطلاعات و تحلیل‌ها در مورد خاورمیانه بزرگ کرده است. اینجا در بریتانیا، حزب کمونیست همواره تلاش کرده است - از جمله از راه برگزاری راه‌پیمایی‌ها و تظاهرات - تا به وظیفه خود در همستگی با کمونیست‌ها، کارگران، و ترقی‌خواهان ایران عمل کند. ما امروز و در آینده همچنان برای این کار آماده‌ایم. دیکتاتوری مذهبی در تهران نمی‌تواند برای همیشه در برابر خواست مردم برای آزادی‌های دموکراتیک، عدالت اجتماعی، و صلح مقاومت کند. ما مشتاقانه آرزو مندیم که در روزی که حزب توده ایران بتواند کنگره خود را در ایرانی آزاد و دموکراتیک، با حمایت زحمتکشان کشورتان برگزار کند، در کنار شما باشیم.

زنده باد حزب توده ایران!

زنده باد همبستگی بین دو حزب ما!

زنده باد جنبش کمونیستی بین‌المللی!

## ادامه سخنرانی رفیق عادل چرنیک بلند...

اجتماعی دیگر گریبان جامعه را گرفت.

پس از تسلط نیروهای ضد مردمی، این بار نیز حزب توده ایران یکی از بزرگترین و موثرترین نیروهای سیاسی کشور ایران بود که امواج حملات دشمنان قسم خورده مردم ایران قرار گرفت. هزاران نفر از بهترین فرزندان و دانشمندان کشور راهی شکنجه گاه‌های قرون وسطایی شدند. بسیاری از آنها اعدام و مخفیانه در گورهای دسته جمعی دفن گردیدند.

تجربه تاریخی نشان می‌دهد که نیروهای ارتجاعی و امپریالیسم جهانی نیک می‌دانند که بدون گذشتن از سد حزب توده ایران نمی‌توانند سرنوشت کشور را انطور که می‌خواهند رقم بزنند. آنها محو فیزیکی توده ای‌ها را کافی نمی‌دانند. در تمام این سالها تلاش کرده‌اند با تمام امکاناتی که در اختیار دارند سیمای مردمی حزب توده ایران را نزد مردم دگرگونه نشان دهند. اما حقانیت و رمز ماندگاری حزب توده ایران را باید در پیوند صادقانه آن با خواست برحق توده‌های مردم، مخصوصاً زحمتکشان کشور دید. با حذف فیزیکی توده ای‌ها و دروغ پراکنی و اتهام زدن‌های بی‌پایه ممکن نیست این حقیقت را پنهان کرد.

رفقا و یاران گرامی!

اجازه دهید یک بار دیگر جشن بزرگ ۸۰مین سالگرد حزب توده ایران را به شما و از طریق شما به همه توده ای‌ها و نیروهای مترقی و وطن پرست تبریک بگویم. گرامی باد خاطره جان باختگان حزب توده ایران و دیگر نیروهای مترقی خلق‌های ایران!

فرخنده باد هشتادمین سالگرد بنیان‌گذاری حزب توده ایران!

به امید روزهای پیروزی و شکوفا شدن آرزوهای خوب مردم ایران!

## سخنرانی رفیق ورا پولیکارپو، مسئول شعبه بین المللی کمیته مرکزی (آکل)



رفقای عزیز،  
کمیته  
مرکزی آکل  
(حزب مترقی  
زحمتکشان  
قبرس)  
گرم‌ترین  
درودهای  
رفیقانه و  
پیکارچویانه  
خود را به حزب  
توده ایران  
تقدیم می‌کنند

که در دشوارترین شرایط، نقطه عطف واقعاً مهمی در تاریخ و جنبش زحمتکشان ایران را جشن می‌گیرد: سالگرد تأسیس حزب توده ایران در ۸۰ سال پیش، به منابه جان‌نشین شایسته حزب کمونیست ایران.

آکل همراه با شما، مسیر درخشان مبارزه شما را ارج می‌نهد و گرامی می‌دارد؛ سفری انقلابی و رادیکال که شاهد دستاوردهای فراوان و نقش و سهم زیاد حزب شما در تلاش‌های مردم کشورتان برای داشتن ایرانی مستقل و دموکراتیک، برای پیشرفت و رفاه اجتماعی و اقتصادی، و تضمین توسعه همه‌جانبه زندگی کارگران و مردم ایران بوده است. کمونیست‌های ایران و حزبشان، با وجود تمام یورش‌های بسیار بی‌رحمانه و مداوم به آن حزب، به‌رغم جان‌فشانی‌ها و از دست دادن هزاران رفیق، حبس‌ها و شکنجه‌ها، سرکوب‌ها و تبعید اجباری، نه‌فقط هرگز تسلیم نشدند، بلکه محکم ایستادند و در برابر انواع سرکوب‌ها و سیاست‌های ضد حزب، مقاومت کردند. حزب شما بارها اشتباه بودن پیش‌بینی‌های نیروهای امپریالیستی خارجی و ارتجاعی داخلی در مورد زوال قریب‌الوقوع و در نهایت از بین رفتن کامل حزب را ثابت کرده است.

حزب توده ایران همه این یورش‌ها را پشت سر گذاشته و همواره توانسته است خود را باز یابد و مسیر تازه‌ای را برای مبارزه ترسیم کند. حزب شما در این کار موفق بوده است، دقیقاً به این دلیل که ریشه‌های عمیقی در میان مردم دارد، زیرا با زتاب‌دهنده آرزوهای قلبی و چشم‌اندازهای آنها برای ایرانی نوین، در صلح و دموکراسی و سوسیالیسم است. به‌راستی که حزب شما حزب واقعی توده‌ها، و نیرویی به‌واقع میهن‌دوست و در عین حال انترناسیونالیست است. ما نیز به کارزار بین‌المللی خواستار آزادی همه زندانیان سیاسی می‌پیوندیم و بار دیگر بر همبستگی خود با مبارزه شما تأکید می‌کنیم.

منطقه ما به دلیل مداخله‌های دیرینه امپریالیستی خارجی و سیاست‌های صاحبان قدرت و نفوذ و نمایندگان دست‌نشانده محلی آن، گرفتار مشکلات و درگیری‌های زیادی است که خطرهای تازه‌ای برای صلح و ثبات به وجود آورده است. آشوب‌ها در سطوح فراوانی در جریان است. به همین دلیل است که آکل به طور خستگی‌ناپذیری برای گرد هم آوردن همه نیروهای صلح‌دوست، دموکراتیک، و مترقی به منظور متوقف کردن ماجراجویی‌های تازه می‌کوشد. ما نیز به ضرورت بسیج کردن ملت‌های منطقه‌مان و به وجود آوردن جنبش صلحی گسترده، متحد، و توده‌ی اعتقاد داریم و در راه تحقق آن می‌کوشیم. به مناسبت سالگرد تأسیس حزب شما، مایلیم قدرانی خود را از حزب توده ایران به‌خاطر همبستگی همیشگی شما با پیکار ما در راه پایان دادن به اشغال ترکیه و اتحاد مجدد مردم و کشورمان ابزار کنیم.

روابط برادرانه و نزدیک آکل با حزب توده ایران که بر پایه‌های محکمی بنا شده برای ما بسیار ارزشمند است. ما خواهان تعمیق بیشتر این روابط صمیمانه هستیم، و مثل همیشه، عمیقاً قدردان مواضع و ارزیابی‌های حزب شما در مورد تحولات جاری نه‌فقط در کشور خودتان، بلکه به طور کلی در منطقه و مسائل بین‌المللی هستیم.

رفقا!  
مسیر مبارزه ۸۰ ساله حزب توده ایران خود گویای روشن واقعیت است. تاریخ به پیش می‌رود. ما ضمن شادباش گفتن به شما به مناسبت هشتادمین سالگرد بنیادگذاری حزب توده ایران، از سخنان نکان‌دهنده و جاودان یکی از بی‌شمار شهیدان حزب شما، رفیق روزبه، در برابر دادگاه نظامی یاد می‌کنیم: "هرگز لگه‌ای ابر نمی‌تواند موجودیت خورشید را نفی کند و پس از لحظه‌ای، پرتو مستقیم خورشید به همه گرمی خواهد بخشید. اگر از لحظه اسم می‌برم، مقصودم لحظه تاریخی... است... بدون تردید این طوفان‌ها فرو خواهد نشست و حقایق عریان خواهد شد. جامعه ایران روزی را نیز خواهد دید که آزادانه درباره این گونه مسائل بحث کند و نظرات خود را ابراز دارد. آن روز چندان دور نیست."

گرامی باد ۸۰مین سالگرد بنیادگذاری حزب توده ایران!

## ادامه سخنرانی رفیق امیدوار ...

صف‌های حزب گسست پیدا کردند که ما امیدواریم با روشن شدن حقایق و کنار رفتن پرده‌های دود کارزار تبلیغاتی دشمنان بتوانند بار دیگر جایشان را در صف‌های حزبشان پیدا کنند و به رشد و تقویت حزبشان یاری رسانند. ما همچنین امیدواریم که جنبش چپ ایران نیز بتواند از سردرگمی‌های امروزی‌اش، از گسست‌های مختلف و برخی آشفته‌اندیشی‌ها درباره ماهیت و سیمای امروزی چپ و سراب "سرمایه‌داری با چهره انسانی" رها شود و نیروهای مبارز در راه دستیابی کارگران و زحمتکشان میهن‌مان به حقوق راستین‌شان بتوانند در این شرایط بسیار حساس در کنار هم و بر ضد رژیم استبدادی حاکم و همچنین بر ضد خطر دخالت‌های مخرب کشورهای امپریالیستی و ارتجاع منطقه و نیروهای وابسته به آن‌ها در کشورمان مبارزه‌ای مشترک را به‌پیش ببرند.

همه ما می‌دانیم و اعتقاد مشترک در این زمینه داریم که اکثریت محروم مردم، کارگران و زحمتکشان، با بحران‌های اقتصادی اجتماعی‌ای عمیق درگیرند چندان که منافع ملی و زندگی روزمره و حتی هستی‌شان را تهدید می‌کند و از این‌رو است که اعتراض‌های مردمی به رهبران حکومت استبدادی که مسببان وضعیت کنونی‌اند هرچه گسترده‌تر و شدیدتر می‌شوند. ما در عین حال نیز می‌دانیم و تجربه ثابت کرده است که حکومت ولایتی توان حل بحران‌های کنونی را ندارد و "اسلام سیاسی" و جایگاه ولایت فقیه بیش‌ازپیش بی‌اعتبار شده است و از این‌رو کشورمان ابستن تحول‌ها و تغییرهایی مهم است.

بدون تلاش مشترک و سازمان‌یافته همه نیروهای ملی و مترقی و خصوصاً نیروهای چپ و معتقد به حقوق کارگران و زحمتکشان این خطر وجود دارد که بار دیگر میهن ما نتواند با رهایی از استبداد راه تحقق آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی را با موفقیت طی کند.

رفقا و دوستان گرامی!  
رفیق قهرمان هوشنگ تیزابی که در شکنجه‌گاه‌های ساواک شاهنشاهی جان باخت درباره تاریخ حزب ما گفته‌ای نغز و ناب دارد. رفیق می‌گفت: "وقتی خودمان را از دست رسوبات تبلیغاتی، که ذهن جامعه روشنفکری را پر کرده بود، رها کنیم، روزبه و سیامک و وارطان و شوشتی و آرسن را یافتیم، مشیری، وکیلی، محقق‌زاده و هزاران قهرمان گمنام را کشف کردیم. میراث جاودانی از تعالیم مارکسیسم لنینیسم را، که با تاروپود میهن ما آمیخته و هزاران هزار آتش زیر خاکستر به‌جا گذاشته است، باز یافتیم و در چهره حزب، چهره قهرمان خلق‌های خود را شناختیم... آنگاه از قضاوت خود شرمسار شدیم..."

و این مختصر، تنها مقدمه‌ای کوتاه است در سرگذشت زندگی حزبی هشتادساله که در مهرماه ۱۳۲۰ متولد شد و همراه با رشد و بالیدنش به استقبال تاریخی پر از حماسه و دلآوری، پیروزی‌های بزرگ و شکست‌های تلخ شتافت.

با تشکر از توجه شما

## سخنرانی رفیق شهین دوستدار، نماینده تشکیلات دموکراتیک زنان ایران



### ادامه سخنرانی رفیق توران

ها، قادر شد صفوف خود را بازسازی کند و بحیات خود ادامه دهد.

حیات حزب توده ایران در طی ۸ دهه با جان صدها انسان مبارز و فرهیخته که برای عدالت اجتماعی و تأمین زندگی انسانی برای کارگران و زحمتکشان کشور پیکار کرده‌اند، در آمیخته است. تاریخ این حزب آینده از موفقیت‌ها، خطاها، ناکامی‌ها، فداکاری‌ها، از جان‌گذشتن‌ها و تحمل هزاران سال اسارت بوده است.

در کنار دستاوردها، حزب خطاهای سنگینی در عرصه سیاسی و تشکیلاتی داشت که در راس آن تحلیل نادرست از رژیم برآمده از انقلاب بهمن، سیاست حمایت قاطع از آن براساس تئوری راه رشد غیرسرمایه داری و بر این پایه تنظیم مناسبات خود با دیگر نیروهای سیاسی ایران بود. سیاستی که به اعتبار حزب و به جریان چپ ایران لطمه جدی زد. بیانیه حزب بمناسبت هشتادمین سالگرد با برخی خطاها تماس گرفته و «تمرکز سیاست‌های حزب بر مبارزه ضد امپریالیستی و کم‌توجهی به حقوق آزادی‌های دموکراتیک» را نقد کرده است. ولی این خطا را نمی‌توان تنها با کم‌بها دادن به این و یا آن وجه از سیاست حزب توضیح داد. به باور ما بدون نقد دیدگاهی از آن، احتمال تکرار خطا، ولو در عرصه‌ها و اشکال دیگر باقی خواهد ماند. امیدواریم نقد آن سیاست‌ها تعمیق یابد، استنتاجات ضرور از آن گرفته شود و در دیدگاه، برنامه و سیاست‌های حزب بازتاب پیدا کند.

بار دیگر هشتادمین سالگرد بنیانگذاری حزب توده ایران را به همه توده‌ای‌ها شادباش می‌گوئیم و در مبارزه مشترک علیه جمهوری اسلامی برای آن‌ها موفقیت آرزو می‌کنیم. امیدواریم نیروهای چپ ایران دست در دست هم بگذارند و بر پراکندگی‌ها غلبه کنند.

هیئت سیاسی - اجرائی حزب چپ ایران  
(فدائیان خلق)  
۱۷ مهرماه ۱۴۰۰ (۹ اکتبر ۲۰۲۱)

با درود و شادباش به همه رفقای گرامی و شنوندگان عزیز این وبینار اجازه بدهید که به نمایندگی از تشکیلات دموکراتیک زنان ایران هشتادمین سالگرد بنیان‌گذاری حزب توده ایران را تبریک بگویم؛ حزبی که به گواهی دوست و دشمن، در پیشبرد اندیشه‌های مترقی و انسان‌دوستانه در عرصه‌های گوناگون جامعه ایران نقشی پیشرو و انکارناپذیر داشته است: از عرصه هنر و ادبیات و فرهنگ گرفته تا گسترش اندیشه‌های برابرطلبانه و دفاع از صلح. من به دو موضوع اخیر اشاره کوتاهی می‌کنم. برای اینکه ببینیم حزب توده ایران در چه شرایطی برای دگرگونی جامعه سنتی مردسالار و جو عقب‌مانده و ارتجاعی آن روز مبارزه خود را شروع کرد، کافی ست یادآوری کنم که فراکسیون پارلمانی حزب توده ایران در سال ۱۳۲۲ لایحه برابری حقوق زن و مرد را به مجلس برد، با مخالفت همه نمایندگان، حتی نمایندگان مترقی مجلس روبرو و آن لایحه رد شد!

رفقا و دوستان عزیز!

طرح خواست‌های مترقی و فمینیستی مانند بهبود اوضاع مادی و تأمین استقلال اقتصادی زنان، حق مشارکت سیاسی زنان (حق انتخاب شدن و انتخاب کردن)، تساوی حقوق زوجین و تجدیدنظر در قوانین زناشویی و طلاق، استفاده زنان کارگر و کارمند از مرخصی با حقوق در دوره زایمان برای حداقل ۳ ماه، تساوی مزد کارگران زن و مرد، تأسیس و افزایش مؤسسات حمایت از مادران و کودکان بی‌بضاعت، و مطالباتی از این دست در اولین برنامه حزب، نشان از ماهیت انقلابی حزبی دارد که ۸ دهه پیش با شجاعت اعلام کرد که زن و مرد باید در همه شئون حقوقی، اجتماعی، اقتصادی، و سیاسی از حق برابر برخوردار باشند. با توجه به این سمت‌گیری است که زنان به ندای حزب توده ایران پاسخ مثبت داده و وارد عرصه مبارزه در کنار حزب توده ایران شده‌اند. تشکیلات دموکراتیک زنان ایران در سال ۱۳۲۲ به همت زنان مبارز و شجاعی مثل مریم فیروز، زهرا اسکندری، صدیقه امیرخیزی، جمیله صدیقی، و دیگران پایه‌گذاری شد و نقش برجسته‌ای در پیشبرد گفتمان برابرطلبی و رفع تبعیض در جامعه ما ایفا کرد. حضور شجاعانه زنان در مبارزه، در برخی از عکس‌های تاریخی آن زمان به ثبت رسیده است. در تظاهرات و «میتینگ»های حزب یا تشکیلات زنان، هزاران زن، گاه با لباس‌های سفید، در خیابان‌ها حضوری پرشور داشتند، یا ۸ مارس، روز جهانی زن، را در مقیاسی وسیع جشن می‌گرفتند. این تلاش زنان به‌خصوص در زمان تجدیدنظر در قانون اساسی و پشتیبانی حزب توده ایران از حق رای زنان که با ابتکارهای گوناگون از طرف تشکیلات زنان سازمان‌دهی می‌شد، مشهود بود.

هرچند که پس از این کارزارها زنان طبق قانون همچنان در ردیف دیوانگان و نابالغان باقی ماندند، اما این روشنگری‌ها سبب شد که بعدها رژیم استبدادی شاه برخی از حقوق زنان را به رسمیت شناسد و تعدیل‌هایی هرچند کوچک در قوانین مدنی به نفع زنان اعمال شود.

و اما مورد صلح. نخستین سال‌های حیات حزب توده ایران مصادف بود با جنگ جهانی دوم و خطر گسترش فاشیسم در اروپا و آسیا. حزب توده ایران یگانه سازمان سیاسی در آن زمان بود که تلاش برای حفظ صلح را در دستور کار خود قرار داد. جمعیت هواداران صلح، یکی از جمعیت‌های هوادار حزب توده ایران، علیه خطر فاشیسم دست به تجهیز و تهییج افکار عمومی زد. یکی از فعالیت‌های صلح‌آمیز تشکیلات زنان در این عرصه، جمع‌آوری امضا در تأیید بیانیه صلح استکهلم بود که فراکسیون صلح برای بردن گفتمان صلح به میان مردم ترتیب داده بود. یادآوری می‌کنم که فراکسیون صلح، جمعی متشکل از نمایندگان تشکیلات زنان، شورای متحده مرکزی کارگران و زحمتکشان، و سازمان جوانان توده بود. دختری که آن روزها هزاران امضا جمع کرده بود، جایزه صلح را گرفت.

در سال‌های بعد از انقلاب بهمن ۱۳۵۷، بار دیگر گفتمان صلح و پایان دادن به جنگ ایران و عراق به شعار محوری حزب تبدیل شد. در آغاز جنگ، اعضا و هواداران حزب توده ایران در دفاع از خاک میهن حضوری پرشور داشتند. اما پس از پیروزی‌های ایران در خرمشهر، و در جو شدید تبلیغاتی رسانه‌های حاکم و طرح شعار «جنگ، جنگ، تا پیروزی»، حزب توده ایران این شعار را نادرست و ضرورت پایان دادن به جنگ از طریق مذاکره را مطرح کرد. البته پاسخ مرتجعان رژیم ولایی به این موضع صلح‌دوستانه حزب، یورش وحشیانه و سرکوب خونین حزب بود. در پایان، مایلم که در این روز خجسته، به نقش مؤثر مبارزان برجسته‌ای مانند رفیق ملکه محمدی و سایر زنان پیشرو در عرصه‌های گوناگون فعالیت در صفوف حزب اشاره کنم که در پیشبرد اندیشه‌های ترقی‌خواهانه و مبارزه با استبداد و در راه تغییر فرهنگ مردسالارانه متأثر از تاریک‌اندیشی مذهبی نقش بزرگی داشته‌اند. در سال‌های پس از انقلاب، شمار زیادی از مبارزان توده‌ای، از جمله رفقای قهرمانی مانند ناصر زنجانی و فاطمه مدرسی عضو مشاور کمیته مرکزی حزب توده ایران، در کنار مبارزان سایر نیروهای سیاسی در سال‌های سیاه دهه ۱۳۶۰، در راه آرمان‌های انسانی خود جان باختند، یا در شکنجه‌گاه‌ها اسیر و شکنجه شدند.

در هشتادمین سالگرد تأسیس حزب توده ایران، یاد همه عزیزان به خون خفته را گرامی می‌داریم و با آرزوی پیروزی جنبش مردمی ایران در نبرد پیش رو، و آزادی همه زندانیان سیاسی ایران، این روز را به همه مبارزان راستین راه آزادی و عدالت اجتماعی، به‌ویژه به اعضا و هواداران حزب توده ایران خجسته یاد می‌گویم.

با تشکر از توجه شما.



## سخنرانی رفیق توران همتی نماینده حزب چپ ایران (فدائیان خلق)



حزب چپ ایران (فدائیان خلق) هشتمین سالگرد بنیان گذاری حزب توده ایران را به عموم رفقای توده ای تبریک می گوید و برای آن ها در مبارزه علیه رژیم فقهی و برای آزادی، عدالت اجتماعی، دموکراسی و سوسیالیسم موفقیت آرزو می کند.

کشور ما از قبل از مشروطیت تاکنون شاهد شکل گیری احزاب سیاسی در برهه های زمانی مختلف بوده است. کمتر حزبی را می توان یافت که افت و خیزهای سیاسی و اجتماعی کشور را پشت سر گذاشته و توانسته باشد به حیات خود در مدتی طولانی ادامه دهد. حزب توده ایران پایدارترین و پیگیرترین حزب سیاسی تاریخ معاصر ایران است.

حزب توده ایران در مهر ۱۳۲۰ به همت شماری از زندانیان سیاسی بنیان گذارده شد و از همان نخستین سال حیاتش در شکل گیری جامعه مدنی ایران نقش موثر ایفا نمود. حزب توده ایران در آن زمان خود را تداوم بخش ایده های روشنگری و حامی انقلاب مشروطه می دانست و ارزش های آزادیخواهانه و برابرطلبانه را ترویج می کرد.

حزب در طول حیاتش گفتمان طبقاتی را وارد فرهنگ سیاسی کشور کرد و دفاع از منافع و مطالبات کارگران، زحمتکشان و دهقانان کشور را پایه برنامه خود قرار داد. حزب در دهه ۲۰ توانست در میان روشنفکران و کارگران صنعتی در سراسر کشور ریشه بدواند و خارج از هرگونه وابستگی مذهبی، ملی، قومی، زبانی و جنسیتی، گروه های مختلف جامعه ایران را در آن برهه زمانی با خود همراه کند. حزب توده ایران تأثیرات ماندگار بر ادبیات و هنر کشور گذاشت. بخش قابل توجهی از نویسندگان، شاعران، روشنفکران و فرهیختگان جامعه ایرانی، خاصه در چند دهه نخست حیات حزب یا به آن متعلق بودند یا خاستگاه توده ای داشتند. حزب توده ایران فرهنگ حزبی را وارد حیات سیاسی کشور کرد.

دهه ۲۰ دوره بالندگی حزب توده ایران بود. متأسفانه با کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ و سرکوب بی سابقه حزب، این دوره بی پایان رسید و حزب وارد دوره افول حیات خود تا سال ۱۳۵۷ گردید. اما بار دیگر حزب با انقلاب بهمن فعالانه وارد صحنه سیاسی کشور شد. حوزه های حزبی را در سراسر ایران راه انداخت. ادبیات مارکسیستی را به صورت گسترده نشر داد و در روندهای سیاسی کشور نقش موثر ایفا نمود. حزب در طول چهار سال فعالیت علنی بطور شتابناک گسترش پیدا کرد. جمهوری اسلامی فعالیت حزب توده ایران را تاتب نیاورد و ضربه کاری بر آن وارد آورد. هزاران توده ای را دستگیر و عده زیادی از کاردارها و رهبران حزب را اعدام کرد. با این وجود حزب علیرغم ضربات و جدائی

ادامه در صفحه ۸

## سخنرانی رفیق گودرز اقتداری نماینده شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)



حزب توده ایران این سالگرد را در دشوارترین شرایط سیاسی موجود در خارج از کشور جشن می گیرد، بنیان گذاری و آغاز فعالیت حزب توده ایران، بی تردید نقطه عطف بسیار مهمی در تاریخ مبارزات تجدد خواهی میهن و جنبش زحمتکشان ایران است. در این مسیر دشوار حزب شما دوران سختی را پشت سر گذاشته است و جان های شایسته بسیاری را تقدیم جنبش نوین و دموکراتیک میهنمان کرده است.

ما به اتفاق و با امید به بهروزی زحمت کشان میهن، برای رسیدن به دنیایی سرشار از صلح، آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی در کشورمان، رزمی مشترک، گرمی و پر هزینه را پشت سر نهاده ایم. ما، رنج زندان و شکنجه را با هم آزموده ایم، چه بسیار رفقای نامبرای ما که آخرین روزها و لحظه های هستی و واپسین بدرودها را با هم و در کنار هم بوده اند. ما همچنان بر این عهد و این پیمان ایستاده ایم که تلاش و بیکار ما، تا رسیدن به چشم اندازهای مشترکمان برای رسیدن به ایرانی، آزاد، دموکراتیک، نوین و متعلق به همه اقشار مردمی بویژه کارگران و زحمتکشان، جوانان، زنان، و روشنفکران میهن و دستیابی به صلح، دموکراسی و سوسیالیسم دموکراتیک پایان نخواهد گرفت.

نگاهی به مصوبات کنگره اول حزب توده ایران مصوب هفدهم مهرماه ۱۳۲۱ نشان میدهد که کشور ما هشتاد سال بعد نیز همچنان نتوانسته است به سه اصل از مرام نامه حزب یعنی: "همکاری دوستانه با کلیه کشورهای آزادیخواه بر اساس تساوی حقوق ملی و صلح جهانی"، "استقرار حکومت ملی و رژیم دموکراسی" و مبارزه برای ایجاد "یک دستگاه اقتصادی مترقی و متمرکز مبتنی بر حفظ منافع اکثریت مردم ایران" دست یابد. چه در دوران رژیم پادشاهی و چه بعد از انقلاب بهمن و رژیم جمهوری اسلامی کنشگری سیاسی برای رسیدن به این خواستها برای اعضای حزب شما با زندان و شکنجه و تبعید همراه بوده است و هر دو رژیم مستبد شاه و شیخ، تلاش شما برای رسیدن به همین خواسته های بدیهی و انسانی را بر نتابیده اند. جهان اما در این هشتاد سال بسیار دیگرگون شده است. علیرغم پیشرفت های تکنولوژیک و انقلابات متعدد صنعتی شوربخانه اشکال نوین سرمایه داری و کانسرن های امپریالیسم مالی و صنایع میلیتاریستی و امنیتی کنترل بیشتری بر جهان یافته و دست باز تری در تخریب جهان و محیط زیست متعلق به همه باشندگان گیتی یافته اند. طی چهار دهه اخیر در سایه همین دست اندازی ها و در نتیجه سیاست های نابخردانه رژیم اسلامی مردم میهن ما از امکانات بازهم محدود تری برخوردار و از قافله پیشرفت های تکنولوژیک دور مانده اند. منطقه خاورمیانه به دلیل مداخله های دیرینه امپریالیستی و سیاست های توسعه طلبانه صاحبان قدرت و نفوذ و نمایندگان دست نشانده محلی آنان، گرفتار تنش ها و درگیری های زیادی است که خطرهای تازه ای برای صلح و ثبات به وجود آورده است. در ضرباتی که طی تمام این دوران گاه با کمک دستگاه های اطلاعاتی بیگانه به حزب شما و سازمان ما وارد آمده نقش جدی دشمنان جهانی در توطئه برای درهم شکستن صفوف نیروهای مترقی و ضد امپریالیستی انکار نشدنی بوده و سرکوب نیروهای چپ در کشور جای ویژه ای داشته است. وظیفه ماست که به طور خستگی ناپذیر برای آوردن همه نیروهای صلح دوست، دموکراتیک، و مترقی به منظور متوقف کردن ماجراجویی های تازه بکوشیم.

رفقای گرمی

۸۰ سال مبارزه پیگیر اما، پر فراز و نشیب حزب توده ایران، گویای روشن عزم و اراده شما در تحقق آمال و آرزوهای انسانی حزب توده ایران برای میهن و جهان است. سازمان ما این روز بزرگ و خجسته را به شما، رفقای حزب توده ایران، حزب ارانی ها، روزه ها، تیزابی ها، افضلی ها، فردین ها و دیگر جانبختگان سرفراز توده ای شادباش گفته و برایتان آینده ای موفق و پرفروغ را آرزومند است.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

باید گردد. «جلادها عقده داشتند از او چون زیر شکنجه مقاومت کرده بود و زیر بار تهمت و افترای جاسوسی و خیانت نرفته بود.

لاجوردی جلاد به حرف آمد و به رفقای مان گفت: از بین شما کسی وصیتی یا پیغامی برای این زندانی‌ها دارد؟ (البته تمام حرف‌های او یادم نیست) که رفیق خسرو لطفی خواست وصیت‌نامه‌اش را بخواند. درحال خواندن بود که لاجوردی آن را قطع کرد و گفت: بس، بس، بده به من این وصیتت را و آن را از رفیق خسرو گرفت. لاجوردی گفت: بعدی. رفیق ناخدا افضلی حرف زد که لاجوردی گفت از خیانتت بگو. اما رفیق افضلی از اشتیاقش به خدمت به میهن و مردمش گفت. بعد از او رفیق بیژن کبیری شروع به صحبت کرد و گفت: ما را چند دقیقه دیگر اعدام خواهند کرد. این را که گفت در میان زندانیان زن زنی چیغ کشید و از حال رفت. رفیق کبیری در ادامه به طور مختصر گفت از خدمت‌هایی که به وطن و مردمش کرده پشیمان نیست. بعد از او رفیق شاهرخ جهانگیری می‌خواست حرف‌هایی بزند که لاجوردی لابلای حرف‌های او می‌رفت و به حزب توهین می‌کرد که رفیق در آخر حرف‌هایش یک بیت از شعر حافظ را خواند و نشست:

در نظریازی ما بیخبران حیرانند

من چنینم که نمودم دگر ایشان دانند

لاجوردی که انگار از حرف‌های رفقا عصبی شده باشد رو کرد به رفیق ابوالفضل بهرامی نژاد و گفت: تو حرفی داری؟ رفیق گفت: نه. لاجوردی رو کرد به رفیق آفرین بیژن کبیری و گفت: تو حرفی داری؟ رفیق آفرین گفت: نه. لاجوردی سر افراشته با حرکت سر و نگاهی خشمگین سری تکان داد. انگار این طور بود که من با تو اصلاً حرفی ندارم ای جلاد. و دیگر هیچ یک حرفی نزدند. در آخر به رفیق فرزاد جهاد گفت: تو وصیتی نداری؟ فرزاد گفت: نه. و چون تنها فرد ایستاده بین این دلاوران بود وقتی که لاجوردی فرمان داد بپریدشان برای اعدام، رفیق فرزاد جهاد دستش را به علامت پیروزی (V) بالا برد و رفتند. شعارهای تواین و پاسداران یعنی «جماران گلباران، توده‌ای تیرباران» «سالن را پر کرده بود. ما را روانه سالن ۳ در اتاق‌های در بسته آن کردند. آن شب همه ساکت بودند و بغض خفه‌کننده‌ای گلوی ما را فشار می‌داد.

یاد و خاطره عزیزشان جاوید.

### خاطره دوم

ما در اتاق‌های در بسته سالن ۳ زندان اوین بودیم. اتاق‌ها ۵ در ۷ یا ۵ در ۶ بود و ۳۰ تا ۴۰ نفر در هر اتاق بودند. اکثریت زندانی‌ها در اتاق‌ها با ما توده‌ای‌ها بود. از نیروهای چپ رفقای اکثریت و اقلیت و راه کارگر و پیکار و از کموله و دموکرات نیز بودند.

جا دارد همین جا از عزیزانی که هم اتاق ما بودند یاد کنیم. احمد منادی (احمد مارال) فدایی اقلیت، یاشار مقیمی فدایی اقلیت، و حسن امیری از اتحادیه کمونیست‌ها. یادشان گرامی باد. بعد از اعدام ۱۰ گل سرخ توده‌ای احتمال می‌رفت که به زودی ما توده‌ای‌ها را به دادگاه ببرند. ما توده‌ای‌های سالن ۳ هر کدام در اتاق‌های خود تصمیم گرفتیم در دادگاه از حزب دفاع کنیم و به مصاحبه و ابراز انزجار از حزب تن ندهیم. طی سال ۶۲ تبلیغات ضد توده‌ای و مصاحبه‌های تلویزیونی علیه حزب دمی قطع نمی‌شد. این بود که گفتیم ما به خاطر فلان شخص، توده‌ای نشدیم که الان به خاطر این فرد یا به خاطر آن فرد از حزب انزجار بدهیم و مصاحبه کنیم. نه! ما به خاطر آرمان‌های انسانی و عدالت اجتماعی به حزب پیوستیم و توده‌ای شدیم. ما مدافع انقلاب و آرمان‌های عدالت‌خواهانه آن بودیم و الان که انقلاب اسلامی شده و رنگ اسلامی گرفته با اهداف و آرمان‌های انقلاب مردمی بهمن کاملاً فاصله دارد و بسیار متفاوت است. به این ترتیب تصمیم گرفتیم در دادگاه از حزب دفاع کنیم و به مصاحبه و ابراز انزجار تن ندهیم و جاسوسی و خیانت را رد کنیم. این بود که همه ما در دادگاه با شرافت و سربلندی از حزب دفاع کردیم. همچون رفقای عزیزی مانند حسن جلالی، شاپور بیژنی، عزت زارع، مهرداد دستگیر، علی اصغر قباخلو، و خیلی از دیگر رفقای عزیز که تا پای جان ایستادند و مدافع آرمان‌های حزب بودند.

یادشان گرامی و راهشان پر رهرو.

### خاطره سوم

اواخر سال ۶۳ بود به اولین سالگرد «۱۰ گل سرخ توده‌ای» «نزدیک می‌شدیم. بیرون زندان برف باریده بود و زمین برفی بود. من، رفیق هدایت‌اله معلم و رفیق

## خاطراتی از هشتاد سال مبارزه و زندان: سخنان رفیق مصطفی بخشی



با سلام و درود به رفقا و دوستان گرامی

از اینکه در جمع شما عزیزان هستم بسیار خوشحالم. از اینکه در برگزاری جشن ۸۰ سالگی بنیانگذاری حزب توده ایران در کنار شما و همراه شما هستم خوشحالم و از همه شما به خاطر حضورتان بسیار سپاسگزارم. از دوران زندان رژیم پس از پورش به حزب خاطراتی یا بهتر است بگویم تجربیاتی داشتم که خواستم به مناسبت این سالگرد برای شما بیان کنم.

تاریخ حزب ما جدا از زندان و شکنجه نیست.

در هشتاد سال مبارزه حزب ما کمتر دوره‌ای بوده است که حزب فعالیتی علنی و بدون سرکوب شدن از سوی رژیم‌های دوگانه پادشاهی و اسلامی داشته باشد. بنابراین، زندان و شکنجه با تاریخ حزب ما و با سرگذشت مبارزان توده‌ای همراه بوده است. من هم در مقام عضو حزب و یک توده‌ای تجربیات و سرگذشتی در زندان در دوران خونین سال‌های دهه ۱۳۶۰ داشته‌ام و با شما در میان می‌گذارم.

چند خاطره‌ای را برای شما رفقا بیان می‌کنم. امیدوارم با شنیدنشان یاد رفقای عزیزی که اکنون در میان ما نیستند به خصوص آنان که در فاجعه ملی جان باختند را گرامی و زنده بداریم.

من در سال ۶۱ دستگیر شدم. بعد از فشار و شکنجه، به زندان اوین بند آموزشگاه، سالن ۳ که به آن سالن مسکو می‌گفتند منتقل شدم. به دلیل آن که اکثر زندانی‌های سالن ۳ توده‌ای و «سرموضع» بودند، به این معنی که به حزب وفادار و از آن دفاع می‌کردند، به سالن مسکو معروف شده بود.

اولین خاطره‌ام از روزی است که افسران توده‌ای و چند تن از اعضای شبکه مخفی که در ۷ اسفندماه ۶۲ اعدام شدند و دلیری و رشادتشان آنان را به «ده گل سرخ توده‌ای» مشهور کرد.

در آن روز، تمام حسینیه زندان اوین با سالن بزرگش پر بود از مأموران و پاسداران زندان و تواین و زندانی‌های سالن ۳. در سمت راست سالن حسینیه زندانیان زن و دختر را نشانده بودند و در سمت چپ آن زندانیان مرد و پسر. لابلای ردیف ما زندانیان سالن ۳ توانان را جا داده بودند. البته یادم نیست زندانی‌هایی از سالن‌های دیگر هم بودند یا نه. تواب‌ها بر سرکله ما چیزهایی پرت می‌کردند و دائم می‌گفتند سرت رو به جلو باشه، حرف نزن، چپ و راست رو نگاه نکن. تمام این مدت با ناسزا گفتن گذشت تا زمانی که افسران سربلند و شریف حزب همراه دیگر رفقا را روی سن سالن آوردند و آنجا ایستادند. توضیح اینکه این سالن بزرگ و سن آن را شبیه تئاتر درست کرده بودند تا بر صحنه آن ماهیت رژیم و توحشش را نمایش بدهند. رفقا که روی سن ایستاده بودند همه زندانیان سالن به آنان خیره نگاه می‌کردند. در

میانۀ این فضا تواب‌ها شعار می‌دادند: «جماران گل باران، توده‌ای تیرباران» ولی ما همگی به آنان خیره نگاه می‌کردیم و از پشت تواب‌ها به سر ما دمیایی پرت می‌کردند. زمانی که رفیق هوشنگ عطاریان را وارد سن کردند شعار عوض شد و پاسدارها و تواب‌ها شعار می‌دادند: «عطاریان جاسوس اعدام

## ادامه سخنان رفیق مصطفی بخشی ...

ابراهیم لطف‌الزاده وقت هواخوری در حال دیدن دور حیات بودیم که نگرهبان سالن ۳ گفت هواخوری تمام شده. در حال بالا رفتن از پله‌ها بودیم و هنوز بالای پله نرسیده بودیم که نگرهبان سالن، درب اتاق ۶۸ را باز کرد و تواب‌هایی که در آن اتاق بودند با سردادن شعار وارد راهرو سالن شدند. شعارها یادم نیست چی بود.

یکی از تواب‌ها، خسرو شجاعی، که قبلاً توده‌ای بود و حالا داشت علیه حزب شعار می‌داد با رفیق ابراهیم لطف‌الزاده رو در رو شد. ابراهیم یک سیلی به او زد. تواب‌ها و نگرهبانان بر سر او ریختند. رفیق عباس بستاره و رفیق معلم و رفیق محمود بهکیش توانستند رفیق ابراهیم را از چنگ تواب‌ها بیرون بکشند.

نگهبانان زندان رفیق ابراهیم را بردند زیر هشتی و تا غروب نگه داشتند. شب دیرگاه او را به اتاق برگرداندند. اما متأسفانه فردای آن روز او را با «کلیه وسایل» شخص‌اش از اتاق بردند. و این‌گونه بردن‌ها معمولاً نشانه‌ای شوم در زندان شناخته شده بود.

رفیق ابراهیم لطف‌اله زاده را در سال ۶۴ یا ۶۵ اعدام کردند. یادش گرامی و خاطره‌اش جاوید.

مدیریت زندان اوین در اواخر سال ۶۳ تصمیم گرفته بود تا روحیه زندانیان سرموضع را بشکند. به همین منظور در هر اتاق سه یا چهار نفر تواب گذاشته بودند، که در همه امور دخالت می‌کردند. تواب‌ها یک پتو وسط اتاق پهن کرده بودند و وسایل شان را روی آن گذاشته بودند و به ما می‌گفتند شما نجس هستید و حق ندارید با روی پتوی ما بگذارید. توجه کنید رفقا، در آن فضای کم و با جمعیت ۳۰ تا ۴۰ نفره که در ۲۴ ساعت فقط نیم ساعت اجازه هواخوری داشتیم، سخت بود که در یک گوشه اتاق بشینیم و اراجیف آن سه تواب را بشنویم و یا بلندگوی رادیوی زندان که دائم روشن بود را گوش کنیم. این بود که روز به روز جو اتاق‌های سالن ۳ متشنج و غیر قابل تحمل شده بود. باید این را هم اضافه کنم که بیشتر زندانی‌های سالن ۳ ملی‌کش بودند، به این معنی که بعد از دادگاه که اکثر رفقای توده‌ای از مواضع حزب دفاع کرده بودند، جاسوسی و خیانت به انقلاب را رد کرده و از مواضع عدالت‌خواهانه حزب سخن گفته بودند.

قاضی دادگاه به این رفقا حکمی نداده بود و گفته بود: «بروید تا اطلاع ثانوی» (در زندان ما توده‌ای‌ها اصطلاح ملی‌کش را بین زندانی‌ها باب کرده بودیم و می‌توان گفت که ۹۰ درصد این عزیزان و رفقا که ملی‌کش بودند، تا پای شرافت حزبی خود ماندند و در تابستان ۶۷ ناجوانمردانه اعدام شدند.

یاد و خاطره این عزیزان گرامی و جاوید باد!



## خاطراتی از هشتاد سال مبارزه و زندان:

## سخنان رفیق ناصر مودن

ارثیه  
اعلیحضرت

حال سیامک  
هم‌پندی  
بیست‌ساله‌مان  
در سلول عمومی  
کمیته مشترک  
ضد خرابکاری  
حال خاصی بود.  
قبلاً در سلولی  
دیگر بود و در  
جریان پخش

«برنامه حکومتی اعتراف» او جزو هیستریک شده‌ها بود. سرش را به در آهنی سلول کوبیده بود. از حال رفته بود و آمده بودند با برانکارد برده بودندش به بهداری زندان. از بهداری زندان هم آوردنش به سلول عمومی ما که سی و پنج نفر در آن بودیم. روزهای اول در کنجی خپ می‌کرد و سر به زیر به زیلوی چرک‌مرده کف سلول خیره می‌ماند. یک شب که طبق معمول پس از شام در سلول قدم می‌زدیم آمد کنار من و با سر به زیر انداخته زمزمه کرد: امشب در سر شوری دارم... امشب در دل نوری دارم... بعد گفت پدرش در کسب و کار فیلم و سینماست و او کمکی‌اش بوده. حالا پدر و خواهرش هم زندانند.

رفیق سیامک جوان شب‌های دیگر هم کنار من در قدم‌های شبانه کنار من می‌آمد و زمزمه می‌کرد: امشب در سر شوری دارم... و پس از چند لحظه که می‌گذشت قدم‌هایش را تندتر برمی‌داشت، کلمات ترانه را پشت هم و بی‌مکث لازم ادا می‌کرد و صدایش هم کم کم بلند می‌شد. هر شب چنین می‌کرد و کار من هم شده بود این که دستش را بگیرم و بفشارم و ملتسانه بگویمش سیامک جان، رفیق، آرام، آرام، این‌طوری... امشب... در سر... شوری... دارم... خوب؟ به روالی که گفته بودم زمزمه را شروع می‌کرد اما چیزی نمی‌گذشت که قدم‌هایش سریع‌تر، ادای کلمات شعر تند تند و پشت هم و صدایش بلندتر می‌شد. باز نگاهش می‌داشتیم و او ساکت می‌شد و نمی‌خواند. از او می‌پرسیدم چرا نمی‌خوانی بخوان رفیق اما آرام، می‌خواند اما چند لحظه بعد ضرب‌بانهگ قدم‌ها و ادای واژه‌ها تند می‌شدند و صدایش هم بلند می‌شد. شوی کنار من آمد اما ترانه‌اش را زمزمه نکرد. سرش زیر بود مثل آدمی که فکری در سرش جا کرده و با آن درکلنجا باشد. ناگهان ایستاد و گفت دیشب به خوابی دیدم. خواب دیدم شاه جلو خمینی دوزانو نشسته و به او میگه من که از پس این چپ‌ها برنیامدم مگر شما حاج‌آقا کاری بکنی. واسه همینم این کمیته مشترک را برایت به‌ارث گذاشتم. اگر خواستی موزه‌ش کنی بعد از اینکه کلک او را کندی موزه‌ش بکن. گفتم سیامک جان این که شد یک رمان و نه خواب. گفت همینته دیگه.

رفیق سیامک جوان ما ذهنی پرچوش و در حال غلبان داشت. شبی دیگر مثل همیشه کنار من آمد و با هم قدم می‌زدیم که یکبار ایستاد نگاهی پرسان به من انداخت با صدای بلند گفت تو گفتی اون که حزب را منحل کرد... دستش را محکم فشردم و حرفش را قطع کردم: رفیق سیامک آرام. او هم زمزمه‌وار ادامه داد: گفتی شکنجه شده ولی من آن شب جلو تلویزیون توی آن حالت دیدم شق و رق نشسته بود و کلماتش را سفت به سق دهنش می‌کوفت و یکی یکی پریشان می‌کرد بیرون، شمرده، خونسرد. ها؟ تو چی میگی؟ بی‌حوصله گفتم سیامک عزیز بذار برای بعد. نگاهی که تلاشی برای باور کردن در آن موج می‌زد اما هم‌چنان ناباور بود به من انداخت و شروع کرد: امشب در سر شوری دارم... و خلاف معمول زمزمه‌اش را قطع کرد: مگه حزب را او ساخته که منحلش می‌کنه؟ ها؟ تو چی میگی؟ دستش را هیچ‌وقت به این سختی فشار نداده بودم: اینجا صدایت را باید کنترل کنی، صدایت را باید در اختیار بگیری... روز بعد سیامک را با کیسه پلاستیکی کوچک لباس زیرش از سلول ما بردند. احتمال می‌دادم یا انفرادی بردنش یا توی راهرو روی پتوی سربازی چشم‌بند به چشم نشانندش.

چهارده ماه در کمیته مشترک سپری شد. یک روز همه را در گروه‌هایی سه چهار نفره چشم‌بند آجیده به چشم توی استیشن‌های کمیته نشانند تا ببرند جایی دیگر. آن جای دیگر در صحبت‌های راننده از قرار زندان اوین بود. بی‌اختیار یاد سیامک و خوابش افتادم و توی دلم گفتم سیامک جان این هم ارثیه‌ای دیگر.

استیشن در حرکت بود. مأمور نگهبان کنار راننده مرتب می‌گفت سرا زیر باشه... صدا

نیاشه... انگشتان عرق کرده پنجه‌ای استخوانی دور میچم حلقه شد. صدایی آرام گفت: امشب در سر شوری دارم... امشب در دل نوری دارم... نمی‌دانم آیا از کشتار ۶۷ جان بدر برد یا نه. خبری از او ندارم.

## شماری از پیام های پرشور تبریک و همبستگی حزب های کارگری و کمونیستی جهان به مناسبت هشتادمین سالگرد حزب به کمیته مرکزی حزب توده ایران

می‌گوییم.  
ما خوب می‌دانیم که حزب توده ایران همیشه در شرایطی بسیار دشوار مبارزه کرده که اکثر سال‌های آن در شرایط «غیر قانونی» بوده است. پس از یورش‌های وحشیانه به حزب شما در فوریه ۱۹۸۳ [بهمن ۱۳۶۱]، شما مجبور شدید فعالیت‌های حزب را مجدداً سازمان‌دهی کنید و آنچه را از ساختار حزب در ایران باقی مانده بود نجات دهید.

در سال ۱۹۸۸/۱۳۶۷ شمار زیادی از رهبران، کادرها، اعضا، و هواداران حزب توده ایران که از زمان یورش‌های سال ۱۹۸۳ [۱۳۶۱-۱۳۶۲] به حزب شما، بازداشت شده بودند، اعدام شدند. افتخار و سربلندی از آن همه آن رفقااست! آنها هرگز فراموش نخواهند شد.

حزب کمونیست ونزوئلا همبستگی تام خود را با شما، در راه تقویت سازمان‌های و فعالیت‌های حزبی و تدارک برگزاری کنگره ۷، ابراز می‌کند.

ما مطمئن هستیم که با سنت انقلابی قهرمانانه حزب توده ایران، حزب شما پیروزی‌های بیشتری به دست خواهد آورد، و در مبارزات ملی و بین‌المللی در راه رهایی ملی ملت‌ها و تصرف قدرت به دست پرولتاریا و سوسیالیسم جهانی شرکت خواهد کرد.

بین حزب توده ایران و حزب کمونیست ونزوئلا دوستی تاریخی درازمدتی وجود دارد. ما، از جانب کمیته مرکزی حزب کمونیست ونزوئلا، از شما به‌خاطر همبستگی پیگیرتان با حزب ما در مبارزه سیاسی کنونی، که وضعیتی کاملاً متفاوت با وضعیتی است که در دو دهه اخیر در روند سیاسی با آن درگیر بوده‌ایم، سپاسگزار می‌کنیم.

ما خواهان تعمیق روابط دوجانبه حزب‌هایمان هستیم و بسیار مایلیم که پیوندهای رفیقانه دوستی، همبستگی، و همکاری خود با حزب توده ایران را به همین ترتیب حفظ کنیم.

برای شما آرزوی تندرستی و موفقیت در مسئولیت‌های والای‌تان داریم. حزب توده ایران همیشه می‌تواند روی همبستگی و حمایت حزب کمونیست ونزوئلا حساب کند.

زننده باد حزب توده ایران!

پاینده باد انترناسیونالیسم طبقه کارگر!

با درودهای رفیقانه،

اسکار فیگوترا، دبیرکل، کارولوس ویمر، دبیر شعبه بین‌المللی

### پیام شادباش کمیته مرکزی حزب کمونیست هند (مارکسیست)

دهلی، نو، ۳۰ سپتامبر ۲۰۲۱ [۸ مهر ۱۴۰۰]

رفقای گرامی،

حزب کمونیست هند (مارکسیست)

دوردهای انقلابی خود را به مناسبت ۸۰مین

سالگرد تأسیس حزب توده ایران به شما تقدیم

می‌کند. ما به رهبری و همه اعضای حزب

توده ایران درود می‌فرستیم و بار دیگر بر

همبستگی صمیمانه خود با حزب شما تأکید می‌کنیم.

از زمان شکل‌گیری حزب توده ایران در سال ۱۹۴۱/۱۳۲۰، حزب شما با محاکمه‌ها و دشواری‌های زیادی روبرو بوده است. به‌رغم سرکوب شدیدی که علیه حزب توده ایران صورت گرفته است، طبقات حاکم نتوانسته‌اند شعله اندیشه‌های سوسیالیسم را در مردم ایران خاموش کنند. نیز نتوانستند موفق شوند که حزب توده ایران را از بین ببرند. مبارزاتی که حزب شما در تمام این سال‌ها، به‌رغم شرایط سیاسی خصمانه علیه حزب، به پیش برده است، همیشه الهام‌بخش باقی خواهد ماند.

امروزه جهان در حال گذر از مرحله جدی دیگری از بحران سرمایه‌داری است که همراه با همه‌گیری کنونی، بر زندگی مردم اثر ویرانگری داشته است. امروزه توخالی بودن و محدودیت‌های نظام سرمایه‌داری بیشتر و بهتر از هر زمان دیگری در معرض دید ملت‌ها قرار دارد. مردم به‌تدریج به برتری سوسیالیسم به‌مثابه تنها جایگزین بی‌می‌برند. طبقات حاکم در سراسر جهان که این تحولات نگران‌انگیز کرده است، تلاش می‌کنند وحدت طبقاتی [زحمتکشان] را بشکنند و به نام نژاد، مذهب، قومیت، و ملیت بین مردم تفرقه بیندازند. آنها

ادامه در صفحه ۱۳

### پیام شادباش حزب کمونیست فدراسیون روسیه به کمیته مرکزی حزب توده ایران

رفقای عزیز،

به مناسبت ۸۰مین سالگرد تأسیس حزب توده ایران، جانشین براننده حزب کمونیست ایران، یکی از قدیمی‌ترین حزب‌های کمونیست با تاریخچه ۱۰۱ ساله و نخستین سازمان مارکسیستی در کشور شما، کمیته مرکزی حزب کمونیست فدراسیون روسیه به‌گرمی به شما تبریک می‌گوید.



از سال ۱۹۴۱/۱۳۲۰ حزب توده ایران آمون‌های بسیاری را پشت سر گذاشته است. فعالیت حزب شما ممنوع شده است و شما مجبور به فعالیت مخفیانه هستید. فعالیت پنهانی شما در همه این سال‌ها نمونه بارزی از شجاعت و عزم و اراده، و تعهد به آرمان‌های سوسیالیسم است.

با وجود تغییر رژیم، کمونیست‌های ایران هنوز با یورش مداوم حاکمان کنونی مواجه‌اند. با این حال، هیچ شرایط سختی باعث نشد که شما از مبارزه خود برای دستیابی به آینده‌ای بهتر و شکوفا برای مردم ایران، و در راه استقلال، عدالت، حقوق بشر و حقوق دموکراتیک دست بردارید.

ما قدردان سهم و نقش حزب شما در تقویت همبستگی و همکاری بین‌المللی با حزب‌های کمونیست و کارگری کشورهای دیگر هستیم.

امروزه همبستگی و حمایت، به‌ویژه برای کمونیست‌های همه کشورهای، امری مهم است. ما همبستگی خود را با مبارزه دشوار شما و تعهد شما به پیشبرد هدف‌ها و آرمان‌های مشترکمان در راه رسیدن به سوسیالیسم ابراز می‌کنیم.

ما مطمئن هستیم که با وجود همه دشواری‌ها، حزب شما راهی را که از پیش تدوین شده است تغییر نخواهد داد، و هواداران و دوستان جدیدی خواهد یافت.

برای شما پایداری، عزم و اراده، و خوش‌بینی انقلابی در مبارزه برای ساختن آینده بهتر مردم ایران آرزو می‌کنیم.

کمیته مرکزی حزب کمونیست فدراسیون روسیه

مسکو، ۲۷ سپتامبر ۲۰۲۱ [۵ مهر ۱۴۰۰]

### پیام شادباش کمیته مرکزی حزب کمونیست ونزوئلا

کاراکاس، اکتبر ۲۰۲۱

رفقای گرامی،

به نمایندگی از کمیته مرکزی حزب کمونیست ونزوئلا (CPV) به شما درود می‌فرستیم و به مناسبت بزرگداشت ۸۰ سالگی تأسیس حزب پرافتخار توده ایران در اکتبر ۱۹۴۱ [مهر ۱۳۲۰]، که ضرورتی عینی برای



طبقه کارگر و مردم ایران بود، به شما و همه فعالان حزب شما شادباش

## ادامه شماری از پیام های پرشور تبریک ...

همه نوع بنیادگرایی مذهبی و دیگر نیروهای راست افراطی را ترویج و تقویت می کنند. ما باید بر این نقشه طبقات حاکم غلبه کنیم و وحدت طبقاتی ایجاد کنیم تا مردم را برای تحوّل اجتماعی بسیج کنیم.

ما مطمئن هستیم که حزب توده ایران از این مناسبت مهم برای بخشیدن جان تازه ای به حزب و هدایت کردن مسیر حرکت مردم ایران به سمت آینده ای روشن تر استفاده خواهد کرد. حزب کمونیست هند (مارکسیست) معتقد است که در کشورهایمانند کشورهای ما، پیش از رسیدن به مرحله انقلاب سوسیالیستی، باید از مرحله انقلابی دموکراتیک مردم عبور کرد. ما یقین داریم که حزب توده ایران نیز با توجه به شرایط مشخص کشورتان، مسیر گذار مشابهی را می بیند. دوره کنونی فرصت های زیادی را پیش روی ما قرار می دهد تا با استفاده از آنها هدف هایمان را تحقق بخشیم. به نمایندگی از حزب کمونیست هند (مارکسیست)، بار دیگر برای تلاش ها و پیکارهای حزب شما آرزوی موفقیت می کنیم، و تکرار می کنیم که با توجه به پیوندهای برادرانه نزدیک بین دو حزب ما، و ده ها سال دوستی مشترک، شما همیشه می توانید روی همبستگی ما حساب کنید.

کمیته مرکزی حزب کمونیست هند (مارکسیست)

**پیام شادباش حزب کمونیست برزیل به کمیته مرکزی حزب توده ایران**  
برازیلیا، ۳۰ سپتامبر ۲۰۲۱ [۸]  
مهر ۱۴۰۰



رفقای عزیز،  
با خشنودی فراوان، هشتادمین سالگرد تأسیس حزب پُرافتخار شما را تبریک می گوئیم.  
حزب توده ایران در این هشت دهه توانمندی و فخرمندی منحصر به فردی در دفاع از آرمان های حاکمیت ملی، دموکراسی، و سوسیالیسم - تنها راه واقعی رهایی کارگران و ملت ها - نشان داده است.

بحران کنونی سرمایه داری و همه گیری کووید-۱۹ ثابت می کند که سرمایه داری و امپریالیسم هیچ چشم انداز واقعی امیدبخشی برای بشریت ندارد. حزب کمونیست برزیل (PCdoB) با تأکید مجدد بر پیوند دوستی و همبستگی خود با حزب توده ایران، امیدوار است که روابط دو جانبه ما بر اساس مبارزه مشترک ضد امپریالیستی در راه ساختمان سوسیالیسم و کمونیسم تقویت شود و گسترش یابد.

هشتادمین سالگرد تأسیس حزب توده ایران خجسته باد!  
زنده باد انترناسیونالیسم پرولتری!  
والتر سورتنینو، دبیر شعبه روابط بین المللی  
**حزب کمونیست برزیل**

**پیام شادباش حزب کمونیست سوریه به کمیته مرکزی حزب توده ایران**  
دمشق، ۲ اکتبر ۲۰۲۱ [۱۰] مهر ۱۴۰۰

رفقای عزیز،

کمیته مرکزی حزب کمونیست سوریه، به نمایندگی از اعضا و هواداران حزب، گرم ترین شادباش های رفیقانه خود را به مناسبت هشتادمین سالگرد تأسیس حزب پُرافتخار توده ایران به شما تقدیم می کند.

حزب شما با مبارزه دشوار و فداکاری های عظیم اعضایش، صفحات درخشانی از تاریخ معاصر ایران را نوشته است. نام قهرمانان شهیدی مانند خسرو روزبه، الگوی برای مبارزه فداکارانه در راه دفاع از منافع مردم و پیروزی سوسیالیسم شده است.

اعضای حزب شما در خط مقدم مبارزه با حکومت شاه بودند که سرسپرده امپریالیسم جهانی بود. شما با وجود همه سختی ها و رنج ها در موضع خود ثابت قدم ماندید. بعد از حکومت شاه نیز موضع حزب توده ایران در دفاع از

حقوق بشر و آزادی های دموکراتیک روشن بوده است. همبستگی بین المللی با مبارزات ملت ها در راه دستیابی به آزادی و پیشرفت نیز نماد و شاخص دیگر حزب توده ایران است.

حزب کمونیست سوریه فعالانه در مبارزه عمومی مردم سوریه با تجاوزگری امپریالیستی و صهیونیستی و علیه جناح های تروریست و تاریک اندیش که مَجری سیاست های امپریالیستی اند، شرکت دارد.

حزب کمونیست سوریه ضمن شرکت در مبارزه عمومی ملی خود، شعارهای طبقاتی روشنی را نیز مطرح می کند و از حقوق زحمتکشان دفاع می کند. سیاست حزب ما مبتنی بر سه رُکنی است که پنجاه سال پیش در کنگره های حزب تصویب شد، و عبارتند از:

- \* همکاری با همه نیروهای میهن دوست و مترقی کشور
- \* مبارزه مداوم در دفاع از منافع و خواست های توده های زحمتکش
- \* دفاع از استقلال حزب در موضوع های اصولی و مسائل عمده سیاسی.
- حزب ما مشتاق تقویت و گسترش روابط خود با شما حزب برادر است. فرخنده باد هشتادمین سالگرد تأسیس حزب توده ایران!
- زنده باد مارکسیسم-لنینیسم!
- زنده باد انترناسیونالیسم پرولتری!

**کمیته مرکزی حزب کمونیست سوریه**



**پیام شادباش حزب کمونیست آلمان به کمیته مرکزی حزب توده ایران**  
رفقای عزیز،

حزب توده ایران اکنون به ۸۰ سال تاریخ خود نگاه می کند که طی آن همواره پیگیرانه در دفاع از منافع و حقوق طبقه کارگر ایران، و زنان و جوانان کارگر و دانشجو، رزمیده و آنها را در مبارزات اجتماعی و سیاسی رهبری کرده است، اگرچه در بیشتر مدت حیاتش، در شرایط «غیرقانونی» مبارزه کرده است.

شاخص روابط کمونیست های ایرانی و آلمانی همواره دوستی و احترام متقابل بوده است. پیش از این، در زمان حزب متحد سوسیالیستی آلمان (SED) در جمهوری دموکراتیک آلمان و در زمان فعالیت حزب کمونیست آلمان در جمهوری فدرال آلمان، هر دو حزب، با روح انترناسیونالیسم پرولتری، روابط نزدیک خود را با حزب توده ایران حفظ کردند. امروزه نیز همان پیوند در روابط حزب کمونیست آلمان با حزب شما حفظ شده است.

حزب با تجربه و آبدیده شما طوفان های زیادی را در مبارزه طبقاتی پشت سر گذاشته و مجبور شده است در مبارزه در راه سوسیالیسم، صلح، و دموکراسی فداکاری های بزرگی بکند. اما قدیمی ترین حزب موجود ایران از بین نمی رود؛ به حیات خود ادامه می دهد و برای آینده ای سوسیالیستی می رزمد.

روز سقوط دیکتاتوری خواهد رسید؛ روزی که توده های مردم ایران قیام می کنند و بندهای خود را می گسلند. این پاداش کمونیست های خواهد بود که دهه ها تاریکی را با بالا نگه داشتن سر خود، پشت سر گذاشته اند.

زنده باد حزب توده ایران، حزب کمونیست های ایران!

زنده باد همبستگی بین المللی!

رناته کوبه، دبیر شعبه بین المللی

**پیام شادباش حزب کمونیست ترکیه**  
۲۷ سپتامبر ۲۰۲۱ [۵] مهر ۱۴۰۰  
رفقای عزیز،



حزب کمونیست ترکیه هشتادمین سالگرد بنیادگذاری حزب توده ایران را با احساسات برادرانه و رفیقانه شادباش می گوید. ما به خوبی از چالش ها و مبارزات حزب شما در هشتاد سال گذشته در ایران، نخست در رژیم شاهنشاهی و سپس در مقابل جمهوری

## ادامه شماری از پیام های پرشور تبریک ...

اسلامی ایران، آگاه هستیم. حزب توده ایران با این میراث مبارزاتی همچنان پیام آور رهایی اجتماعی واقعی است و نشان می‌دهد که کارگران و زحمتکشان را نمی‌توان مجبور به انتخاب بین امپریالیسم و ارتجاع مذهبی کرد.

تجاوزگری امروزی امپریالیسم آمریکا و متحدانش علیه ایران بدون تردید بدین معناست که بار رقابت میان طبقات استعمارگر بر مردم ایران تحمیل می‌شود. از سوی دیگر، روحانیان مرتجعی که بر ایران حاکم‌اند از این فرصت تجاوزگری آمریکا برای حفظ مصنوعی مشروعیتی که این رژیم پوسیده مذهبی از دست داده است، استفاده می‌کنند. همان‌طور که روند انتخابات در ماه‌های اخیر نشان داد، طبقات استعمارگر در ایران در تنگنا و بن‌بست قرار گرفته‌اند. اعتصاب‌های فزاینده کارگران نفت و پتروشیمی در سال‌های اخیر نیز نشان می‌دهد که چه نیروهایی می‌توانند رژیم ضدانقلاب ایران را شکست بدهند.

در منطقه ما، بحران‌های سرمایه‌داری فرصت‌هایی را برای گزینه سوسیالیستی انقلابی و همیاری آن با طبقه کارگر فراهم آورده است. ما کمونیست‌های ترکیه، با استفاده از این فرصت‌ها، نیروهای روشنگر و میهن‌دوست دارای گرایش سوسیالیستی در کشورمان را علیه دولت خائن و مذهبی "حزب عدالت و توسعه" سازمان‌دهی می‌کنیم. به همین ترتیب، ما باور راسخ داریم که نیروهای روشنگر و میهن‌دوست در میان مردم ایران با سازمان‌دهی مبارزه در برابر رژیم مذهبی و سرکوب امپریالیستی در کشور همسایه ما ایران، پیروز خواهند شد.

ما ضمن گرامیداشت هشتادمین سالگرد بنیادگذاری حزب توده ایران و ابراز شور همبستگی انقلابی خود به این مناسبت، به حزب شما درود می‌فرستیم که نقش مسئولانه‌ای در این وظیفه مبارزاتی، و به پیش بردن آن در آینده، به عهده گرفته است.

**کمیته مرکزی حزب کمونیست ترکیه**

## پیام شادباش حزب کمونیست کانادا

۲۷ سپتامبر ۲۰۲۱ [۵ مهر ۱۴۰۰]

به کمیته مرکزی حزب توده ایران



رفقای عزیز،

به نمایندگی از کمیته مرکزی حزب کمونیست کانادا، خوشوقتم

که به مناسبت فرخنده ۸۰ سالگی حزب شما، به اعضا و رهبری حزب توده ایران شادباش می‌گویم.

در طول این ۸۰ سال، حزب توده ایران صدای رسای زحمتکشان ایران بوده است. حزب شما به‌رغم «غیرقانونی بودن» و تحمل یورش‌های وحشیانه حکومت‌های فاشیستی در بخش اعظم تاریخ فعالیتش، از مبارزه در راه تحقق نیازهای فوری مردم، و در راه دستیابی به دموکراسی، صلح، و سوسیالیسم باز نمانده است.

کمونیست‌های کانادا و سراسر جهان هرگز قهرمانی رهبران و اعضای حزب شما را که جان خود را در راه آرمان سوسیالیسم و بهروزی زحمتکشان ایران دادند، فراموش نخواهند کرد. رفقای ما مانند علی خاوری که زندگی‌شان با زتاب پیکار اصولی و از خود گذشتگی حزب توده ایران در راه رسیدن به دموکراسی، صلح، و سوسیالیسم در ایران، شکل دادن و متحد ساختن نیروهای ضدامپریالیستی در کشور و منطقه، و شکست دادن تلاش‌های امپریالیست‌های آمریکایی، بریتانیایی، و اروپایی برای تبدیل کردن خاورمیانه به منطقه جنگی دائمی است، رفقای آنند که در تاریخ جنبش کمونیستی جهان از آنها به عنوان نمونه‌هایی از میهن‌دوستان، انترناسیونالیست‌ها، انقلابی‌ها، و مبارزان واقعی و راستین در خدمت زحمتکشان یاد خواهد شد.

سرنوشتی سوسیالیسم در اروپا باعث سردرگمی زیادی در جنبش

کمونیستی جهان شد و برخی را به رها کردن مارکسیسم-لنینیسم کشاند. بر همه روشن است که حزب توده ایران، بدون تزلزل، ریشه‌های مارکسیستی-لنینیستی خود را حفظ کرد، اعلام "پایان تاریخ" توسط فوکویاما را - که به معنای پایان مبارزه طبقه کارگر بود - رد کرد و در عوض، در راه بازسازی و اتحاد مجدد جنبش کمونیستی بین‌المللی در نشست‌های بین‌المللی حزب‌های کمونیست و کارگری کوشید.

امروزه حزب توده ایران به مبارزه اصولی خود با امپریالیسم، و با رژیم فاشیستی و دین‌سالار حاکم بر ایران که در خدمت امپریالیسم است و مورد حمایت آن قرار دارد، ادامه می‌دهد. ارزیابی حزب توده ایران که زحمتکشان ایران به رهبری این حزب، راه خود را به سوی سوسیالیسم خواهند یافت به این شرط که بتوان جلو مداخله امپریالیسم را گرفت، پیام روشنی به نیروهای ضدامپریالیست بین‌المللی در مورد وظایف پیش رو است.

انجام این وظیفه به‌ویژه باید شامل اقدام برای لغو تحریم‌های آمریکا علیه ایران، و فراهم کردن دسترسی فوری به واکسن بدون حق ثبت اختراع، دسترسی به لوازم پزشکی برای مایه‌کوبی کردن همه ایرانیان و ریشه‌کن کردن موج هولناک مرگ‌ومیر بر اثر همه‌گیری کنونی و ابتلا به ویروس در آن کشور باشد. تحریم‌ها و همه‌گیری کنونی، همراه با هم، عامل درد و رنج گسترده‌ای است که دولت کانادا به‌عمد آن را نادیده می‌گیرد، و در عین حال، سیاست خارجی کانادا پیش از پیش به سیاست خارجی آمریکا همانند می‌شود که حامل و شامل جنگ، تجاوزگری، و تغییر رژیم در سراسر جهان است.

ضعیف کردن و شکست دادن امپریالیسم به سود همه آنهایی است که به صلح و خلع سلاح و پایان دادن به تهدید جنگ هسته‌ای جهانی، به امر حاکمیت ملی و استقلال، کاهش تغییرهای آب‌وهوایی زیانبار، دستیابی به عدالت زیست‌محیطی، پایان دادن به تهدید فاشیسم که زاینده امپریالیسم است، باز کردن راه برای دگرگونی‌های بنیادی، و برقراری سوسیالیسم در کشورهای جهان متعهدند. دنیای دیگری ممکن است! این امری فوری است!

رفقای عزیز،

ما در حزب کمونیست کانادا، به مناسبت بزرگداشت ۸۰ سالگی بنیادگذاری حزب توده ایران به شما درود می‌فرستیم. ما برای شما در کار مهمی که به پیش می‌برید، و در مبارزات دشوار ولی رهایی‌بخش پیش روی شما در راه دستیابی به صلح، دموکراسی، و سوسیالیسم، آرزوی موفقیت کامل داریم.

سرمایه‌داری مرض است - سوسیالیسم درمان است!

زنده‌باد انترناسیونالیسم پرولتری!

زنده‌باد مارکسیسم-لنینیسم!

زنده‌باد دوستی بین دو حزب ما!

با احترام‌های رفیقانه، الیزابت رولی، صدر

## پیام شادباش حزب کمونیست ارمنستان

ایران، ۲۳ سپتامبر ۲۰۲۱ [۱ مهر ۱۴۰۰]

به مناسبت ارزشمند ۸۰مین سالگرد تأسیس حزب توده ایران، جانشین حزب کمونیست

ایران، حزب کمونیست ارمنستان درودهای گرم و برادرانه خود را به حزب توده ایران می‌فرستد.

حزب کمونیست ارمنستان به نقش عمده‌ای

که حزب توده ایران در مبارزه با شاه بر عهده

گرفته بود به‌خوبی آگاه است و بر آن ارج

می‌نهد. در عین حال، حزب ما از سرکوب رژیم شاه به خاطر این مبارزه - که همراه با اعدام، زندان، و شکنجه کردن، و مجبور شدن حزب به تبعید و فعالیت زیرزمینی بود - بسیار متأسف و متأثر است. ما همچنین به نقش برجسته حزب توده ایران در انقلاب فوریه ۱۹۷۹ [بهمن ۱۳۵۷] ایران که دیکتاتوری بی‌رحم شاه را برانداخت، اذعان و آگاهی داریم و برای آن ارج قائلم. با این حال، متأسفانه طولی نکشید که حزب شما بار دیگر «غیرقانونی» اعلام شد و یورش فاجعه‌باری به اعضا و هواداران حزب صورت گرفت.

از آن زمان به بعد، حزب توده ایران مجبور به فعالیت مخفی و پنهانی شده است. با وجود این شرایط دشوار، حزب توده ایران - که اکنون پرسابقه‌ترین حزب سیاسی موجود در کشور شماست - در عزم مبارزاتی خود و دفاع از منافع مردم ایران ثابت‌قدم مانده است. حزب شما برای

سازمان‌دهی مجدد و احیای جنبش‌های

ادامه در صفحه ۱۵



## ادامه شماری از پیام های پرشور تبریک ...

رژیم شاه توازن نیروها را در سراسر خاورمیانه تغییر داد. اما آن انقلاب با دشمنی خشونت آمیز امپریالیستی و راه انداختن جنگی نیابتی به واسطه رژیم حزب بعث در عراق روبرو شد، که در نهایت به تسلط کامل نیروهای دین سالار ارتجاعی در ایران و یورش به حزب شما در سال ۱۹۸۳ [۱۳۶۲] منجر شد. پس از بازداشت دهها هزار نفر از اعضای حزب شما و زندانی کردن جمعی آنها، اعدامهای جمعی سال ۱۹۸۸ [۱۳۶۷] رخ داد که هواداران پیشرفت اجتماعی را در سراسر جهان خشمگین کرد. این اعمال جنایتکارانه حکومت دین سالار ایران حاکی از ترس آن از اصول رهایی اجتماعی، سکولاریسم، و سوسیالیسم بود که حزب شما منادی و مروج آنهاست.

در طول سه دهه بعدی، حزب شما به این اصول وفادار ماند و بار دیگر برای تشکیل ائتلاف نیروها در ایران و متحد کردن زحمتکشان و ایجاد اتحادیهایی گستردهتر در میان زنان و جوانان کوشید.

امروز جهان بار دیگر با تلاشهای نیروهای امپریالیستی، به پیشاشنگی آمریکا، مواجه است که می خواهد ضرورت های اقتصادی و اجتماعی لازم برای ادامه استعمار اقتصادی را، حتی به زور هم شده، تحمیل کند. به ویژه آمریکا، با حمایت بریتانیا، به دنبال منزوی و بی ثبات کردن جمهوری خلق چین است.

در این روند، می بینیم که آمریکا با حمایت دولت بریتانیا، به دنبال جابه جایی مهم ترین نیروهای نظامی خود از خاورمیانه به منطقه اقیانوس آرام است، و برای تأمین این هدف، همسویی ها و اتحادیهایی ارتجاعی تازه ای در سراسر خاورمیانه ایجاد می کند. بنابراین، یکی از عوامل اصلی پیش برنده سیاست امپریالیستی این است که حکومت دین سالار ایران را به اتحادی ضمنی با آمریکا بکشد تا با استفاده از قدرت چانه زنی خود در بحبوحه بحران اقتصادی پس از کووید، بار دیگر ایران را مطیع برآوردن خواست های امپریالیستی کند.

از این روست که کمونیست های بریتانیا شجاعت و قهرمانی اعضای حزب توده ایران را در ادامه دادن به کار شکل گیری اپوزیسیون در ایران، دفاع از حقوق کارگران برای تشکیل، دفاع از حقوق زنان برای زندگی آزاد و برابر، و دفاع از حقوق جوانان برای رشد کامل استعداد های خود، تحسین می کنند. شما همچنان به نبرد برای سوسیالیسم ادامه می دهید.

رفقای عزیز،

شادباش ما را به مناسبت ۸۰مین سالگرد بنیادگذاری حزبتان بپذیرید.

زنده باد سوسیالیسم!

زنده باد انترناسیونالیسم طبقه کارگر!

رابرت گریفیتز، دبیرکل

## پیام شادباش حزب کارگران بلژیک به کمیته مرکزی حزب توده ایران



بروکسل، ۲۹ سپتامبر  
۲۰۲۱ (۷ مهر ۱۴۰۰)

رفقای عزیز،

به نمایندگی از حزب  
کارگران بلژیک (PTB)

(PVDA)، به مناسبت ۸۰مین سالگرد بنیادگذاری حزب توده ایران در ۲ اکتبر ۱۹۴۱ [۱۰ مهر ۱۳۲۰]، جانشین حزب کمونیست ایران که ۱۰۱ سال پیش تأسیس شد اما رژیم دیکتاتور حاکم بر ایران در آن زمان آن را ممنوع اعلام کرد، به شما شادباش می گویم. ما ارج زیادی برای مبارزه حزب شما در شرایط دشوار و پیچیده فعالیت حزب قائلیم؛ مبارزه ای که در میان تجاوزگری امپریالیستی صورت می گیرد که تلاشش پایمال کردن استقلال کشور شما و شعله ورتر کردن منطقه ای گسترده تر است. با وجود این شرایط دشوار، حزب شما برای تشکیل جبهه ای بزرگ و متحد برای دستیابی به آزادی، صلح، استقلال، و عدالت اجتماعی کوشیده است و در عین حال به مبارزه برای رسیدن به سوسیالیسم نیز ادامه می دهد. همچنین، در عرصه فعالیت بین المللی، طبقه کارگر جهانی و نمایندگان سیاسی آن با چالش های عظیمی برای به دست آوردن صلح، حقوق اجتماعی و دموکراتیک، و عدالت زیست محیطی روبرویند. برای تحقق این امر، ما باید نیروهایمان را به هم بپیوندیم، از یکدیگر درس بگیریم، و دیدگاه ها و تجربه های خود را با یکدیگر رد و بدل کنیم.

با ابراز همبستگی کامل، و با درودهای کمونیستی،

برت و بلدر، رئیس شعبه روابط بین المللی

کارگری، جوانان، و زنان در ایران و همچنین به وجود آوردن تحرکی خوشایند در جبهه مخالفان حکومت، تلاش زیادی کرده است. حزب توده ایران، همراه با دیگر نیروهای مترقی در ایران، مبارزه طولانی و دشوار خود با نیروهای ارتجاع، دین سالاری، و دیکتاتوری را ادامه می دهد. به علاوه، حزب توده ایران با نقشه های امپریالیسم آمریکا برای ایران و منطقه، از جمله هر گونه مداخله یا جنگ، به هر بهانه مفروض، همچنان سرسختانه مخالف است. ما همچنین مایلیم از این فرصت استفاده کنیم و ضمن تجلیل از پیوندهای تاریخی و قوی بین دو حزبمان، و در واقع بین دو ملت و کشور، بر ادامه این پیوند تأکید کنیم. ما مواضع شرافتمندانه و اصولی گرفته شده توسط حزب توده ایران را با مسرت به یاد داریم؛ چه در به رسمیت شناختن نسل کشی و بی عدالتی های تاریخی که علیه مردم ارمنستان صورت گرفته است؛ موضع حزب شما در پی فروریزی اتحاد جماهیر شوروی و سال های بسیار دشوار پس از آن؛ یا همبستگی مداوم شما با مردم ارمنستان در جریان تجاوزهای گوناگون علیه کشور ما. ما همچنین از حضور برجسته شمار زیادی ارمنی در تاریخ و بیکارهای حزب توده ایران، چه در میان کادرها و چه در رهبری حزب، بی نهایت مفتخریم و از آن الهام می گیریم. این امر گواه آن است که حزب توده ایران واقعا مدافع و نماینده همه مردم ایران است.

حزب کمونیست ارمنستان بهترین آرزوها و همبستگی گرم رفیقانه خود را به مناسبت ۸۰مین سالگرد بنیادگذاری حزب توده ایران به شما تقدیم می کند. ما برای شما آرزوی ادامه موفقیت در مبارزهتان داریم و خواهان تقویت روابط

مین دو حزب هستیم.

با همبستگی رفیقانه،

کمیته مرکزی حزب کمونیست ارمنستان



## پیام شادباش حزب کمونیست بریتانیا به کمیته مرکزی حزب توده ایران

دروود به رفقای توده ای به مناسبت  
۸۰مین سالگرد بنیادگذاری حزب توده

ایران

رفقای عزیز،

حزب کمونیست بریتانیا پیام همبستگی و گرم ترین درودهای خود را به مناسبت ۸۰مین سالگرد بنیادگذاری حزب شما در ۲ اکتبر ۱۹۴۱ [۱۰ مهر ۱۳۲۰] به کمیته مرکزی و همه اعضای حزب توده ایران می فرستد. رفقای گرامی،

کمونیست های بریتانیا از همان زمان بنیادگذاری حزب توده ایران در دوره مبارزه حماسی بشریت علیه فاشیسم نازی و متحدانش، برای پیوندهای خود با حزب توده ایران ارزش زیادی قائل بوده اند.

پیروزی بر فاشیسم در آن جنگ، که به طور عمده بر اثر قهرمانی ملت های اتحاد شوروی به دست آمد، به دوره ای از امید زیادی برای همه زحمتکشان منجر شد که نظم اجتماعی نوینی را امکان پذیر می دیدند. در آن سال ها، حزب شما مبارزه مردم ایران با خودکامگی و فئودالیسم را رهبری می کرد. حزب شما با فرمانبرداری اقتصادی ایران از امپریالیسم بریتانیا مخالفت و در راه دستاوردهای مهم در امر استقلال منطقه ای و رهایی اجتماعی مبارزه می کرد. به رغم شکست ها و آزار و اذیت ها، حزب شما بخشی مهم از اتحادی شد که در نهایت به ملی شدن نفت ایران و اخراج نیروهای بریتانیایی در سال ۱۹۵۱ [۱۳۲۹] انجامید.

کمونیست های بریتانیا به این دستاورد ارج نهادند. ما آن پیروزی را نخستین و مهم ترین پیشروی ضدامپریالیستی در خاورمیانه می دیدیم. به همان ترتیب، کمونیست های بریتانیا کودتای مشترک آمریکا و بریتانیا در سال ۱۹۵۳ [۱۳۳۲]، استقرار مجدد خودکامگی فئودالی و سرکوب حزب شما را تقیب و محکوم کردند. ما برای پشتیبانی از مبارزه مداوم مردم ایران در دهه های ۱۹۵۰ [۱۳۳۰] و ۱۹۶۰ [۱۳۴۰] و فعالیت زیرزمینی حزب شما در راه سازمان دهی مجدد و متحد کردن نیروهای ضدامپریالیستی در داخل ایران، کوشیدیم. این مبارزات در سال ۱۹۷۹ [۱۳۵۷] نتیجه داد. سرنگونی

## ادامه ورشکستگی سیاست خارجی رژیم ولایی

شمال غربی کشورمان را با وضعیتی پیچیده‌تر و خطرناک‌تر روبرو کرده است.

البته از سوی دیگر حرکت‌های تهدیدآمیز اخیر جمهوری آذربایجان در مرزهای ایران و ارمنستان و ارتباط آن‌ها با برنامه‌های راهبردی ترکیه در پهنه وسیع‌تر آسیا با ورود پاکستان و اسرائیل به منطقه قفقاز جنوبی عامل‌هایی دیگرند که در شکل‌گیری مناقشه‌ها و وخامت اوضاع تأثیرگذار بوده‌اند.

روشن است رژیم ولایی و هیچ‌کدام از حکومت‌های کشورهای پیش‌گفته را نمی‌توان حکومت‌هایی دانست که مصالح صلح، توسعه، و زندگی مردم و زحمتکشان نزدشان در اولویت سیاست‌هایشان باشد. همه آن‌ها بارها و در مقطع‌های زمانی‌ای مشخص چه در امور داخلی و چه در امور خارجی خصلت‌های ضد مردمی‌شان را به روشنی نشان داده‌اند. همه آن‌ها هرگاه برای دوام برقرار ماندن هیئت حاکمه و دولت‌های‌شان یا مقاصد و منافع نامشروع‌شان ضروری بوده است با توسل به عملیات نظامی مستقیم یا نیابتی، با به‌کارگیری انواع جریان‌های ارتجاعی شبه‌نظامی اسلام‌گرا، در راه برافروختن آتش جنگ گام برداشته و برخوانند داشت. از نقش مخرب پاکستان در ارتباط با افغانستان و هندوستان، حرکت‌های تجاوزکارانه ترکیه در ارتباط با بحران قره‌باغ و جنگ آذربایجان و ارمنستان، حمله نظامی و لشکرکشی‌اش به مناطق کردنشین عراق و سوریه و به لیبی گرفته تا عملکرد ضد انسانی و برخلاف قوانین بین‌المللی اسرائیل در قبال فلسطین، سوریه، و لبنان، همگی، از سیاست‌هایی بسیار مخرب حکایت دارند که حاصل آن‌ها جز خونریزی، ویرانی و گسترش فقر و عقب‌ماندگی چیزی دیگر نبوده است. در این فرایند کشورهای ضعیف‌تر نظیر آذربایجان، ارمنستان و افغانستان در چارچوب مناقشه‌های ملی-قومی و مذهبی درعمل به مهره‌های بازی در دست قدرت‌های منطقه‌ای و سر آخر در شمول سیاست‌های کلان امپریالیسم تبدیل می‌شوند.

تحول‌ها و تغییر توازن نیرو در مرزهای شمالی کشورمان تحت تأثیر مستقیم برنامه‌های راهبردی ترکیه‌اند. ترکیه در دوره رهبری رجب‌طیب اردوغان مترصد متصل کردن مرزهایش به جمهوری آذربایجان بوده است تا از این طریق راه نفوذ سیاسی-اقتصادی-نظامی‌اش به کشورهای آسیای میانه و مرزهای مجاور با بخش‌های مسلمان‌نشین شمال غربی چین را بگشاید و گسترش دهد. این برنامه‌های سیاست خارجی ترکیه در قبال آسیای میانه بر روابطش با کشور ما و همچنین قدرت‌های بزرگ جهانی مسلماً تأثیری تعیین کننده خواهد داشت. حسن روحانی، رئیس‌جمهور قبلی ولی فقیه، نیز در روز ۳۱ تیرماه ۱۳۹۷ با بلندپروازی‌ای توسعه‌طلبانه همانند اردوغان، مدعی شد: "عمق راهبردی ایران از شرق تا شبه‌قاره هند، از غرب تا مدیترانه در جنوب تا اقیانوس هند و دریای سرخ و در شمال آسیای مرکزی و قفقاز است" [۱].

البته تا آنجا که به سیاست خارجی رژیم ولایت فقیه مربوط می‌شود، در بیش از چهار دهه گذشته با مسلط شدن "اسلام سیاسی" بر محور رهبری آیت‌الله خمینی، روابط ایران با خارج در مجموع زیر تأثیر "شوونیسم اسلامی" و "عزم صدور انقلاب اسلامی" بوده است. این گرایش در سیاست خارجی کاملاً برخلاف منافع ملی بوده و هست و از همان ابتدای انقلاب بهمین ۵۷ در ضد آرمان‌های انقلابی مردم و مصالح آن عمل کرد. از ابتدای جنگ ایران-عراق نیروهای مترقی و ملی و از جمله حزب ما با نگرانی به اثرهای خطرناک دیدگاه‌ها و سیاست ماجراجویانه "شوونیسم اسلامی" توجه داشته‌اند. تبلور نهایی این دیدگاه‌ها و سیاست‌های ضد ملی تکرار شعارهایی فریب دهنده و خطرناک مانند: "جنگ جنگ تا پیروزی"، "راه قدس از کربلا می‌گذرد" بود، شعارهایی که سران جمهوری اسلامی برای ادامه جنگ و به‌هدف تحکیم پایه‌های قدرت "اسلام سیاسی" همواره آن‌ها را در کوچه و بازار سر می‌دادند. ادامه این دیدگاه‌ها در سه دهه گذشته زیر لوای ایجاد "عمق استراتژیک" و "محور مقاومت اسلامی" موردنظر خامنه‌ای ماجراجویی‌های نیروهای برون‌مرزی سپاه از ارکان اصلی سیاست‌های رژیم در منطقه بوده‌اند. در سه دهه گذشته سیاست خارجی کشور زیر نظر علی خامنه‌ای فقط و فقط در راه گسترش حیطه قدرت رژیم ولایی و در تضاد کامل با منافع ملی بوده است و اوضاع اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی کشورمان را در حال وخامت و تقریباً بن‌بست قرار داده است.

واقعیت امر این است که بلندپروازی‌های ماجراجویانه حکومت ولایت فقیه بر محور "شوونیسم اسلامی" و "صدور انقلاب اسلامی"، فعالیت‌های برون‌مرزی سپاه و حمایتش از نیروهای اسلام‌گرا در اساس شکست خورده‌اند. ولی هنوز هم به‌عوض کاربرد دیپلماسی مؤثر به‌منظور کاهش تنش در مرزهای شمال غربی ایران، خامنه‌ای و دستگاه تبلیغاتی رژیم و فرماندهان سپاه برای انحراف افکار عمومی از بحران‌های عمیق سیاسی، اقتصادی، اجتماعی درون کشور از سر استیصال به دامن زدن به سیاست تنش‌آلود "ناسیونالیسم اسلامی" متوسل شده‌اند. در این ارتباط، در فضای مجازی، رسانه‌ها و در محفل‌های نزدیک به رهبران، فرماندهان سپاه پاسداران با ریختن آشک تمساح برای دفاع از ارمنستان در برابر آذربایجان خواهان تاسیس پایگاه نظامی در ارمنستان شده‌اند! روز ۱۲ مهرماه روزنامه جوان وابسته به سپاه پاسداران در مقاله‌ای با عنوان: "تلاطم شمال ارس را با پایگاه نظامی ایران آرام کنید"، نوشت: "ایران چاره‌ای جز جلب نظر و اجازه ارمنستان برای ایجاد نوعی پایگاه در استان سیونیک ندارد. جمهوری اسلامی ایران برای پیشبرد اهداف استراتژیک خود باید بتواند به‌نوعی تکیه‌گاه در آن سوی ارس دست پیدا کند و ضمن استقرار نیروی نظامی، تضمین پایدارتری برای حفظ ژئوپلیتیک منطقه به‌دست آورد."

حکومت ولایت فقیه میهن ما را با آن چنان بحران‌های سیاسی و اقتصادی روبرو ساخته است که با گذشت هرروز توان تأثیرگذاری دیپلماتیکش بر تحول‌های کلیدی منطقه و مناسبات با دیگر کشورها نیز کم و کم‌تر می‌شود. جمهوری اسلامی عملاً در انزوای بی‌سابقه در منطقه قرار گرفته است و این خود وضعیت اقتصادی کشور را بحرانی‌تر کرده و خواهد کرد. درجه استیصال علی خامنه‌ای و ورشکستگی سیاست خارجی رژیم ولایت فقیه را می‌توان در تمام عرصه‌ها مشاهده کرد. برای مثال، درحالی‌که دولت کره جنوبی به‌واسطه تحریم‌های مالی آمریکا از سپتامبر ۲۰۱۸ میلادی (شهریورماه ۱۳۹۷) از پرداخت هفت میلیارد دلار بابت خرید میعانات گازی به ایران جلوگیری کرده است، واکنش ولی فقیه "منع واردات لوازم خانگی" از کره جنوبی بود! در این ارتباط میزان ابتذال و ناتوانی سیاست خارجی جمهوری اسلامی را می‌توان در اعلامیه مضحک از جانب وزیر امور خارجه، امیرعبداللهیان، پس از دیدار با همتای کره‌ای‌اش "چانگ یو-یانگ" مشاهده کرد. امیرعبداللهیان در روز ۱۷ مهرماه گفت: "به وزیر خارجه این کشور گفتیم مثلاً حتی ممکن است صداسیماي ایران نیز بگوید که دیگر سریال‌های کره‌ای را پخش نمی‌کنیم به‌دلیل این‌که کره به تعهدات خود عمل نمی‌کند..." [۱].

به‌رغم اینکه چه کسی و کدام حزب در کاخ سفید زمام امور را به‌دست گیرد، ماهیت سیاست‌های امپریالیسم آمریکا در منطقه و پهنه جهانی بسیار روشن است و حزب ما و دیگر نیروهای مترقی با تلاش فراوان و به اشکال گوناگون در دفاع از منافع ملی و مردم کشورمان با آن مبارزه کرده و خواهند کرد. اما اینکه چرا کشور ما در این چنین موقعیت خطرناک اقتصادی و سیاسی ضعیفی قرار گرفته است در درجه نخست مسئولیت آن بر عهده ولی فقیه، خامنه‌ای، و قشر روحانیت حاکم و رهبری سپاه و کارگزاران "نظام" است.

حزب توده ایران معتقد است که جهت و ماهیت سیاست خارجی همه دولت‌های جمهوری اسلامی ایران در سه دهه گذشته باوجود کشوقوس‌ها و برخی تفاوت‌های شکلی در آن، در تحلیل نهایی و در مجموع به‌هدف دوام حاکمیت "اسلام سیاسی" و حفظ و گسترش منافع کلان سرمایه‌هایی بوده‌اند که حیات "نظام" به آن‌ها وابسته‌اند.

کشور ما برای سازمان‌دهی جنبش مردمی و تغییر توازن نیرو برای گذار از مرحله دیکتاتوری و امکان‌پذیر شدن دگرگونی‌های بنیادین در راستای تحقق آزادی‌های دموکراتیک و عدالت اجتماعی نیازمند صلح است. سیاست‌های سران حاکمیت ولایتی به بن‌بست رسیده است. از این سران به‌غیر از لاف‌زنی‌های خطرناک یا دامن زدن به "ناسیونالیسم اسلامی" کاری دیگر بر نمی‌آید، اما این گونه سیاست‌های حاکمیت می‌توانند به نقطه بازگشت ناپذیر وقوع جنگی خانمان‌سوز منتهی شوند. حاکمیت مطلق ولایت فقیه و سیاست‌های پرخطر آن سد راه ترقی کشورمان شده‌اند و از این‌رو است که ما در راستای خواست مردم کشورمان برای صلح و استقلال و عدالت اجتماعی به سیاست‌های تنش‌افزا و تحرک‌های نظامی طرف‌های درگیری‌های اخیر "نه" می‌گوییم.



## سیاست‌های به‌غایت ضد مردمی رژیم ولایتی مسبب مشکل‌ها و دشواری‌های جوانان است

مسئولان رژیم ولایت فقیه هر چند یک بار و در کمال بی‌شرمی با ساده جلوه دادن دشواری‌هایی که مردم میهن ما به‌خصوص جوانان با آن رو در رو هستند، مسائلی را بیان می‌کنند که نه‌تنها راه چاره‌ای جدی برای حل مشکل‌ها نیستند، بلکه در عمل نقش حاکمیت ولایت فقیه را در ایجاد این دشواری‌ها بر ملا می‌کنند.

رئیس مجلس شورای اسلامی در ۲۱ تیرماه ۱۴۰۰ و در مراسمی در تهران از اپلیکیشن تلفنی هوشمند «همسر یابی» به‌نام «همدم» رونمایی کرد، و با اطمینانی که فقط از یک شخص بی‌کفایت و یا صرفاً مُغرض انتظار می‌رود، گفت: «این اپلیکیشن برای حل یکی از مشکلات اساسی جامعه است [نگاه کنید به: گزارش خبرگزاری تسنیم، ۲۱ تیرماه ۱۴۰۰]. همان‌طور که می‌دانیم اگر مشکل‌ها و دشواری‌های جوانان از زمره معضله‌های اساسی جامعه نبودند، این حرف خیلی خنده‌آور به‌نظر می‌آمد. این مشتئی نمونه خروار از سیاست‌هایی است که زیر لوای اسلام سیاسی عرصه را در بسیاری از زمینه‌های اجتماعی - فرهنگی و اقتصادی بر جوانان تنگ کرده است. اپلیکیشن «همدم» که در ادامه توسعه سایت «تبیان» وابسته به «سازمان تبلیغات اسلامی» به وجود آمده است، با همکاری «وزارت ورزش و جوانان» و توسط کمیل خجسته، برادرزاده همسر علی خامنه‌ای، مدیریت می‌شود. بر اساس ادعای این شخص، در ۷ سال اخیر به‌واسطه این سامانه، ۳۷۰۰ نفر ازدواج کرده‌اند و زندگی مشترکی را تشکیل داده‌اند که تا کنون یک مورد طلاق هم در بین این افراد ثبت نشده است! درحالی‌که با استناد به آمار منتشره مرکز آمار ایران [نگاه کنید به: خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) ۴ مردادماه ۱۴۰۰] تعداد ازدواج در کشور در سال ۱۳۹۹ بیش از ۵۳۳ هزار مورد بوده است که در همان سال رقم ازدواج‌هایی که به طلاق منجر شده‌اند بیش از نیمی از این تعداد ازدواج بوده‌اند. میزان ازدواج در سال‌های دهه اخیر به‌علت دشواری‌های اقتصادی - اجتماعی‌ای که گریبانگیر میهن ما شده است، بیش از ۴۰ درصد کاهش داشته است و از بیش از ۸۰۰ هزار ازدواج در سال به این تعداد - ۵۳۳ هزار - تنزل کرده است. نکته قابل توجه دیگر این است که محمود گلزاری، استاد دانشگاه علامه طباطبائی که در مقام مشاور پروژه «همدم» فعالیت می‌کند نیز در مراسم رونمایی از این به‌اصطلاح اپلیکیشن «همسر یابی» مورد قبول رژیم ولایت فقیه، از «فعالیت ۷۰۰ سایت غیرقانونی همسر یابی» در ایران خبر داد و این موضوع را به‌تنهایی نشانه «تقاضای زیاد» در جامعه دانست. غافل از این‌که نه‌تنها نبود «اپلیکیشن همسر یابی» مسئله مهم جوانان میهن ما نیست، بلکه واقعیت‌های زندگی جوانان میهن ما که بیش از یک‌سوم تعداد شهروندان را تشکیل می‌دهند، از شمار فزاینده بحران‌های اجتماعی - اقتصادی‌ای که رو در روی جوانان میهن ما حاکمی است. حاکمیت ولایت فقیه نه فقط توان حل این مشکل‌ها که جوانان را در ابتدای زندگی با همسر با دشواری‌هایی سخت روبرو می‌کنند را ندارد، بلکه با سیاست‌های اقتصادی نولیبرالی‌اش به ژرفا بخشیدن به این مشکل‌ها کمک می‌کند. با مرور برخی دیگر از این نوع برخوردهای رژیم ولایت فقیه با مشکلات می‌توانیم فاجعه‌بار بودن نتایج این سیاست‌ها را بهتر درک کنیم. در ادامه عملکرد مسخره رونمایی از اپلیکیشن همسر یابی اسلامی، به‌گزارش ۲۶ تیرماه ۱۴۰۰ مشرق نیوز، کانال تلگرامی محمدباقر قالیباف اقدامات مجلس برای تسهیل ازدواج جوانان و حمایت از خانواده و مصوبات مجلس برای «تسهیل ازدواج و حمایت از خانواده» را منتشر کرد. بررسی این مصوبات که در واقع هنوز عملی نشده‌اند و فقط روی کاغذ آمده‌اند، نشان می‌دهد که رژیم ولایت فقیه به‌جز تبلیغات برای توجیه بی‌کفایتی‌هایش و فریب کاری، قصد دیگری ندارد. در چارچوب این مصوبات، برخی تسهیلات مالی برای زوج‌های جوان و دارای یک فرزند و یا تعدادی بیشتر فرزند مطرح شده‌اند. گذشته از این که تسهیلات مالی، اعلام شده حتی درصدی کوچک از هزینه مسکن یک زوج جوان را تأمین نمی‌توانند کنند، از جمله / بیکاری، نبود امکانات رفاهی، ورزشی، آموزشی، و فرهنگی یعنی واقعیت‌های عینی جامعه که جوانان هرروزه با آن‌ها درگیر هستند اعتماد جوانان را به این‌گونه وعده‌های توخالی رژیم که هیچ‌گونه نظارتی بر نحوه انجام آن‌ها یا اساساً اجرایی شدن آن‌ها وجود ندارد به‌طور کلی از بین برده است. رژیم ولایت فقیه عجزش را در مورد حل معضل بیکاری به‌عیان نشان داده است و «برخلاف ادعاهای کارگزاران حکومتی دربارهٔ جهش تولید، رژیم ولایتی با ادامه سیاست‌های اقتصادی نولیبرالی بخش‌های غیرتولیدی و انگلی را قوی‌تر و گسترده‌تر

می‌کند. بدین صورت، با دامن زدن به سوداگری، فعالیت‌های غیرتولیدی، خام‌فروشی منابع روی زمین و زیرزمین میهن‌مان، و افزایش واردات جایگزین فعالیت‌های تولیدی‌ای شده‌اند که برای جوانان و دیگر طبقه‌ها و لایه‌های جامعه می‌توانستند ایجاد کار و مشاغل جدید کنند. آمار سازمان بین‌المللی کار نرخ بیکاری در بین نوجوانان میهن ما را در سال ۱۳۹۸، ۲۶ درصد نشان می‌دهد. این درصد دو برابر نرخ بیکاری جوانان در سراسر جهان است [به‌تقل از: مقاله «عجز رژیم ولایتی در حل معضل بیکاری جوانان»، نامه مردم، شماره ۱۱۲۳، ۲۷ بهمن‌ماه ۱۳۹۹].

کمیاب امکانات ورزشی و تفریحی برای جوانان و وجود قوانین ارتجاعی و قرون‌وسطایی که ورزش و تفریح را برای اکثر جوانان، و به‌خصوص دختران و زنان جوان، محدود می‌کند مشکل مشمئزکننده دیگر برای جوانان میهن ما است که به تحول نیازمند است و مانند مسئله ازدواج صرفاً با رونمایی از یک اپلیکیشن تلفن هوشمند حل نمی‌شود!

حوزه آموزش و پرورش و آموزش عالی نیز از عرصه‌های ناراضی جوانان است. نزدیک به ۲۰ میلیون دانش آموز و دانشجو در حالی که می‌توانند نیروی کارآمد و امیدبخش برای هر کشوری باشند برای رژیم ولایت فقیه نگرانی آور و هراس‌انگیز هستند چون این کابوس را برای رژیم به‌وجود آورده‌اند که مبادا این نیرو با رشد توان و سلامت جسمانی و اعتلا در اندیشه‌های مبتنی بر علم و افکار پویا به سدی محکم در رویارویی با تاریک‌اندیشی حکومت ولایت فقیه تبدیل شوند. در عرصه آموزش و پرورش آمار دو سال تحصیلی اخیر نشان می‌دهد که در نتیجه سیاست‌های اقتصادی نولیبرالی رژیم که خدمات آموزشی را کاهش داده و هزینه لازم برای دسترسی دانش آموزان به تجهیزات فناوریانه و اینترنتی را مقرر نکرده است، با شروع همه‌گیری کرونا و مجازی شدن آموزش، بیش از ۳ میلیون دانش آموز ترک تحصیل کرده‌اند. ولی وزارت آموزش و پرورش از چند ماه قبل از شروع سال تحصیلی اخیر این خبر را تکذیب کرد [نگاه کنید به: خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۷ خردادماه ۱۴۰۰]. این درحالی است که در استان‌های مختلف ارقام ارائه شده وزارت آموزش و پرورش این آمار را تأیید می‌کند. برای نمونه، معاون اداره کل آموزش و پرورش استان مازندران اعلام کرد که از ۵۳۸ هزار دانش آموز این استان حدود ۴۰ هزار دانش آموز از امکانات آموزش مجازی محرومند [نگاه کنید به: همان، ۱۵ مردادماه ۱۳۹۹]. در مناطق محروم‌تر کشور طبعاً این رقم بسیار بیشتر است و معضل محرومیت از تحصیل در شرایط کرونا جدی‌تر است. با اجرای سیاست‌های اقتصادی نولیبرالی به‌غایت ضد مردمی و خصوصی‌سازی، مسئولان در عوض چاره‌اندیشی مؤثر و هزینه‌کردن امکانات بیشتر برای مقابله با تأثیرهای همه‌گیری کرونا در آموزش و پرورش و آموزش عالی، به کاستن از کیفیت و کمیت امکانات آموزش عالی اقدام کرده‌اند. هدف مسئولان جمهوری اسلامی صرفاً نهادینه کردن ایدئولوژی و آموزه‌های ارتجاعی‌شان در مسیر حفظ رژیم ولایت فقیه است.

مهم‌تر از همه برای جوانان میهن‌مان شرایط اقتصادی و معیشت آنان است، یعنی واقعیت‌های عینی‌ای که زندگی را برایشان دشوار می‌سازد. جوانان و دانشجویان وقتی به آینده خود و دوستان‌شان فکر می‌کنند، دشواری‌هایی از قبیل پرداخت هزینه تحصیلی، تسهیلات جانی آموزشی مانند مسکن، خوراک و امکانات آموزشی از راه دور مدنظرشان است. پس از پایان دوران تحصیل شرایط بحرانی اقتصاد کشور و واپس گرایی فکری که مختص دیکتاتوری دینی جمهوری اسلامی است، عرصه را بر زندگی جوانان فارغ‌التحصیل تنگ می‌کند. نبود شغل مناسب برای جوانانی که برای اولین بار وارد بازار کار می‌شوند و نبود مسکن مناسب برای میلیون‌ها جوان که خواهان تشکیل خانواده هستند، مشکل‌های بزرگ دیگری هستند که برای آن هیچ اپلیکیشن (نرم افزار هوشمند) خاصی وجود ندارد! از این رو است که حاکمیت ولایت فقیه باعث می‌شود که هر سال تعداد هرچه بیشتری از جوانان با تحصیلات عالی و تخصص‌های حرفه‌ای که می‌تواند برای میهن‌مان مفید باشند و به زندگی پرثمر خویش در وطن خود ادامه دهند، از کشور مهاجرت کنند تا به‌دور از فشار دیکتاتوری دینی به زندگی دلخواه خود ادامه دهند.

همان‌طور که در طرح اسناد هفتمین کنگره حزب توده ایران درباره جوانان آمده است، «کشور ما دارای نیروی کار جوان عظیمی است که بخش چشمگیر از آن دارای تحصیلات و تخصص‌های مفید است. از طریق بهره‌وری عادلانه انسانی از این منبع و ثروت عظیم ملی باهدف ارزش‌افزایی مادی و معنوی می‌توان در راه انجام تغییرهای بنیادین اجتماعی - اقتصادی در کشورمان گام برداشت». حاکمیت ولایت فقیه با اتخاذ سیاست‌های نولیبرالی اقتصادی و برقراری خفقان فرهنگی و دینی، مانع اصلی رویارویی جوانان در تلاش آنان برای دستیابی به زندگی‌ای پرثمری برای خویش و شراکتی هدفمند به‌منظور توسعه و پیشرفت میهن ما است.

تتها راه پرهیزی جوانان میهن ما و دسترسی به خواست‌های‌شان، تحول بنیادین در تمام عرصه‌های اجتماعی - اقتصادی و سیاسی وطن ما است. این تحولات بنیادین با مشارکت همه نیروهای دموکراتیک و مترقی برای طرد رژیم ولایت فقیه به‌دست می‌آید.



## یک پیروزی کوچک که دل میلیون ها نفر را در سراسر جهان گرم کرد

کمونیست های اتریش جا دارد که خوشحال باشند و از شادی در پوست خود نگنجدند. هر روز یک چنین پیروزی نصیب کمونیست نمی شود، آن هم در چنین زمانی. در زمانه ای که نیروهای راست و فوق العاده راست در کشورهای اروپایی، در حکومت های مرکزی یا حکومت های محلی حضوری فعال دارند. پیروزی کمونیست ها در انتخابات شهرداری شهر گراتس اتریش در زمانه ای که حکومت ها و میلیاردرها، مجله ها و برنامه های تلویزیونی را می خرنند، همه پرسى ها ساختگی با نتیجه های دل خواه را سفارش می دهند و با هزاران ترفند پوشیده و گاه عربان و شیادانه تلاش می کنند، تا افکار عمومی را در راستای آماج های خود سازماندهی کنند، بسیار مسرت بخش و دلگرم کننده است. شهر گراتس پس از شهر وین، دومین شهر بزرگ اتریش است و نزدیک به سیصد هزار تن شهروند دارد.

### پیروزی نخستین زن کمونیست در اروپای غربی در انتخابات شهرداری در شهر گراتس (اتریش)

رفیق الکه کار (Elke Kahr) دبیرکل حزب کمونیست اتریش در شهر گراتس در مبارزه انتخاباتی که در روز یکشنبه ۲۶ سپتامبر برگزار شد، توانست با به دست آوردن ۲۹ درصد آرای داده شده، به یک پیروزی چشمگیر و خیره کننده دست یابد. رفیق الکه کار توانست در این انتخابات، شهردار کنونی گراتس از حزب مردم (حزب محافظه کار و راستگرا) را که ۱۸ سال آژگار در این مقام جاخوش کرده بود، کنار زند و با فاصله زیاد، پیروز این انتخابات شناخته شود.

اگرچه پیش از انتخابات پیش بینی می شد که آرای حزب کمونیست اتریش افزایش یابد ولیکن افزایش هشت و نیم درصدی آرای این حزب و کنار زدن حزب دست راستی مردم از اریکه قدرت را هیچ کس تصور نمی کرد. پیروزی کمونیست ها و به دست آوردن چنین نتیجه ای در انتخابات نه تنها در کشور اتریش، که در سراسر اروپا و حتی جهان بازتابی گسترده را با خود به همراه داشت.

نه تنها واکنشگن پست از "گراتس کمونیستی" خبر داد بلکه دیگر آژانس های دست راستی خبری چون بلومبرگ نیز نگرانی خود را از تحولات سیاسی اقتصادی این شهر در پی پیروزی کمونیست ها در مقام شهردار شهر بیان کردند.

از سوی دیگر اگر چه پیروزی کمونیست ها در شهر گراتس در سطح جهانی یک گام کوچک و یک پیروزی خرد شمرده می شود، اما با این حال این پیروزی توانست به گرم شدن دل میلیون ها تن و شعله کشیدن آتش شور و مبارزه در میان آنان کمک کند. نشریه های مترقی و چه به ویژه در کشور آلمان به بازتاب گسترده این پیروزی پرداختند و حتی خبرگزاری تلویزیون دولتی کشور چین نیز در برنامه های خود به این پیروزی اشاره کرد.

هواداران حزب توده ایران در اتریش بلافاصله پس از روشن شدن نتیجه انتخابات، این پیروزی را به رفقای رهبری حزب کمونیست اتریش و همچنین در پیامی جداگانه به رفیق الکه کار شادباش گفتند و از جمله نوشتند: «ما نیز همراه تو از این پیروزی خوشحالم و این پیروزی را همانند پیروزی خود می شمريم. این پیروزی پاسخی است به سال های طولانی و صافانه کار تو و همچنین رفقای دیگر که در خدمت و برای انسان ها انجام گرفته است.»

رفیق الکه کار در پاسخ خود از پیام شادباش هواداران حزب توده

ایران در اتریش صمیمانه سپاسگزاری کرد و با درودهای رزمجویانه از سوی حزب کمونیست اتریش - گراتس برای رفقای هوادار حزب، همه چیزهای نیک، خودباوری و توانی افزون تر آرزو کرد.

بنا بر گزارش حزب کمونیست اتریش در روزهای گذشته و پس از این انتخابات، بیش از دویست نفر از مردم عادی تقاضای عضویت و همکاری با حزب کمونیست اتریش را کرده اند.

پیروزی رفیق کار و حزب کمونیست در شهر گراتس نیازمند رمزگشایی و تجزیه و تحلیل های پیچیده نیست. این پیروزی یک رویداد اتفاقی نبود، بلکه نتیجه بیش از ۲۰ سال مبارزه و فعالیت خستگی ناپذیر، پیگیر و هدفمند رفقای کمونیست در جهت حل معضلات اجتماعی به ویژه در پهنه مسکن زحمتکشان، بیکاران و خانواده های محروم و نیازمند شهر گراتس (در استان اشتایر مارک) بود. در کشوری که ادعای یکی از ثروتمند ترین کشورهای دنیا را دارد.

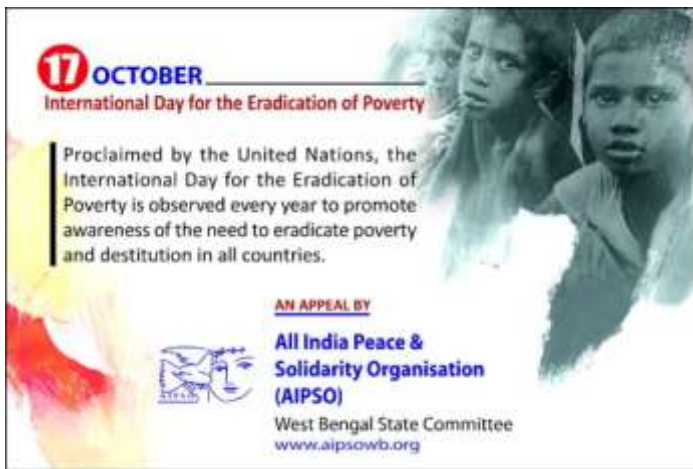
رفیق کار فعالیت های سیاسی و اجتماعی خود را از سال ۱۹۸۵ میلادی در کمیته شهری حزب کمونیست اتریش درگراتس آغاز کرد. در سالهای ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۴ معاون رهبری حزب و ۲۰۰۵ مسئول کمیته انتخاباتی حزب در استان اشتایرمارک شد. او از سال ۱۹۹۳ تا امروز عضو شورای شهر گراتس و از سال ۱۹۹۸ رئیس کلوب حزب در مجلس این شهر بوده است. او همچنین از کنشگران فعال در کمیته های گوناگون از جمله کمیته صلح و حقوق اجتماعی است. او به عنوان یک انسان مبارز و کنشگری فعال برای تأمین مسکن و گرفتن حقوق مستأجران نه تنها در میان هواداران حزب که در میان قشرهای گسترده و گوناگون جامعه در شهر گراتس، معروف و محبوب است. او از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۷ در شورای شهرداری شهر گراتس مسئول دایره مسکن بود و از سال ۲۰۱۷ تا کنون مسئولیت دایره ترافیک این شهر را بر عهده دارد. او در این سال ها در کنار امور ترافیک شهر همچنان به فعالیت های خود در عرصه مسکن نیز ادامه داده است.

بر پایه گزارش های مستند و نوشته منابع خبری گوناگون در اتریش نه تنها رفیق الکه کار بلکه همه رفقای کمونیست مسئول در شورای شهرداری شهر گراتس سال هاست که بیش از نصف تا دو سوم حقوق نقد دریافتی خود را ماهیانه به صندوقی جداگانه می ریزند و از آن جهت کمک به سامان دادن خانه های خراب و تهیه محل سکونت با کرایه های مناسب و همچنین جهت کمک های اجتماعی برای افراد نیازمند استفاده می کنند.

برای نمونه و بر پایه همین گزارش ها تنها رفیق الکه کار تا به حال با پرداخت دوسوم حقوق ماهانه خود نزدیک به نهمصد هزار یورو به این صندوق کمک کرده است. او پس از پیروزی در انتخابات در پاسخ به پرسش یکی از خبرنگاران که از او پرسید آیا از این پس نیز به عنوان شهردار گراتس کمک های مالی خود را انجام خواهد داد یا نه، گفت: «روشن است که انجام خواهیم داد. شهردار حقوق بیشتری دریافت می کند و من هم از این پس می توانم بیشتر کمک مالی بکنم.»

مردم تفاوت آشکار میان سیاستمدارانی از این دست و مانند رفیق الکه کار با سیاستمداران دزد و فاسد را می بینند و انتخاب می کنند. پیروزی رفیق کار و حزب کمونیست در شهر گراتس را باید همچنین در رابطه با دست رد زدن مردم به سیاست های ضد مردمی حزب های دست راستی حاکم در دهه های گذشته و کاربست سیاست تالیبرالی در زمینه های اجتماعی و به ویژه در عرصه مسکن و بازار کار دید و ارزیابی کرد.

حزب توده ایران این پیروزی را به رفقای حزب کمونیست اتریش و به ویژه به رفقای کمونیست در شهر گراتس و رفیق گرمای الکه کار شادباش می گوید و برای آنان موفقیت های بیشتر و گسترده تر را در پیش برد آماج های مردمی و مترقی آرزو می کند.



## برای حفظ صلح جهانی، از مداخله امپریالیستی در میانمار جلوگیری کنیم

نوشته آرون کومار، دبیر کل سازمان صلح و همبستگی سراسر هند (AIPSO)

میانمار از تاریخ کودتای نظامی در ۱۸ بهمن ماه ۱۳۹۹ (۶ فوریه ۲۰۲۱) در حال سوختن است. هزاران نفر در خیابان‌ها علیه کودتای نظامی و برکناری دولت دموکراتیک منتخب و دستگیری آنگ سان سوچی و همکاران حزبی او در اعتراض هستند.

کودتا و حکومت نظامی در میانمار، امری جدید نیست. در پی یک مبارزه طولانی برای دموکراسی و تشکیل دولتی مردمی، ارتش با واگذاری برخی از اختیاراتش، با برگزاری انتخابات آزاد و تشکیل دولت موافقت کرد. اعتراض‌های مردمی و همچنین فشار جامعه بین‌المللی به آنجا منجر شد که حاکمان نظامی مجبور گردیدند آنگ سان سوچی را که بیش از ۱۵ سال در زندان بود آزاد کنند. در انتخابات بعدی، حزب "اتحادیه ملی برای دموکراسی" (NLD) به رهبری سوچی پس از کسب بیشتر کرسی‌ها، انتخاب شد. در انتخابات سال ۲۰۲۰، بسیاری انتظار داشتند که حزب سوچی رأی کم‌تری به دست بیاورد. این پیش‌بینی اشتباه از آب درآمد و حزب "اتحادیه ملی برای دموکراسی" توانست، هرچند به تعداد کم، آرای بیشتری به دست بیاورد. این حزب که تا این مقطع زمانی در حمایت ارتش بود، با ابراز شگفتی، از انتخابات، به اتهام وقوع تخلفات، انتقاد کرد.

واقعیت امر این است که مردم میانمار از دولت سوچی ناراضی بودند. شکست آن در فراهم کردن اشتغال کافی، آن‌طور که وعده داده شده بود، موجب خشم مردم شد. فساد در سطوح مختلف حکومت نیز مورد اعتراض قرار گرفت. مردم همچنین از وضع کلی اقتصاد راضی نبودند. همه‌گیری کووید-۱۹ نیز در صدر تمام این مشکلات قرار گرفت. هنگامی که نظامیان کودتا را به مرحله اجرا درآوردند و سوچی و هم‌وطنانش را دستگیر کردند، انتظار داشتند که از این عوامل بهره ببرند. در شرایط حاضر این محاسبه اشتباه درآمد. ارتش ارزیابی می‌کرد که اعتراض‌هایی علیه کودتا صورت خواهد گرفت. ولی در محاسبه مقیاس اعتراض‌ها اشتباه کرد. مردم از دولت سوچی ناراضی بودند با این‌همه حاضر نشدند از حکومت نظامی حمایت کنند و حقوق دموکراتیکی را که پس از مبارزه‌ای سخت به دست آورده بودند از دست بدهند. رده‌های بالایی نیروهای مسلح با ایجاد شبکه اقتصادی‌ای قدرتمند در کشور از حمایت و منافع تجاری برخوردار شده‌اند. برخی از بخش‌های پردرآمد اقتصادی مانند سنگ‌های قیمتی، چوب، و منابع معدنی از سوی شرکت‌هایی کنترل و غارت می‌شوند که به وسیله ژنرال‌ها و افسران سابق اداره می‌شوند. کنترل کردن دولت از سوی ارتش به منظور حفظ قدرت و کنترل اقتصاد کشور ضروری است. هر دولتی که به‌طور دموکراتیک انتخاب شود و تسلیم خواسته‌های آنان نشود تهدیدی در برابر قدرت آنان به‌شمار می‌آید. از این روی، آنان این کودتا را سازمان‌دهی کردند و با اعتراض‌ها علیه کودتا و حشیانه مقابله می‌کنند.

نظامیان، هر فردی را که دستوراتشان را نقض کند و به نافرمانی مدنی متوسل شود دستگیر می‌کنند. ضرب و شتم‌ها و شکنجه‌ها به‌صورتی فزاینده و منظم گزارش می‌شوند. ارتش ادعا می‌کند گروه‌های تروریستی قومی مسلح با برنامه‌ای تفرقه‌افکنانه، رهبری این اعتراض‌ها را بر عهده دارند. پیش از این، ارتش برخی از پایگاه‌های چنین گروه‌های شبه‌نظامی مانند گروه‌های ساکن مناطق هم‌مرز با تایلند را بمباران کرده بود. این حملات به ویرانی تعداد زیادی روستا منجر شد و اغلب روستاییان را به فرار و عبور از مرزها مجبور کردند. اشاره‌ای مختصر به ترکیب قومی میانمار بی‌مناسبت نخواهد بود. میانمار کشوری با حدود ۱۳۵ گروه قومی است. در این میان

برمه‌ای‌ها بیش‌ترین تعداد (حدود ۵۰ درصد) جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند. آنان در نواحی مرکزی کشور ساکن هستند. باقی ۵۰ درصد جمعیت، تعداد زیادی از گروه‌های قومی را شامل می‌شوند. میانمار ۱۶۰۰ کیلومتر مرز زمینی با هند دارد. و همچنین با چین و تایلند و بنگلادش مرز خشکی طولانی دارد. بنابراین، بسیاری از گروه‌های قومی ساکن مناطق دورافتاده هستند و در نزدیکی مرز این کشورها زندگی می‌کنند. تنش بین گروه قومی اکثریت و سایر اقلیت‌ها از دیرباز وجود داشته است. تعداد زیادی از اقوام مسلح وجود دارند که ارتش خود را اداره می‌کنند و بخش اعظمی از این سرزمین‌ها را در کنترل خود دارند و در خلال چند دهه گذشته با ارتش میانمار در جنگ بوده‌اند.

برخی از گروه‌های مسلح مانند گروه کارن (ساکنان مناطق هم‌مرز با تایلند) و کاجین (ساکنان ناحیه هم‌مرز با چین) اعلام کرده‌اند که از جنبش دموکراسی خواهی حمایت می‌کنند و به آن‌ها ملحق خواهند شد. دولت ساقط شده حزب "اتحادیه ملی برای دموکراسی" که "دولت در تبعید" را اداره می‌کند، اظهار داشت که این نیروهای مسلح قومی دیگر "تروریستی" یا "غیرقانونی" محسوب نمی‌شوند. دولت حزب "اتحادیه ملی..." قصد خود را برای همکاری با این گروه‌ها به‌ویژه گروه هماهنگ کننده سیاسی موقت کاجین، برای تحقق "اهداف مشترک" از جمله ایجاد یک اتحاد دموکراتیک فدرال اعلام کرد. بسیاری از افراد که آشکارا از حمله به روهینگیا حمایت کردند و نظرات خشونت‌طلبانه و نفرت‌انگیز به شبکه‌های رسانه‌های اجتماعی ارسال کردند، هم‌اکنون عذرخواهی کرده و خواستار پیوستن به صف اعتراض‌ها شده‌اند. آنان تشکیل یک "ارتش فدرال" برای مبارزه با نظامیان را خواستار هستند.

نظامیان نیز آغاز به جلب رضایت بخش‌هایی از این گروه‌های قومی مسلح کرده‌اند. نظامیان اعلام کرده‌اند گروه مسلح اراکان که در راکین مستقر است و یکی از پرقدرترین گروه‌های مسلح کشور است یک گروه تروریستی نیست. ما باید به خاطر داشته باشیم که حملات علیه روهینگیا که سراسر جهان را تکان داد زیر نام مبارزه با گروه مسلح اراکان در راکین انجام گرفت.

همه این اقدام‌ها و واکنش‌ها می‌توانند بر توازن اجتماعی کشور تأثیر بگذارند و تحریک کننده احساسات و خشونت‌های قومی شوند. این درگیری‌ها می‌توانند در کشورهای هم‌جوار، از جمله هند، نیز تأثیرگذار باشند.

### میراث استعماری - مداخله امپریالیستی

حاکمیت استعماری بریتانیا در میانمار به‌صورت هدفمند موجب ایجاد اختلاف بین گروه‌های قومی می‌شد و وجود تبعیض دائمی به درگیری‌های مسلحانه طولانی دامن می‌زد. از سال ۱۸۸۶ تا ۱۹۳۷ میانمار به‌عنوان یکی از ایالات هندوستان بریتانیا اداره می‌شد. عدم وجود هرگونه مرز داخلی، به جایجایی گسترده کارگران و تاجران هندی به میانمار منجر می‌شد و انگلیسی‌ها به‌جای آموزش مقامات میانمار، بیشتر از کارمندان دولتی هندی برای اداره این استان استفاده می‌کردند. این مهاجرت‌های کنترل نشده به تنش‌های اجتماعی و شورش‌های عظیم بر علیه مهاجران منجر می‌شد.

رویکرد استعماری "تفرقه بینداز و حکومت کن" به این معنی بود که هنگام استقلال این کشور، میانمار دچار تفرقه‌ای ژرف و مملو از تنش‌های بین‌گروهی بود. پس از کسب استقلال، چند سازمان مسلح قومی برای خودمختاری بیشتر شروع به مبارزه کردند. تشکیل حکومت نظامی به تشدید این تنش‌ها منجر شد چرا که حقوق اقلیت‌های قومی محدودتر شده بود. دولت نظامیان، به‌رغم تکرار طوطی‌وار اعلام تعهد به برابری اقوام، برای قوم برمه‌ای که در اکثریت بودند برتری قائل می‌شد. این امر نارضایتی‌های اقلیت‌های قومی را افزایش داد.

در بنبوحه کنش‌های جهانی که در اواخر سال‌های دهه ۱۹۸۰ / ۱۳۶۹ با فروپاشی کشورهای سوسیالیستی در اروپای

## استبداد عریان و تجاوز به حقوق انسان‌ها در زندان‌ها

روز سه‌شنبه، ۳۰ شهریورماه ۱۴۰۰، شاهین نصری، یکی از شاهدان شکنجه‌های نوید افکاری که در این باره شهادت داده بود، در زندان اوین به‌طرز پرابهام جان باخت. به‌گزارش هرانا، ۲ مهرماه ۱۴۰۰، بابک اکتیا، وکیل دادگستری که وکالت تعدادی از زندانیان سیاسی را بر عهده داشته است، با انتشار مطلبی در فضای مجازی درباره مرگ شاهین نصری نوشته است: "شاهین یک روز قبل از مرگ با تلفن زندان تهران بزرگ [فشافویه] با من تماس گرفت و ضمن اینکه خواست وکالتش را مجدداً بر عهده بگیرم، گفته که از بند خارج شده و تلفن هم در اختیارش نیست و کارتش را گرفتند و از کارت دوستش استفاده می‌کند." دو روز پس از جان باختن شاهین نصری، در روز پنج‌شنبه یکم مهرماه ۱۴۰۰، امیرحسین حاتمی، ۲۲ ساله، اهل شهرستان سیروان از توابع استان ایلام، در همین زندان فشافویه - زندان بزرگ تهران - زیر شکنجه جان خود را از دست داد. همچنین، پیش از این خانواده یاسر منگوری، شهروند اهل پیرانشهر روز پنج‌شنبه ۱۸ شهریورماه، در پی تماس وزارت اطلاعات، از جان باختن فرزند خود در بازداشتگاه این نهاد مطلع شد. سازمان عفو بین‌الملل به‌تازگی در گزارشی نام و مشخصات ۷۲ زندانی ایرانی را اعلام کرده که در ۱۰ سال گذشته در ۴۲ زندان و بازداشتگاه‌های جمهوری اسلامی جان خود را زیر شکنجه از دست داده‌اند. تا کنون حتی یک نفر از مسئولان به‌خاطر این جنایت‌ها نه به دست عدالت سپرده شده و نه به پاسخگویی مجبور شده است.

حزب توده ایران بارها نسبت به جان‌زدانیان سیاسی - عقیدتی و دیگر معترضان مدنی در زندان‌های جمهوری اسلامی نگرانی شدیدش را اعلام کرده و از تمامی نهادهای مدافع حقوق بشر و حامیان حقوق انسانی اعتراض گسترده به رژیم در سطح بین‌المللی، افشای جنایت‌های آن، و حمایت از قربانیان آن را خواستار شده است. خبرگزاری هرانا، اول مهرماه ۱۴۰۰، به اخبار نقض حقوق بشر در شهریورماه سال جاری اشاره کرده و بر نزدیک به ۱۴ مورد اعدام، محکومیت‌های متعدد، احضارها، نقض گسترده حقوق زندانیان، نقض پایدار آزادی بیان و تجمع‌های کارگران از جمله در زمینه معوقات مزدی، و مواردی دیگر که در شهرها و استان‌های مختلف رخ داده تأکید کرده است. علاوه بر این، سازمان حقوق بشر در ایران، ۹ مهرماه ۱۴۰۰، در توییتی نوشته است: "با گذشت دو ماه از سکنه قلبی محمد نجفی، وکیل دادگستری محبوس در زندان اراک، همچنان با اعزاز به مرخصی درمانی وی مخالفت می‌شود. این وکیل زندانی علی‌رغم نیاز فوری به دریافت خدمات درمانی در مراکز تخصصی خارج از زندان، از دریافت حق مرخصی درمانی محروم است." آقای نجفی وکیل است که به‌دلیل وکالت و دفاع از بازداشتی‌های اعتراض‌های دی‌ماه سال ۱۳۹۶ بازداشت شده و ایشان را به ۱۳ سال زندان محکوم کرده‌اند. کانون مدافعان حقوق بشر به‌ریاست خانم شیرین عبادی، حقوقدان و برنده جایزه صلح نوبل، ۱۰ مهرماه ۱۴۰۰، با انتشار بیانیه‌ای به نقض گسترده حقوق زندانیان سیاسی گرفتار در بند اعتراض کرده و خواستار پایان دادن به آزار و اذیت زندانیان سیاسی شده است. در این بیانیه با اشاره به وضعیت خالد پیرزاده، نصرالله لشنی، سهیلا حجاب، و محمد نجفی، زندانیان سیاسی گرفتار در بند رژیم، نسبت به نقض آشکار حقوق بشر آنان هشدار داده است. باینهمه، بی‌اعتنا به تمام واکنش‌ها و اعتراض‌ها، رژیم مصمم است به‌شدت صدای هر کنشگر سیاسی و مدنی‌ای را در گلو خفه کند و قوه قضاییه وابسته به حاکمیت اصلی‌ترین ابزار رژیم برای انجام این جنایت‌هاست. تا زمانی که نیروهای سیاسی مترقی در داخل و خارج از کشور راهکاری عملی برای این معضل پیدا نکنند، نباید انتظار داشت فرایندهای پیش رو به‌نفع کنشگران مدنی و سیاسی رقم بخورد. شکنجه و قربانی کردن در زندان‌های جمهوری اسلامی هرگز بدون اطلاع سردمداران رژیم نبوده و نیست. حاکمیت ولایت فقیه، نه قانون می‌شناسد - حتا قانون‌های خودش - و نه به مقررات اجتماعی پایبند است! سران رژیم با قربانی کردن زندانیان سیاسی - عقیدتی خیانت‌هایشان به مصالح ملی را پرده‌پوشی می‌کنند. دستگیری و شکنجه و پرونده‌سازی مجدد برای سپیده قلیان، اعلام حکم جدید برای نرگس محمدی و پیمان شکبیا، دستگیری عزیز قاسم‌زاده (سخنگوی کانون صنفی معلمان گیلان)، و دستگیری غلامرضا غلامی کندیازی و مهدی فتحی (فعالان صنفی معلمان فارس)، تازه‌ترین نقض حقوق شهروندی و بشری از سوی رژیم به‌منظور خفه کردن صدای حق‌خواهی و بستن زبان گویای درد و رنج مردم ستمدیده و رنج‌کشیده از دست حاکمیت ضد مردمی است. حزب ما مدت‌هاست که با ارزیابی از شرایط کشور و توجه دادن به اساس و پایگاه طبقاتی رژیم حاکم، اعلام کرده است بدون طرد رژیم "ولایت فقیه" امکان تحول‌های عمیق و دموکراتیک به‌نفع مردم، به‌نفع عدالت اجتماعی و در جهت برقراری آزادی‌ها میسر نیست. بی‌تردید در این نبرد سرنوشت‌ساز سران رژیم مصمم‌اند سد راه خواست توده‌ها در مقابل تغییر و تحول در جامعه گردند ولی نیروی عظیم میلیونی توده‌ها این توان را دارند که بار دیگر مسیر حرکت آینده را باز کنند.

## ادامه ضرورت مقابله متحد...

شرقی رخ داد، رژیم نظامی تظاهر به تمایل به سوسیالیسم را کنار گذاشت. در عوض، بر تأمین رانت‌های اقتصادی و ایجاد شبکه‌های وابسته به خود تمرکز کرد. برای غارت منابع طبیعی در مناطق اقلیت‌های قومی، با دادن امتیازات اقتصادی به رهبران قومی، از یاری آنان بهره‌مند شد. باوجود غارت منابع طبیعی آنان به توسعه مناطق‌شان توجهی نشد. در همان زمان بود که حزب کمونیست برمه نیز قدرت خود را از دست داد. همه این تحولات موجب تفرقه و بیگانگی مردم از هم و از بین رفتن انسجام اقوام بر اساس هویت قومی‌شان شد. نیروهای امپریالیستی از این وضعیت برای حفظ تفرقه قومی و بحران در کشور استفاده کردند.

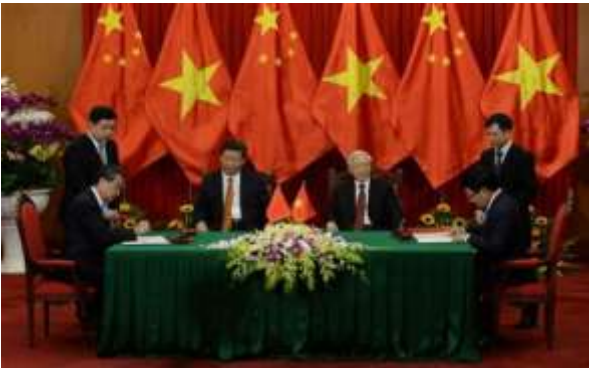
این که ارتش آزادی‌بخش کارن (KLA) ساخته سازمان اطلاعاتی بریتانیاست واقعیتی شناخته شده و پذیرفته شده است. آگاهان سیاسی خاطرنشان می‌کنند که بی بی سی، رادیو آسیای آزاد (با بودجه ایالات‌متحده)، صدای آمریکا، و جز این‌ها، به‌شدت مشغول مبارزه علیه حکومت نظامیان هستند و "با گروه‌های مسلح، از نزدیک هماهنگی دارند." سازمان اطلاعاتی بریتانیا سعی داشت تا گروه‌های مهم چریکی و جدایی‌طلب میانماری را گرد هم آورد و آن‌ها را تشویق می‌کرد تا از هرج‌ومرج موجود برای باز کردن جبهه دومی استفاده کنند. در اواسط ماه آوریل / فروردین اردیبهشت‌ماه، نخستین حمله مسلحانه بزرگ به ارتش از سوی سازمان اتحاد ملی کارن - قدیمی‌ترین گروه شورشی میانمار که ابتدا توسط استعمار انگلیس به‌عنوان نماد آن ایجاد شده بود - انجام گردید. از آن پس، چنین حمله‌هایی رایج شده است.

### توجهات اخیر

در نشست وزرای امور خارجه گروه جی-۷، ۳ تا ۵ ماه مه، میانمار از موضوع‌های عمده مورد بحث بود. در بیانیه منتشر شده از سوی این نشست آمده است که موضوع میانمار مورد بحث قرار گرفته است و این گروه اعمال تحریم‌هایی علیه آن را خواستار شده است. وزیر خارجه هند نیز در همان زمان در لندن بود و موضوع میانمار را با همتایان آمریکایی و بریتانیایی‌اش در میان گذاشت. همکاری هند برای موفق شدن ایالات‌متحده و بریتانیا در مداخله در میانمار، بسیار مهم است. ما باید سؤال کنیم چرا گروه جی-۷ به موضوع میانمار علاقه‌مندی نشان می‌دهد؟ پاسخ در موقعیت جغرافیایی میانمار نهفته است. این کشور نه‌تنها مرزهایی طولانی با چین و هند دارد، بلکه به خلیج بنگال نیز دسترسی دارد. کنترل خلیج بنگال و تنگه مالاکا به‌معنی کنترل خطوط دریایی اقیانوس هند است. این همان چیزی است که ایالات‌متحده در تلاش است تا آن را زیر عنوان "محور آسیا" یا "استراتژی هند و اقیانوسیه" یا کنترل "قرن آسیایی" به‌دست آورد. ناآرامی‌ها، هرج‌ومرج، و درگیری‌های مسلحانه در میانمار، موجب تضعیف این کشور شده‌اند. این وضعیت، برای مداخله امپریالیسم ایدئال است. پس از به هرج‌ومرج کشیدن غرب آسیا و ایجاد درگیری‌های دائمی در آنجا، هم‌اکنون شرق آسیا هدف قرار گرفته است. امپریالیسم شرکرت قدیمی‌اش یعنی استفاده از نارضایتی‌های عمومی برای تشویق به ایجاد درگیری مسلحانه، کشاندن کشور به هرج‌ومرج، اطمینان از تغییر رژیم، و به‌دست گرفتن کنترل را به اجرا گذشته است. این طرح در افغانستان و عراق و سپس در غرب آسیا/ شمال آفریقا به‌پیروزی رسید. اکنون این بازی در میانمار به‌نمایش درآمده است.

از سوی دیگر، اتحادیه کشورهای جنوب شرق آسیا - آسه‌آن (ASEAN) که میانمار از اعضای آن است، راه‌حلی پنج‌ماده‌ای از طریق گفتگو را برای بحران میانمار پیشنهاد کرده است. تأمین دموکراسی و صلح در میانمار ضرورتی فوری است.

فرصت دادن به موفقیت طرح‌های امپریالیستی در میانمار خطرناک است. نباید تصور کرد که میانمار جنگ‌زده تنها از چین و رشد آن جلوگیری می‌کند. در حقیقت هند و تمامی منطقه نیز به‌شدت تحت تأثیر قرار خواهند گرفت. برای برقراری صلح، باید توقف مداخله‌های امپریالیستی و احیای دموکراسی، حمایت از خواسته‌های دموکراتیک مردم و محکوم کردن انواع سرکوب‌ها را خواستار باشیم.



## شکاف انداختن بین چین و ویتنام، هدف ایالات متحده است. اما راهبرد «تفرقه بینداز و پیروز شو» دورنمایی ندارد!

ایالات متحده به ناو هواپیمابرش با نام یواس رونالد ریگان دستور داده است تا موقعیتش را در آب‌های نزدیک دریای چین جنوبی حفظ کند. بخشی از راهبرد ایالات متحده در این منطقه، بهره‌بری از وجود اختلاف ارضی بین چین و ویتنام برای ایجاد شکاف بین دو کشور سوسیالیستی است.

کم‌وبیش هم‌زمان با این روی داد "قام مین چین"، نخست‌وزیر ویتنام و "وانگ یی"، وزیر امور خارجه چین در هانوی در ۲۰ شهریورماه باهم دیدار داشتند. دو کشور متعهد شدند که به قدرت‌های خارجی اجازه ندهند آن‌ها را در برابر یکدیگر به بازی بگیرند.

یکی از کهن‌سال‌ترین ترفندهای نظامی و سیاسی در تاریخ انسانی "تفرقه بینداز و غلبه کن" است که می‌توان آن را در امپراتوری مقدونیه کهن دریایی کرد. در دوران نوین، هنری کیسینجر، وزیر امور خارجه دولت نیکسون، موفق شد دو کشور چین و اتحاد جماهیرهای شوروی را علیه یکدیگر به سود ایالات متحده به بازی بگرد. اکنون دولت ایالات متحده بر آن است تا دوباره آن سیاست را به کار بگیرد و می‌کوشد بین ویتنام و چین پدر دشمنی بپراکند. واشنگتن امیدوار است که شاید بتوان ویتنام را به سوی ائتلافی ضد چینی بکشاند. باید گفت این تلاش‌ها شکست خورده و در آینده هم شکست خواهد بود.

طبقه حاکم ایالات متحده سر برآوردن چین را تهدیدی برای نظم جهانی تک‌قطبی و سرمایه‌داری پس از جنگ سرد می‌بیند و از روی درماندگی قصد دارد کشورها را به اردوگاهی ضد چینی بکشاند. ایالات متحده به‌تازگی استرالیا را به لغو قرارداد عمده تسلیحاتی با فرانسه و پیوستن به ایالات متحده و بریتانیا در توافق نامه زبرداری هسته‌ای "آوکوس" باهدف تهدید چین واداشت. دولت آمریکا همچنین درصدد بود تا با زیر فشار گذاشتن ویتنام اجازه ساختن پایگاه دریایی ایالات متحده در خاک ویتنام را به‌دست آورد. دلیل خوش‌بینی دولت آمریکا این بود که با توسل دوباره به راهبرد تفرقه بینداز و غلبه کن و با زیر فشار گذاشتن ویتنام می‌تواند این کشور را در پیوستن به ائتلافی ضد چینی وادار کند. ویتنام و چین در مورد مالکیت جزیره‌های پاراسل و اسپرانلی در دریای چین جنوبی (که در ویتنام به دریای شرقی مشهور است) از مدت‌ها پیش اختلاف ارضی دارند. طراحان ارتش آمریکا بر این باور بودند که این اختلاف می‌تواند بهانه‌ای برای ایجاد شکاف بین این دو کشور شود. دولت ایالات متحده از دریافت یا پذیرش چند جنبه مهم سیاست خارجی ویتنام کوتاهی می‌کند.

نخست و مهم‌تر از همه، در سیاست خارجی ویتنام قانونی دیرینه وجود دارد که این کشور را از پیوستن به هرگونه ائتلاف نظامی بازمی‌دارد. به‌ویژه ائتلاف‌هایی که علیه کشور دیگری به کار گرفته می‌شوند. افزون بر این، دولت ویتنام بارها گفته است که به هیچ کشور خارجی اجازه نمی‌دهد پایگاه یا تسهیلات نظامی در خاکش بسازد. این سیاست‌ها بنیان‌های تلاش ویتنام برای همزیستی مسالمت‌آمیز با همه کشورها به‌شمار می‌روند. اما این‌طور دریافت می‌شود که این سیاست‌های بنیادی، ایالات متحده را از ادامه تلاش‌هایش برای در برابر هم قرار دادن ویتنام و چین بازخواهد داشت.

دولت ویتنام در داشتن مناسبات با همه کشورها، به‌رغم هر اختلاف‌نظری که ممکن است با آن‌ها داشته باشد، قاطعانه تلاش می‌کند. درواقع، پیمان مجمع ملت‌های جنوب شرقی آسیا (آسه‌آن) که ویتنام یکی از اعضای اصلی آن است، چندی پیش تأیید کرد که برای گره‌گشایی از اختلاف‌های ارضی مختلف در دریای چین جنوبی فقط راه‌کارهایی مسالمت‌آمیز دنبال خواهند شد. اگر دلیل‌های بالا برای بیهوده نشان دادن تلاش‌های ایالات متحده در این راستا بس نباشد، دلیل مهم دیگری نیز وجود دارد و آن واقعیت پُر اهمیت مناسبات بسیار نیرومند بین دو کشور سوسیالیستی باوجود اختلاف‌نظر بین آن‌ها است. این امر به‌ویژه در سال گذشته با برگزاری چندین نشست در سطح مقام‌های بلندپایه دولتی بین چین و ویتنام و نیز بین نمایندگان دو حزب کمونیست که کشورشان را اداره می‌کنند، نمود یافته است. پس از انتخابات ویتنام در

فروردین‌ماه ۱۴۰۰، شی جین‌پینگ، رئیس‌جمهور چین با نگوین ژوان‌پوک، رئیس‌جمهور ویتنام صحبت کرد. در آن گفتگو، شی جین‌پینگ در مورد ضرورت همکاری دو دولت برای پیش‌برد سوسیالیسم در کشورهایشان صحبت کرد. مدت کوتاهی پس از آن، وزیر دفاع چین، سرلشکر "وی فنگه"، در سفر به هانوی با همتای ویتنامی‌اش سرلشکر "قان‌وان گیانگ" دیدار کرد.

در این نشست گیانگ گفت که حفظ مشارکت راهبردی و همکاری دفاعی برای هر دو کشور مهم است. در پایان این دیدار، دو وزیر دفاع بر امضای تفاهم‌نامه بین دو ارتش نظارت کردند. این نشان‌گر رفتار دو نیرویی نیست که خواهان درگیری با یکدیگرند، مهم نیست که دولت ایالات متحده چقدر چنین درگیری‌ای را خواهان است. سپس، در شهریورماه گذشته، ساعتی پیش از اینکه کاملاً هریس، معاون رئیس‌جمهور آمریکا، برای انجام دیداری رسمی به ویتنام برسد، قام مین چین، نخست‌وزیر ویتنام با شیونگ بو، سفیر چین در هانوی دیدار کرد. در این نشست درباره جنبه‌هایی از مناسبات ویتنام و چین ازجمله روابط بین حزبی، روابط خارجی، و روابط امنیتی گفتگو شد. مهم‌تر از همه این که این دو مقام رسمی درباره ضرورت "هشیاری" در برابر ترفندهای نیروهای خارجی‌ای که سعی می‌کنند بین دو کشور تفرقه و درگیری به‌وجود آورند، به‌گفتگو پرداختند.

زمان و محتوای این نشست تصادفی نبود. این پیامی واضح به هریس بود که هرگونه تلاشی برای پدید آوردن ناسازگاری بین کشورها نتیجه‌بخش نخواهد بود.

چند هفته پیش نیز وزیر امور خارجه چین، وانگ یی، برای گفتگو با بلندپایگان دولت ویتنام از هانوی دیدن کرد. نخست‌وزیر ویتنام در دیدارش با وزیر امور خارجه چین به او گفت اولویت اصلی دولت ویتنام ادامه و توسعه روابط بین دو کشور و دو حزب حاکم کمونیست است.

هفته گذشته، ۲ مهرماه، شی جین‌پینگ، رئیس‌جمهور چین که دبیرکل حزب کمونیست چین هم است، با همتای ویتنامی‌اش نگوین فو ترونک، دبیر کل حزب کمونیست ویتنام، به‌گفتگو نشست. در این گفتگو، این دو درباره همکاری مشترک برای ادامه روابط تجاری و اقتصادی رو به‌رشد میان چین و ویتنام، مبارزه با همه‌گیری کووید-۱۹، و تضمین پایداری صلح در دریای چین جنوبی سخن گفتند. دبیرکل حزب کمونیست چین در این گفتگو افزود که همکاری این دو کشور با همدیگر برای حفظ نظام‌های سوسیالیستی‌شان به سود هر دو کشور است.

مناسبات میان چین و ویتنام، مانند مناسبات میان همه کشورهای مستقل با یکدیگر پیچیدگی‌هایی دارد. با این حال، تصویر دو کشور در آستانه جنگ که قدرت‌های ضد چین می‌خواهند از این دو کشور ترسیم کنند، در بهترین حالت توهم و در بدترین حالت دروغی بیش نیست. گمان می‌رود کسانی که در واشنگتن بر طبل جنگ سردی تازه می‌کوبند از تلاش برای برانگیختن درگیری میان ویتنام و چین و کشاندن ویتنام به ائتلاف ضد چینی‌شان دست برنخواهند داشت.

با این حال آنان نمی‌توانند این را بفهمند که چنین درگیری‌ای با چین، با خطامی دولت ویتنام، اصول حزب کمونیست ویتنام، و خواسته‌های مردم ویتنام در تضاد است.

## چین، هدف پیمان زیردریایی‌های هسته‌ای ایالات متحده و بریتانیا با استرالیا

(به‌قلم سی. جی. آتکین، سردبیر نشریه "جهان مردم"، نشریه اینترنتی حزب کمونیست آمریکا)

چین پیمان نظامی جدید ایالات متحده و بریتانیا که قرار است استرالیا را برای شناسایی و گشت‌زنی در اقیانوس آرام و هند با ناوگان زیردریایی هسته‌ای تجهیز کند در حکم تهدیدی برای "ثبات و صلح منطقه" محکوم کرده است. این کشور خود را هدف آشکار ایالات متحده و بریتانیا به‌وسیله ناوگان هسته‌ای استرالیا می‌بیند.

ژائو لیجیان، سخنگوی وزارت خارجه چین، در ۲۵ شهریورماه گفت پیمان میان سه کشور به "مسابقه تسلیحاتی" در منطقه اقیانوس هند و آرام دامن می‌زند و به تلاش‌های جهانی به‌منظور منع گسترش جنگ‌افزارهای هسته‌ای به‌شدت آسیب می‌رساند.

این پیمان جدید که به "آوکوس" موسوم است، در خلال کنفرانس خبری‌ای مشترک با حضور جو بایدن، رئیس‌جمهور ایالات متحده، بوریس جانسون، نخست‌وزیر بریتانیا، و سکات موریسون، نخست‌وزیر استرالیا در صبح روز ۲۵ شهریورماه ۱۴۰۰ اعلام گردید.

بایدن این پیمان‌نامه را "گامی تاریخی" برای "پاسخ‌گویی به محیط راهبردی کنونی در منطقه" دانست و آن را حفاظت از "هند و اقیانوس آرام آزاد و باز" نامید. جانسون آن را "ستونی نو" در راهبرد بریتانیا کشوری که مدت‌ها قدرت استعماری در منطقه بود دانست. موریسون گفت که ساختن هشت زیردریایی با توانایی هسته‌ای با یاری ایالات متحده و بریتانیا "منطقه‌ای امن‌تر و ایمن‌تر به ارمغان خواهد آورد".

### جنگ سرد تازه

این پیمان در شرایطی بسته می‌شود که ایالات متحده از سال گذشته به افزایش تدریجی قدرت نظامی‌اش پرداخته و از دید بسیاری از تحلیل‌گران مرحله‌های نخستین جنگ سردی جدید است که به‌هدف بازداشتن اقتصاد رشدیابنده چین و محدود کردن نفوذ بین‌المللی‌اش به‌راه افتاده است.

هیچ کدام از این سه رهبر در خلال این کنفرانس خبری از چین نامی نبردند، اما کنتمان نمی‌توان کرد که پیمان زیردریایی‌ها - آوکوس - مستقیماً قدرت رو به رشد چین سوسیالیستی را هدف قرار داده است. دیگر سیاست‌گذاران مرتبط با دولت‌های این سه کشور تا آنجا که توانسته‌اند به این امر اعتراف کرده‌اند.

توییت‌های تام توگندها، نماینده پارلمان از حزب محافظه‌کار انگلیس، پس از اعلام خبر انعقاد این پیمان بی‌پرده و ستیزه‌جویانه بودند. او نوشت: "دلیل همه این‌ها روشن است: چین، پس از سال‌ها زورگویی و خصومت تجاری، و مشاهده دست‌اندازی به آب‌های کشورهای منطقه مانند فیلیپین، استرالیا چاره‌ای جز این نداشت. ایالات متحده و بریتانیا هم همین‌طور." توگندها رئیس کمیته امور خارجی پارلمان بریتانیا است.

یوینر جینگر، رئیس اندیشکده نظامی‌ای برجسته متمرکز در انستیتوی سیاست راهبردی استرالیا، به خبرگزاری آسوشیتدپرس گفت: "ما نخستین زیردریایی در این رشته جدید را باید شی جین پینگ بنامیم (که اشاره به نام رئیس‌جمهور چین دارد) هیچکس به اندازه رهبری کنونی حزب کمونیست چین مسئول گزینش این مسیر از سوی استرالیا نیست."

اتهام ضد کمونیستی جینگر به شی چیکیده‌ای از ارزیابی کلی از پیمان زیردریایی‌ها است و در بیشتر رسانه‌ها دیده می‌شود. مناسبات پرتنش اخیر میان دو پایتخت کانبرا و پکن به‌منزله اصلی‌ترین عامل چرخش استرالیا ارزیابی می‌شود که با به اصطلاح توسعه‌طلبی چین در دریای چین جنوبی و چنگ‌اندازی به تایوان انگیزه‌های دیگر این تنش را تکمیل می‌کند.

چندین کشور از جمله ویتنام، فیلیپین، مالزی، برونئی، چین، و کشورهای دیگر درحال حاضر بر چندین جزیره در دریای چین جنوبی ادعای مالکیت دارند. اما هیچکس از سه عضو پیمان نظامی اخیر بر مالکیت این جزیره‌ها که مبنایی برای فعالیت ناوگان دریایی‌شان در این منطقه باشد ادعایی ندارند. اما روشن و

آشکار است که ایالات متحده و بریتانیا هر دو ناوهای نظامی‌شان را برای تحریک چین گسیل داشته‌اند و به رزمایش‌هایی در منطقه و در آب‌های نزدیک تایوان که چین آن را استانی جدا شده از خود می‌داند دست زده‌اند. استرالیا با زیردریایی‌های هسته‌ای جدیدش بدون شک به این گشت‌های دریایی خواهد پیوست.

ایالات متحده دیر زمانی است که با اشتیاق در پی جلب استرالیا بوده است به این امید که آن را از دادوستدهای اقتصادی با چین دور کند. ایالات متحده این دولت را به پیوستن به آرایش نظامی دیگری به‌نام گفتگوی امنیتی چهارگانه یا "کوآد" کشانده است. دو کشور دیگر در این آرایش نظامی هند و ژاپن‌اند که شبه‌ائتلافی ضد چینی‌ای دیگر است.

### سودهای صادرات کانی در خطر

استرالیا با درغلتیدن در پیوندهای نظامی تنگاتنگ‌تر با امپریالیسم ایالات متحده به قمار مالی بزرگی دست می‌زند. باوجود اختلاف‌های تجاری اخیر استرالیا با چین، کشور چین با فاصله‌ای زیاد نسبت به دیگر شرکا بزرگ‌ترین شریک تجاری استرالیا است. از اوایل سال جاری میلادی، چین ۴۰ درصد کل صادرات استرالیا را به خود اختصاص داد. ولی ایالات متحده تنها ۱۱ درصد از تولیدات استرالیا را برای بازار جهانی خریداری کرد.

ذخیره‌های کانی به‌ویژه سنگ‌آهن لازم برای تولید فولاد، بزرگ‌ترین صادرات استرالیا به چین است. رشد و توسعه اقتصادی چین به‌معنای افزایش چشم‌گیر سود برای شرکت‌های کانی استرالیا و جهان در سال‌های اخیر بوده و درآمد مالیاتی زیادی برای دولت استرالیا به‌ارمغان آورده است.

اما کاهش تولید فولاد از سوی چین و اعلام رعایت آیین‌نامه‌هایی سخت‌گیرانه در نظارت بر شرایط اقلیمی که بر انتشار دهندگان بزرگ گاز کربن مانند پالایشگاه‌های سنگ‌های کانی و کارخانه‌های تولید فولاد ضربه می‌زند، مایه نگرانی غول‌های بهره‌بردار کانی استرالیا شده چندان که ممکن است به مشتریانی جدید به‌منظور فروش فرآورده‌های‌شان نیاز داشته باشند. بهای سنگ‌آهن نسبت به اوج ارزش پیشین‌اش ۴۵ درصد کاهش یافته است که دلیلش به‌میزان زیادی تغییر سیاست‌های چین است و به‌این جهت شرکت‌های کانی استرالیا از کاهش سودهای خالص‌شان دلواپس‌اند.

تنها چند ساعت پیش از اعلام خبر بسته شدن پیمان زیردریایی آوکوس، "سازمان همکاری و توسعه اقتصادی" - یکی از بزرگ‌ترین نهادهای برتر گسترش بینش سرمایه‌داری و "بازار آزاد" در جهان - خواستار آن شد که استرالیا از چین رویگردان شود.

در گزارشی که "سازمان همکاری و توسعه اقتصادی" در ۲۴ شهریورماه منتشر کرد، به استرالیا هشدار داد که تجارت بیش از اندازه با چین کشورش را "آسیب‌پذیر" می‌کند. در این گزارش آمده بود که استرالیا "توانایی تغییر مسیر تجارت خود به سوی بازارهای صادراتی‌ای دیگر را باید بررسی کند" و "تولیدکنندگان مرتبط با یکدیگر را هدف‌مندانده یاری برسانند." تفسیر این گزاره چنین است: از تجارت با چین دست بردارید و از آن شرکت‌های کانی که به‌دنبال خریداران جدید هستند حمایت مالی کنید.

### گسترش ناتو در اقیانوس آرام؟

هنگامی که اندیش‌کده‌ها برای ثبات سودهای شرکت‌های کانی دلواپسی نشان می‌دهند، دیگران نگران پیامدهای جغرافیایی سیاسی (ژئوپولیتیک) پیمان زیردریایی‌ها، عینار تنگن، تحلیل‌گر مستقر در چین، به رسانه الجزیره گفت این پیمان‌نامه "پژواک دیپلماسی کشتی‌های توپ‌دار دوران استعماری است."

تمامی نشانه‌ها اشاره به آن دارند که پیمان زیردریایی‌ها همراه با رزمایش‌های "کوآد" همراه با ژاپن و هند و گرایش استرالیا به کاهش تجارتش با چین آغاز حرکت به سوی تحکیم ائتلاف نظامی و اقتصادی‌ای بزرگ‌تر بر ضد چین است. به‌نظر می‌رسد هدف این پیمان - به‌سرکردگی امپریالیسم ایالات متحده و سرکرده استعمارگران یعنی انگلیس در نقش رهبری‌ای کوچک‌تر - وارد کردن بیش‌ترین تعداد از کشورهای منطقه آسیا/هند/اقیانوس آرام در این پیمان باشد.

این تلاش به تلاش ایالات متحده در برپایی سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) زیر نام پیمان نظامی ضد کمونیستی بر ضد اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در سال‌های ۱۹۴۰ شباهت فراوان دارد.

به‌اشتراک گذاشتن فناوری

زیردریایی هسته‌ای با استرالیا

## ادامه «اسناد پاندورا» نشان می‌دهد ...

(تراست) در آمریکا پراکنده‌اند، از جمله ۸۱ مورد در داکوتای جنوبی و ۳۷ مورد در فلوریدا.

این بررسی‌ها نشان داد که مشاوران به ملک عبدالله، پادشاه اردن، کمک کردند که در فاصله ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۷ دست‌کم ۳۶ شرکت پوششی تأسیس کند، و ۱۴ خانه به ارزش بیش از ۱۰۶ میلیون دلار در آمریکا و بریتانیا بخرد. یکی از اینها، خانه‌ای به ارزش ۲۳ میلیون دلار در کالیفرنیا، مشرف به اقیانوس آرام، بود که در سال ۲۰۱۷ از طریق شرکتی مستقر در جزایر ویرجین بریتانیا خریده شده بود. بر اساس اسناد افشا شده، یک حسابدار انگلیسی در سوئیس و چند وکیل در جزایر ویرجین بریتانیا از جمله این مشاوران بودند.

ملک عبدالله در اظهارنظری که روز دوشنبه ۴ اکتبر [۱۲ مهر] از طریق کاخ سلطنتی منتشر کرد، هرگونه خلافکاری را تکذیب کرد و پنهان‌کاری در عملیات مالی را به دلایل امنیتی لازم دانست و گفت که از بودجه دولتی استفاده نکرده است. وکیل‌های بریتانیایی عبدالله گفتند که وی طبق قوانین کشورش ملزم به پرداخت مالیات نیست و از منابع دولتی هم سوءاستفاده نکرده است. این وکیل‌ها همچنین گفتند که اکثر شرکت‌ها و دارایی‌ها و املاک ذکر شده در گزارش به پادشاه مربوط نیستند یا دیگر وجود ندارند، اما از ارائه جزئیات خودداری کردند.

تونی بلر، نخست‌وزیر بریتانیا در فاصله سال‌های ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۷، به خاطر خرید شرکتی مستقر در جزایر ویرجین بریتانیا که صاحب یک ساختمان ۸/۸ میلیون دلاری عهد ویکتوریا در لندن بود، صاحب آن ملک شد. بر اساس گزارش پژوهشی منتشر شده، آن ساختمان اکنون دفتر حقوقی همسر تونی بلر است. این زوج، شرکت مزبور را از خاندان وزیر صنعت و گردشگری بحرین، زاید بن راشد الزیانی خریدند. بررسی افشاگر روزنامه‌نگاران نشان می‌دهد که خریداری سهام آن شرکت به جای خریدن مستقیم آن ساختمان در لندن، آقا و خانم بلر را از پرداخت بیش از ۴۰۰ هزار دلار مالیات معاف کرد.

کندوکاو روزنامه‌نگاران نشان داد که هر دو خانواده بلر و الزیانی گفته‌اند که در ابتدا، هیچ‌کدام نمی‌دانستند که آن دیگری طرف این معامله است. شری بلر گفت که شوهرش در این خرید، که به گفته او به خاطر "بازگرداندن آن شرکت و آن ساختمان به زیر نظام مالیاتی و نظارتی بریتانیا بوده است"، نقشی نداشته است. او همچنین گفت که نمی‌خواست است که مالک یک شرکت مستقر در جزایر ویرجین بریتانیا باشد و اینکه "فروشنده به دلایل شخصی خودش، فقط می‌خواست است که شرکت را بفروشد"، که اکنون تعطیل شده است. وکیل خاندان الزیانی گفت که آنها مطابق قوانین بریتانیا عمل کرده‌اند.

این گزارش همچنین معامله‌ای را بررسی کرده است که خانواده سلطنتی بریتانیا در آن شرکت داشته است. پس از انتشار گزارش مزبور، نهاد پادشاهی "املاک سلطنتی بریتانیا"، که در واقع شرکت املاک متعلق به ملکه الیزابت دوم است، اعلام کرد که معامله ۶۷ میلیون پوندی (۹۱ میلیون دلاری) خرید یک ساختمان در لندن را از شرکتی که ظاهراً پوششی برای کسب‌وکارهای خانواده الهام علی‌اف، رئیس‌جمهور آذربایجان است، بررسی خواهد کرد. روزنامه گاردین نوشت که این معامله، پرسش‌هایی را در این مورد پیش آورده است که آیا این معامله باید از نظر پولشویی مورد بررسی قرار گیرد یا نه. علی‌اف، که از سال ۲۰۰۳ بر جمهوری آذربایجان حکومت می‌کند، متهم به فساد و نقض حقوق بشر است.

نهاد "املاک سلطنتی بریتانیا" اعلام کرد که قبل از خرید آن ملک، بررسی‌های لازم را انجام داده است، ولی با توجه به پرسش‌های مطرح شده، اکنون دوباره "موضوع را بررسی می‌کند". عمران خان، نخست‌وزیر پاکستان، متهم به هیچ تخلفی نیست. بر اساس یافته‌های روزنامه‌نگاران پژوهشگر، اطرافیان نزدیک به او، از جمله شوکت فیاض احمد تارین، وزیر دارایی پاکستان، متهم به پنهان کردن میلیون‌ها دلار ثروت در شرکت‌ها و حساب‌های آلمانی (تراست) پنهانی هستند. عمران خان در توییت خود وعده داده است که "پول‌های به دست آمده از تخلف" را برمی‌گرداند و گفت که دولت وی از همه

افرادى که نامشان در اسناد پاندورا ذکر شده است، تحقیق خواهد کرد و در صورت نیاز، اقدام لازم را خواهد کرد.

کنسرسیوم روزنامه‌نگاران فاش کرد که کنستانتین ارنست، مدیر برنامه‌های پوتین و مدیر اجرایی مهم‌ترین شبکه تلویزیونی روسیه، پس از مدیریت المپیک زمستانی ۲۰۱۴ در سوچی، برای خرید و توسعه سینماهای دوران شوروی و املاک اطراف آنها در مسکو، تخفیف گرفت. ارنست به روزنامه‌نگاران گفت که آن قرارداد محرمانه نبود و این اتهام را که او امتیاز خاصی در این خرید داشته است، رد کرد.

پژوهش‌های روزنامه‌نگاران آشکار کرد که باییش، نخست‌وزیر جمهوری چک، در سال ۲۰۰۹، مبلغ ۲۲ میلیون دلار در شرکت‌های پوششی گذاشت تا از این طریق یک قصر اشرافی در بلندی‌های روستای موژین در فرانسه، در نزدیکی شهر کن، بخرد. بر اساس اسنادی که Investigate.cz، از همکاران کنسرسیوم در جمهوری چک، به دست آورده است، شرکت‌های پوششی و ملک اشرافی مزبور در اظهارنامه‌های باییش ذکر نشده‌اند.

این پژوهش نشان داد که یک گروه سرمایه‌گذاری املاک که باییش غیرمستقیم در آن مشارکت دارد، در سال ۲۰۱۸ شرکت موناکویی صاحب آن قصر را خرید. باییش هر گونه تخلف در این معامله را رد کرده است. او گفته بود که هدف این گزارش، تخریب وجهه او در آستانه انتخابات پارلمانی جمهوری چک است که در روزهای جمعه و شنبه گذشته برگزار شد. اداره جرائم سازمان یافته پلیس جمهوری چک اعلام کرده است که در این مورد تحقیق خواهد کرد.

میلو یوکانوویچ، رئیس‌جمهور مونته‌نگرو، پس از اینکه نامش در فهرست رهبرانی قرار گرفت که از حساب‌های بانکی پنهانی برای مخفی کردن دارایی‌های خود استفاده کرده‌اند، با درخواست استعفاش از ریاست‌جمهوری روبرو شد. دفتر وی گزارش یکی از شبکه‌های خبری محلی مونته‌نگرو را با این ادعا که وی و پسرش با ایجاد یک حساب آلمانی (تراست) ثروت خود را در پشت شبکه پیچیده‌ای از شرکت‌ها پنهان کرده‌اند، تکذیب کرد.

## ادامه چین، هدف پیمان ...

حرکتی مهم در راستای این تلاش است. در این ارتباط بریتانیا تنها کشوری است که تا کنون ایالات متحده دانش هسته‌ایش را با آن در میان گذاشته است و آن هم در میانه جنگ سرد با اتحاد جمهوری‌های شوروی بود.

سختن بوریس جانسون در جریان امضای اوکوس نشان از آن داشت که فراهم ساختن زیردربایی‌ها فقط مورد نخست در دستورکار این پیمان است. او گفت: "ما انتظار داریم تولید دیگر سامانه‌های دفاعی پیشرفته در زمینه فضای مجازی یا سایبری، هوش مصنوعی، شمارگرهای کوانتومی، و توان‌مندی‌های زیردربا را شتاب بخشیم."

به نظر می‌رسد مقام‌های ایالات متحده و بریتانیا وقتی بی‌وقفه از اهمیت گسترش جنگ‌افزارهای هسته‌ای به‌ویژه هنگامی که پای ایران و کره شمالی در میان است دم می‌زنند به دورویی‌شان در کمک به استرالیا در توسعه کشتی‌ها با توانایی هسته‌ای هیچ توجهی ندارند.

در همین حال، یکی از کشورهای جنوب اقیانوس آرام که به‌صراحت از پیوستن به این پیمان خودداری کرد کشور نیوزیلند است. این کشور از سال‌های دهه ۱۹۸۰/۱۳۵۹ خود را کشوری بدون جنگ‌افزارهای هسته‌ای اعلام کرده است. جاسیندا آردن، نخست‌وزیر نیوزیلند، گفت نیوزیلند برای پیوستن به این پیمان دعوت نشده بود، ولی به‌رحال اگر هم می‌شد به آن جواب رد می‌داد. آردن گفت: "برای همه نیوزیلندی‌ها و برای استرالیا نیز باید بسیار روشن باشد که چرا نیوزیلند نمی‌خواهد بخشی از این طرح باشد."

فرانسه نیز به‌ضد این پیمان به‌تندی سخن رانده است، اما نه به‌این دلیل که با این پیمان نظامی یا گسترش جنگ‌افزارهای هسته‌ای مخالف است. با بسته شدن پیمان اوکوس، پیمان‌نامه پیشین میان فرانسه و استرالیا برای تولید ناوگان زیردربایی‌ای کوچک‌تر با سوخت دیزلی فسخ می‌شود. بنابراین، فرانسه در موقعیت غافلگیر شدن از سوی یک سوداگر بزرگ‌تر جنگ‌افزار قرار گرفته است.

## «اسناد پاندورا» نشان می‌دهد که چگونه میلیاردرها و رهبران فاسد، ثروت خود را پنهان می‌کنند



دارایی‌های دیگری مثل تابلوهای نقاشی، سرمایه‌هایشان را مخفی کرده‌اند. طبق قوانین موجود، بسیاری از این فعالیت‌های مالی غیرقانونی به نظر نمی‌رسد.

میلیاردرهایی که در این گزارش از آنها نام برده است، شامل ارمان ایلیچاک، غول ساختمان‌سازی ترکیه، و رابرت بروکمن، مدیرعامل سابق شرکت سازنده نرم‌افزار به نام «رینولدز و رینولدز» است. در میان بیش از ۳۳۰ سیاستمدار فعلی و پیشین که از حساب‌های پنهانی سود می‌برند، این نام‌ها دیده می‌شود: عبدالله دوّم، پادشاه اردن؛ تونی بلر، نخست‌وزیر سابق بریتانیا؛ آندره بابیش، نخست‌وزیر جمهوری چک، اوهورو کنیانا، رئیس‌جمهور کنیا، گی‌رمو لاسو، رئیس‌جمهور اکوادور، و نزدیکان عمران خان، نخست‌وزیر پاکستان، و ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه.

بر اساس این گزارش پژوهشی افشاگر، بسیاری از حساب‌های این افراد برای فرار از مالیات و پنهان کردن دارایی‌های آنها به هر علت دیگر باز شده است. روز بعد از انتشار این گزارش، برخی از افراد مورد نظر، اتهام‌های مطرح شده را قاطعانه رد کردند. سون گیگولد، نماینده حزب سبزها در پارلمان اروپا، گفت: «این داده‌های درز یافته جدید را باید زنگ خطر دانست. فرار مالیاتی در سطح جهان، به نابرابری در سطح جهان دامن می‌زند. اکنون ما باید اقدام‌های متقابل را گسترش و شدت دهیم».

مؤسسه آکسفم اینترنشنال، که کنسرسیومی از نگاه‌های خبریه در بریتانیا است، انتشار «اسناد پاندورا» را تحسین کرد؛ به این دلیل که نمونه‌های بی‌شمارانه حرص و طمعی را افشا می‌کند که کشورها را از درآمد مالیاتی محروم می‌کند، درآمدی که برای تأمین مالی برنامه‌ها و پروژه‌های عام‌المنفعه می‌تواند استفاده شود. آکسفم در بیانیه‌ی نوشت: «علت بیمارستان‌هایی که نداریم، در همین جاست. این پول‌ها، حقوق‌های معلمان و آتش‌نشانان و کارمندان است که لازم داریم».

کمیسیون اروپا، بازوی اجرایی اتحادیه ۲۷ کشور اروپایی، در واکنش به این افشاگری‌ها گفت که در حال آماده کردن پیشنهادی قانونی جدید برای افزایش شفافیت مالیاتی و تقویت مبارزه با فرار از مالیات است.

اسناد پاندورا ادامه پروژه مشابهی است که همین گروه از روزنامه‌نگاران در سال ۲۰۱۶ با نام «اسناد پاناما» منتشر کردند. افشاگری جدید بسیار گسترده‌تر است و مبتنی بر اطلاعات نشت شده از ۱۴ شرکت خدمات‌رسانی اینترنتی است که در ۳۸ منطقه قضایی متفاوت کار می‌کنند. برخی از اسناد مربوط به دهه ۱۹۷۰ میلادی است. ولی تاریخ بیشتر آنها در بین سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۲۰ است.

این گروه روزنامه‌نگاران در پژوهش خود، حساب‌های ثبت‌شده در گریزگاه‌های خارجی شناخته‌شده، از جمله جزایر ویرجین بریتانیا، سیشل، هنگ‌کنگ، و بلیز را کندوکاو کردند. ولی برخی از حساب‌های پنهانی نیز در

میان چند حساب آمانی

برخی از اشخاصی که نام آنها در اسناد پاندورا آمده است: ستون سمت چپ از بالا: آندره بابیش، نخست‌وزیر جمهوری چک؛ ولودیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین، عمران خان، نخست‌وزیر پاکستان. ستون میانی از بالا: تونی بلر، نخست‌وزیر سابق بریتانیا و ملک عبدالله دوّم، پادشاه اردن. ستون راست از بالا: الهام علی‌اف، رئیس‌جمهور آذربایجان، اوهورو کنیانا، رئیس‌جمهور کنیا، و کنستانتین ارنست، از نزدیکان ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور و مدیر اجرایی ارشد مهم‌ترین شبکه تلویزیونی روسیه.

ترجمه شده از پاپلز وُرد، ۴ اکتبر ۲۰۲۱، با استفاده از گزارش‌های آسوشیتدپرس.

گزارش جدیدی که تازگی منتشر شده است فاش می‌کند که چگونه در ۲۵ سال گذشته، میلیاردرها، رهبران کشورها، سیاستمداران قدرتمند، و دیگران، از حساب‌های بانکی خارجی برای پنهان کردن دارایی‌ها و ثروت‌های خود که بالغ بر تریلیون‌ها دلار می‌شود، استفاده کرده‌اند. گزارش افشاگر کنسرسیوم بین‌المللی روزنامه‌نگاران پژوهشگر از یک سو موجب شد که وعده‌هایی درباره اصلاحات در نظام مالیاتی داده شود، درخواست‌هایی برای استعفاى شخصیت‌ها و انجام تحقیقات بیشتر مطرح شود، و از سوی دیگر، افراد متهم را به توضیح دادن و انکار کردن وادار کرد. نتیجه پژوهشی که ۶۰۰ روزنامه‌نگار از ۱۵۰ رسانه در ۱۱۷ کشور انجام دادند، در روز یکشنبه ۳ اکتبر [۱۱ مهر] با عنوان «اسناد پاندورا» منتشر شد.

در بررسی ۱۲ میلیون پرونده که از ۱۴ شرکت در سراسر جهان به دست آمده بود، فاش شد که صدها سیاستمدار، سلب‌بیتی، رهبر مذهبی، و قاچاقچی مواد مخدر با تبدیل کردن پول‌های خود به کاخ‌های بزرگ، ویلاهای لوکس ساحلی، کشتی‌های خصوصی، و

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس‌های زیر از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK

آدرس پستی:

<http://www.tudehpartyiran.org>

آدرس‌های اینترنت و «ای-میل»

E-Mail: [dabirkhaneh\\_hti@yahoo.de](mailto:dabirkhaneh_hti@yahoo.de)

**Nameh Mardom No. 1140**  
**Central Organ of the Tudeh Party of Iran**

11 October 2021

شماره فاکس و تلفن  
پیام گیر ما

004930  
23629727

